



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

شور اسلام

محمد حسینی شیرازی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شورا در اسلام

نویسنده:

آیت الله العظمی سید محمد شیرازی (ره)

ناشر چاپی:

یاس زهرا (س)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	شورا در اسلام
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۶	مقدمه ناشر
۹	مقدمه مؤلف
۹	فصل اول: نگاهی به شورا
۱۹	فصل دوم: دموکراسی مشورتی
۳۲	فصل سوم: مشورت از دیدگاه روایات
۴۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

شورا در اسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی شیرازی محمد، ۱۳۰۵ - ۱۳۸۰
 عنوان قرارداد: الشوری فی الاسلام فارسی
 عنوان و نام پدیدآور: شورا در اسلام / محمد حسینی شیرازی؛ ترجمه علی خنیفرزاده؛ زیر نظر واحد پژوهش‌های موسسه فرهنگی رسول اکرم (ص).
 مشخصات نشر: قم: یاس زهرا علیها سلام ۱۳۸۷.
 مشخصات ظاهری: ۱۷۰ ص.
 شابک: ۲۲۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۴۳-۶-۴۶
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
 موضوع: شورا (اسلام)
 شناسه افزوده: خنیفرزاده، علی، مترجم
 شناسه افزوده: موسسه فرهنگی رسول اکرم (ص)
 رده بندی کنگره: BP۲۳۱/ح ۵ ش ۴۱ ۱۳۸۷
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۳۳۱۸۳

اشاره

یکی از بیماری‌ها، که گریبانگیر بشریت شده و او را از سیر طبیعی بسوی کمال عقب نگه داشته، بیماری استبداد در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی می‌باشد. لذا مکتب اسلام به طور جدی با استبداد مبارزه کرده و راه استقرار دموکراسی را ارائه داده است، سیستم (شورا) از دیدگاه اسلام زیربنای ایجاد موازنه سیاسی میان ملت و رهبر می‌باشد و ضامن اجرای عدالت اقتصادی و اجتماعی است، ناگفته پیداست که اسلام نسبت به نظام شورا اهمیت فراوانی قائل شده و در آیات قرآن و روایات اسلامی اشاره‌های گوناگونی به آن گردیده است.

کتاب (شورا در اسلام) ما را به گوشه‌هایی از مزایای سیستم شورای اسلامی و کیفیت اجرای آن راهنمایی می‌کند، همچنین مؤلف محترم بخشی از کتابش را به احزابی که از نظام شورا سرچشمه می‌گیرد اختصاص داده و به سیستم دموکراسی غربی و احزاب مخالف و نیز احزاب فاشیستی بلوک شرق که از نظر نویسندگان کتاب مردود شناخته شده، اشاره نموده است.

مقدمه ناشر

مقدمه ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم در دگرگونی‌های ناهنجار مستمر و دائمی که با شتاب زیادی در قرن اخیر در کشورهای اسلامی به وقوع

پیوسته و پیش می‌رود، هرگونه بازگشت عزّت و شکوه از دست رفته را مشکل می‌نماید و نیز در تغییرهای وسیع و گسترده‌ای که روز به روز و با سرعت، به از هم‌پاشیدگی هرچه بیشتر روابط اجتماعی، روح اخوت، اطمینان و اعتماد بین افراد می‌انجامد و حالت سرگردانی را در مردم ایجاد می‌کند و جامعه را به سوی یأس و ناامیدی سوق می‌دهد، سؤالهایی در ذهن‌ها پدید آمده که اساساً چه عامل و یا عواملی موجب بروز این همه نابسامانی عمومی و رویدادهای دردناک در جوامع اسلامی گردیده است؟! به راستی آیا در پی شناخت ریشه‌های درد و سپس دنبال علاج رفتن، و به کاستی‌های موجود و نیازمندی‌ها ضروری جوامع اسلامی نیندیشیدن، و فراهم نیاوردن برنامه‌های لازم در جهت دین‌داری و دین‌باوری نسل معاصر که در عصر جهش اندیشه‌ها سخت مورد تهاجم گسترده جهان کفر در عرصه‌های داخلی و خارجی قرار گرفته است، و کوچک‌نگری و تنگ‌نظری در مسایل و زیرساخت‌های مهم و اساسی و رخت بر بستن خصیصه‌های جامع‌نگری، دوراندیشی، ژرف‌نگری و بی‌اعتنایی ملموس نظریه پردازان و قلم به دستان فهیم و آگاه نسبت به رخدادهای اطراف خود و بی‌توجهی نسبت به پیامدهای زیان بار این بی‌مهری و شتاب حریصانه استعمارگران و دشمنان دین در تبلیغات ناصحیح و دروغین بر علیه احکام و قوانین منطبق با عقل و فطرت دین مبین اسلام و منحرف ساختن اذهان و کم و بیش موفقیت تأسف بار آنان، همه از عوامل این ناکامی‌ها و نابسامانی‌ها نبوده و نیست؟! و آیا تاریخ سلف صالح نمایانگر صمیمیت، معرّف محبت‌ها، یادآور روح اخوت و برادری و نشان‌گر تبعیت و پیروی از مکتب نیست؟! اکنون که در میان امواج خشمگین دریای حوادث گرفتار آمده‌ایم و ابرغم سایه‌های شومش را گسترده و طوفان درد و رنج وزیدن گرفته است چه باید کرد؟! آیا وظیفه آن است که خود را مانند گاهی بی‌ارزش و بی‌اراده به دست امواج طغیان‌گر بسپاریم تا ما را به هر سو که خاطر خواه آنها است بکشاند و سرانجام در گرداب فساد و نابودی رها سازد؟! یا باید در این دریای پرتلاطم و امواج ناپایدار، خود نیز موج و موج‌شکن شویم و موج‌های کفر و الحاد، ظلم و بی‌عدالتی را درهم بشکنیم و امت‌های سرگردان را به ساحل هدایت و رستگاری رهنما باشیم؟! آیا امید به صلاح و اصلاح آرزوی بیهوده و عبث است؟! آیا سکوت نمودن در برابر تحریف‌ها، بدعت‌ها و دست‌بردهای دزدان دین و عقیده منطبق با منطق اسلام است؟! آیا تنها نظاره‌گر مشکلات و بدبختی‌های مسلمانان بودن و خود را از هرگونه درگیری با سختی‌ها و رهانیدن و در گوشه‌ای لمیدن، منطبق با منطق اسلام است؟! آیا در محیطی کوچک و تنگ و در گوشه‌ای تنها به فکر خود بودن و گاه به حال مسلمین و مظلومین حسرتی دروغین خوردن، منطبق با منطق اسلام است؟! آنان که این گونه می‌اندیشند با حدیث شریف: (من نادى یا للمسلمین! فلم یجیبوه فلیس بمسلم) چه می‌کنند؟! و با روایت شریف: (إذا ظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه و الا فعلیه لعنة الله) چه می‌کنند؟! و آنها که این گونه می‌اندیشند با ده‌ها روایت وارده از انوار طیبیه الهی، این بازگوکنندگان شریعت محمدی (ص) چه می‌کنند؟! بیایید به اسلام آن گونه که هست عمل کنیم و از توجیه‌ها و مصلحت‌اندیشی‌ها دست برداریم، بیایید زخم‌های دردناک و جانکاهی که دشمن بر ما وارد ساخته را با مرهم بازگشت به دین و با به کار بستن دقیق دستورات دین علاج کنیم. از جمله قوانین دین مبین اسلام، که از حیاتی‌ترین و ارزنده‌ترین دستورهای شریعت جهت سلامت جامعه و نیل به اهداف والای انسانی است، مسئله شورا و مشورت می‌باشد که سخت مورد توجه پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) و امیر مؤمنان (ع) در زمان حکومتشان بوده است و در روایات اهل بیت طاهرین (ع) بر آن تأکید فراوان شده است و در صدر اسلام تا قرن‌ها بعد در کارها و امور اجتماعی، مشورت مرحله‌ای پیش از آغاز مقدمات و پرداختن به اصل عمل بود. اما از آن زمان که مسلمانان در کارهای خود از عمل به این دستور الهی روی برگرداندند و هر کس خود را از مشورت با دیگران بی‌نیاز دید و دیگر دستورات الهی را هم ترک نمودند، سیل مشکلات و گرفتاری‌ها بر جوامع اسلامی فرود آمد و این وعده الهی است: (و من أعرض عن ذکرى فإنّ له معیشةً ضنکاً). با نگرشی گذرا به تاریخ و احادیث فراوانی که در زمینه مشورت رسیده است می‌توان به برخی از فواید و اثرهای این اصل عقلی و دینی اشاره نمود که عبارتند از: ۱- هم‌فکری و هماهنگی در مقام عمل و برقراری نوعی تفاهم و پیوند دوستانه میان افراد. ۲- رشد، شکوفایی و بهره‌وری از استعدادها در مسایل اجتماعی. ۳- بالا رفتن ضریب دستیابی

به بهترین رأی و مصوبیت از اشتباه و خطا. ۴- تبلور روح اعتماد به نفس و یقین به برخورداری از حقّ تعیین سرنوشت در مردم و نیز احترام نسبت به رأی اتخاذ شده. ۵- در پرتو اطاعت از امر خالق متعال و بنا به فرموده اولیای الهی و ائمه طاهرین (ع) با عمل به مشورت، رشد، هدایت، یمن و فلاح حاصل و برکت نازل می‌گردد. ۶- تضمین تداوم کار در سایه شورا. ۷- دوری از انتقادهای مغرضانه. و امّا نسبت به فرد لایق از برای مشورت در روایات شریفه و بزرگی‌هایی بیان شده است همانند: مؤمن، پرهیزکار و خداترس، عادل، عاقل، با تجربه، آگاه به احکام و معالم دین، شجاع، هوشیار، ناصح و راز نگهدار. چنانچه رعایت کامل دو شرط زیر در جهت مفید و مثمر بودن مشورت فوق‌العاده مهم می‌باشد: ۱- باید مشورت براساس قبول واقعیت‌ها و نه اعمال و تحمیل نظر بر دیگران، صورت پذیرد. ۲- باید شخص مشاور در هرگونه اظهار نظر از آزادی کامل برخوردار باشد و در غیر این صورت بسیاری از مستبدین و دیکتاتورها هستند که تنها نام شورا و مشورت را شعار قرار داده و هرگز به آن عمل نمی‌کنند، همان طور که پس از رحلت جانسوز پیامبر عظیم‌الشأن (ص) در حالی که هنوز پیکر مطهر آن اشرف رسل به خاک سپرده نشده بود، عده‌ای ریاست طلب در سقیفه جمع شده و برخلاف دستور خدا و پیامبر، دیگری را تعیین کردند و به دروغ نام شورا را بر آن گذاشتند. آری: آن گاه که انسان از انسانیت تهی شود این گونه طغیان‌گر و سرکش می‌گردد. امّا آنان که همواره تسلیم و منقاد خالق متعال اند جز به امر او راهی نروند و جز بر رضای او سخنی بر زبان نرانند. و امیر مؤمنان (ع) آن رهبر و سر سلسله خوبان و اطاعت کنندگان امر خدا و رسول، به مردم خود چنین می‌فرماید: (فلا- تکلمونی بما تکلم به الجابرة... فلا تکفوا عن مقاله بحقّ او مشوره بعدل...) آن گونه که با جباران (از ترس ظلم و ستم ایشان) سخن گفته می‌شود با من سخن مگوئید... و مبادا که از سخن حقّ یا مشورت به عدل خودداری کنید. و اینک کتاب حاضر یکی از تألیفات مرجع عظیم‌الشأن حضرت آیه‌الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی (دام ظلّه) است، مرجع بزرگواری که بالغ بر هزار و پنجاه کتاب ارزنده و مفید در قطع کوچک و بزرگ، در علوم مختلفه تألیف و حوزه‌های علمیه و امت اسلامی را از علم سرشار و نظرهای راهگشای خود بهره‌مند ساخته است که از جمله می‌توان به دوره فقهی و استدلالی (الفقه) اشاره نمود که بیش از صد و پنجاه جلد و بالغ بر هفتاد هزار صفحه می‌باشد و بزرگترین دائرةالمعارف فقهی جهان تشیع به شمار می‌رود (۱). یکی از جمله مسایلی که سخت مورد توجه و عنایت معظم له بوده و هست، مسئله مشکلات و گرفتاری‌های مسلمانان جهان امروز و به خصوص شیعیان در عصر حاضر است که کتاب‌هایی نیز در این زمینه و راه‌های رهایی از سیل مشکلات تألیف نموده‌اند، معظم له شدیداً نسبت به بازگشت کلیه قوانین اسلامی، آزادی‌ها، و برادری‌ها، و تحقق امت واحد، و الغاء تمامی قوانین غیر اسلامی که از غرب و شرق برای نابودی کشورهای اسلامی به ارمغان آورده شده و برچیده شدن مرزهای جغرافیایی که استعمار کمتر از یک قرن است با شعارها و توجیحات دروغ به تقسیم کشورهای اسلامی پرداخته و در پی آن موجب تشّت و اختلاف میان مسلمانان گردیده است، و تشکیل شورای مراجع به عنوان مهمترین و بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در مسایل مهم و حل مشکلات، بازگشت روح شورا و مشورت در میان مسلمانان و تکیه بر این اصل مهم اسلامی در تمامی شئون تأکید نموده و تحقق این امور را تنها راه علاج دردها و سامان یافتن نابسامانی‌ها می‌داند. کتاب حاضر که متن عربی آن به نام (الشّوری فی الاسلام) است که بارها به زیور طبع آراسته گشته نیز در راستای آشنایی هرچه بیشتر امت اسلامی با یکی از این قوانین و راه‌های علاج است که با اسلوبی زیبا به بررسی مسئله شورا پرداخته و اشکالهای احتمالی که ممکن است در این زمینه طرح شود را عنوان نموده و به آن پاسخ داده‌اند و در پایان روایات وارده از ائمه طاهرین (ع) در تشویق و ترغیب مسلمین بر عمل به این قانون اسلام و حکم الهی و اهمّیت آن اشاره نموده‌اند. به آن امید که در پرتو عمل به دستورهای حیات‌بخش دین مبین اسلام و مسئله شورا این قانون شرعی و عقلی، بار دیگر در دل‌های خدایپرستان جرقه زده، عزّت، شوکت، عظمت، و اقتدار اسلام و مسلمین باز گردد.

۱- برای آشنایی هرچه بیشتر با آن معظم‌له به کتاب نگرشی به زندگی آیه‌الله العظمی شیرازی مراجعه فرمائید.

مقدمه مؤلف

مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين واللعنة على أعدائهم أجمعين پس از حمد و ستایش پروردگار متعال و درود و سلام بر پیامبر اکرم حضرت محمد بن عبدالله (ص) و اهل بیت طاهرين (ع) کتاب (شورا در اسلام) که متضمن چکیده‌ای از این مبحث اسلامی است را برای روشن شدن و آشنایی هرچه بیشتر پژوهش‌گران با ابعاد و جوانب این قانون مهم و اساسی اسلام تألیف نمودم، از خداوند متعال مسئلت دارم توفیق عمل به شورا را به تمامی مسلمین عطا فرماید تا در پرتو آن عزت و خوشبختی از دست رفته خود را باز یابند عمل به این دستور الهی خود اطاعت از پروردگار و موجب رضای ذات اقدسش خواهد بود و پاداش آن بهشت جاودان می‌باشد که خداوند متعال آن را پاداش پرهیزکاران قرار داده است. این بحث را به سه فصل تقسیم نمودم: فصل اول: توضیح پاره‌ای از ابعاد شورا است که این فصل شامل بخشهای زیر می‌باشد: ۱- مشورت کننده ۲- طرف مشورت ۳- اصل مشورت ۴- مشورت در چه اموری است؟ ۵- و چرا؟ ۶- آیا مشورت لازم است؟ ۷- آیا وجود مشاور ضروری است؟ ۸- آیا عمل بر طبق مشورت الزامی است؟ ۹- قدر و منزلت مشورت و مشاور چیست؟ ۱۰- و آن چگونه است؟ فصل دوم: بیان برخی ویژگی‌ها و نحوه حکومت مشورتی. فصل سوم: بیان جمله‌ای از روایات در باب مشورت. از خداوند متعال مسئلت دارم، که این کتاب را مورد استفاده من و خوانندگان قرار دهد و آن را مقدمه پیاده شدن قوانین اسلامی قرار دهیم، و هوالمستعان.

قم مقدس - ۱۴۰۸ هجری محمد الشیرازی

فصل اول: نگاهی به شورا

در توضیح پاره‌ای از ابعاد شورا

۱ و ۲- هر چیزی که به نحوی به شئون امت مربوط می‌شود بایستی در آن مشورت صورت گیرد خواه این مشورت در اصل یا این که در فرع باشد، همانند مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، فرودگاه‌ها، کارخانجات، صنایع سنگین و غیره، زیرا این گونه مراکز با اموال و دارایی‌های امت دایر و راه‌اندازی می‌شود. همچنین در مورد پست‌های دولتی از ریاست جمهوری، وزارتخانه، مجلس، استانداری، شهرداری، بخشداری، و غیره، که این مشورت ناشی از دو جهت می‌باشد: اول: این گونه مراکز تماماً از اموال امت است و در این مورد فرق نمی‌کند که از خمس باشد یا از زکات و یا از درآمد فروش معادن و مانند این‌ها، و هیچ کس حق ندارد در مال دیگری بدون اذن او تصرف کند. دوم: اداره این گونه مراکز و یا اداره شئون آن یا مردم توسط دولت خود نوعی تصرف در مال و نفس امت است و این تصرف جایز نیست مگر با اجازه مردم. روشن است که رضایت و اجازه امت در طول و پس از اذن پروردگار متعال می‌باشد پس لازم است دخالت و تصرف در این گونه امور پس از اجازه اولیه خالق متعال با اجازه امت صورت پذیرد. زنان

نیز از چنین حقی برخوردارند که در فصل جداگانه‌ای بیان شده است مشروط بر آن که شروط لازم را داشته باشند و به عبارت دیگر اگر اموال و تصرف در شئون و اداره دولت به آن‌ها هم مربوط باشد اذن و اجازه آن‌ها نیز لازم است و همچنین است در مورد کودکان که طبق احکام فقه اجازه آن‌ها به دست اولیای شرعی آن‌ها می‌باشد. نباید بگوییم که مردم از مراجع، تقلید می‌کنند پس اگر مراجع مدیران و مسئولینی را جهت اداره شئون مختلفه امت منصوب کردند کافی است و نیازی به کسب اجازه از مردم نمی‌باشد زیرا آن‌ها وکلای امت و در واقع جانشینان پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه طاهرین (ع) می‌باشند! در جواب باید بگوییم: اگر امت اختیار تام در همه زمینه‌ها به مراجع تفویض نموده‌اند، این حرف صحیح می‌باشد و الا این گونه تصرفات صحیح نیست زیرا هیچ‌گونه ارتباطی میان منصب فقاہت و مرجعیت و اجازه تصرف در شئون امت که بدان اشاره شد وجود ندارد و بدیهی است که تا کنون چنین واگذاری بی‌حد و مرزی تحقق نیافته است و حتی فقیهان که پس از معصومین (ع) در رأس هرم عقل و عدالت قرار دارند این گونه تصرفات را در محدوده اختیارهای خود نمی‌دانند و به خوبی واقفند که مشورت بهترین الگو برای بررسی آرائی و نظرها و رسیدن به بهترین نتیجه می‌باشد و اگر در تمامی مسایل و زمینه‌ها از روستا گرفته تا شهر و از اتحادیه‌های دانش آموزی تا بزرگترین اداره مملکتی که همه براساس مشورت عمل شود شایستگی‌ها و استعدادها شکوفا و چرخ زندگی با شتاب بیش‌تری به حرکت و پیشرفت خود ادامه می‌دهد و بدین ترتیب مشخص می‌شود که چه کسی باید مشورت کند و چه کسی مورد مشورت قرار گیرد. پس تمامی مجموعه یک امت مشورت شونده هستند و اگر چه مشورت در هر زمینه مربوط به مورد خاص خود می‌باشد لکن اطلاق لفظ مشورت همه آن‌ها را دربر می‌گیرد هر چند که ویژگی و خصوصیات در چهارچوب عرف عاقلان و با در نظر گرفتن زمان، مکان، و شرایط لازم ملاحظه می‌گردد همانگونه که کلیات و مسایل مهم دین بر اساس روایات وارده از معصومین (ع) بوده و جزئیات بر آن کلیات تطبیق می‌شود چنانچه در حدیث شریف است که می‌فرماید: (بیان اصول با ما، و انطباق فروع بر آن اصول بر عهده شما است) (۱). ۳ - مشورت به معنی نظرخواهی برای دست یابی به دیدگاه‌ها و نظرهای صحیح می‌باشد که این نظرخواهی در باب حکومت واجب و ضروری است چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: (وَأمرهم شوری بینهم) (۲). مؤمن ویژگی‌های خاص خود را دارا می‌باشد که یکی از آنها مشورت است، و شورا هم در میان واجبات ذکر شده و این خود نمایانگر وجوب سیاقی و صفتی آن می‌باشد و پروردگار متعال می‌فرماید: (وما عندالله خیر وابقی للذین آمنوا وعلی ربهم یتوکلون والذین یجتنبون کبائر الاثم والفواحش و اذا ما غضبوا هم یغفرون والذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم و مما رزقناهم ینفقون) (۳). گفتیم که مشورت جزء صفات مؤمنین بیان شده است، پس ظاهراً دلیل بر وجوب آن این است که در کنار اعمال روزانه خود پرهیز از گناهان کبیره و اقامه نماز و دیگر واجبات را ذکر کرده‌اند و این هم دلیل دیگری بر وجوب آن می‌باشد زیرا سیاق آیه بر آن دلالت دارد. البته ایراد نکنید که توکل (و بخشیدن گناه دیگران) واجب نیست، زیرا: اولاً: اگر دلیلی بر عدم وجوب امری به سبب قرینه خارجی دلالت داشت نمی‌تواند ظاهر وجوب را منتفی کند، لذا می‌گویند: امر در غسل جمعه و جنابت دلیل بر استحباب جنابت به خاطر سیاق آن با غسل جمعه مستحب نیست. ثانیاً: توکل بر دو قسم است: واجب و مستحب. توکل بر خداوند متعال در امور خارج از راه اراده و توان از ضروریات ایمان است و در بسیاری از آیات و روایات به آن اشاره شده است و ما در مبحث واجبات و محرمات کتاب (الفقه) (۴) به آن اشاره کرده‌ایم، امّا (نادیده گرفتن خطای دیگران و بخشیدن آنها) در مقابل گستاخی در معاصی به خاطر عصبانیت زیاد (همان گونه که در بسیاری افراد هنگام غضب نسبت به شخص مقابل دچار معصیت می‌شوند) واجب و لازم است. آری غفران و آمرزش در مورد برخی از مسایل واجب نیست چنانچه پروردگار متعال می‌فرماید: (فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم) (۵). (هر کس به شما تعدی کرد پس بر او تعدی کنید همان گونه که بر شما تعدی کرد). و قبل آن می‌فرماید: (والحرمت قصاص) (۶) و آیاتی دیگر. و به خاطر عدم وجوب غفران و بخشیدن دیگران دنباله آیات شریفه سوره شوری می‌فرماید: (و جزاء سیئه سیئه مثلها فمن عفا و أصلح فأجره علی الله انه لا یحب الظالمین و لمن انتصر بعد

ظلمه فأولئك ما عليهم من سبيل)(۷). از آن چه گذشت پاسخ اشکال زیر را در می‌یابیم: اگر مطلق شورا را در کلیه امور واجب بدانیم، این خلاف ضرورت خواهد بود و اگر در برخی از آن‌ها واجب باشد آیه مجمل و نامفهوم خواهد بود، پس هیچ‌گونه دلیلی بر این ادعا وجود ندارد و باید آیه را حمل بر استصحاب نماییم. در پاسخ به این اشکال می‌گوییم: ظاهر آیه دلالت بر وجوب مشورت دارد مگر مورد خاصی که از این وجوب خارج شود و مادامی که مستثنی نباشد حکم به وجوب قطعی است و خواه در جامع واجب و مستحب به کار برده شود مانند آیات انفاق(۸) و یا در واجب تنها به کار برده شود و استثنا محتاج به دلیل باشد، مشورت در حکم واجب خواهد بود و آیه (و شاورهم فی الأمر)(۹). خود مؤید این وجوب می‌باشد علاوه بر این که پیامبر اکرم (ص) الگو و اسوه هستند(۱۰) و برحاکم اسلامی است که از آن حضرت پیروی کند. در این جا چند اشکال مطرح شده که عبارتند از: ۱- این آیه بر عمل به شورا در تعیین حاکم دلالت نمی‌کند بلکه بر مشورت خود حاکم با دیگران دلالت دارد، پس وجوب شورا در مورد اول از کجا ثابت می‌شود؟ ۲- هیچ دلیلی بر وجوب شورا بر رسول خدا (ص) وجود ندارد و اگر بر آن حضرت واجب نباشد بر دیگران نیز واجب نیست. ۳- حتی اگر وجوب شورا بر آن حضرت ثابت شود شاید این وجوب از ویژگی‌های مختص به حضرتش باشد. ۴- در صورتی که مشورت بر آن حضرت واجب بوده و از مختصات حضرتش نبوده به چه دلیل بر آن حضرت واجب بوده که به مقتضای آن عمل کنند شاید به دلیل جلب نظر و تحیب قلوب بوده؟ و این که آن حضرت عقل کل و مرتبط به وحی بودند خود مؤید این گفته می‌باشد. ۵- امر به شورا در آیات مجمل و نامفهوم بوده و هیچ‌گونه دلالتی بر اطلاق که محور کلام است ندارد. پاسخ اشکال اول: این آیه از راه ملاک اولویت بر شورا در تعیین حاکم دلالت دارد، البته اگر فرد منصوب از جانب خداوند متعال حضور نداشته باشد همان‌گونه که در حال حاضر چنین است، و حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) غایب می‌باشند. آیا صحیح است که شورا در امور عامه، واجب باشد ولی در مسئله تعیین حاکم که اصل و پایه همه امور است، واجب نباشد؟ در حالی که این اولویت در نزد عرف واضح است، همان عرفی که کلام متوجه آن‌ها است، چنان چه در آیه شریفه بیان شده (بلسان عربی مبین)(۱۱) که خدای متعال احکام خود را به زبان واضح و آشکار بیان می‌فرماید. و مسلم است که تعیین رهبری و جانشین خداوند بر روی زمین تنها از جانب پروردگار متعال می‌باشد چنان که در آیه شریفه است: (و إذ قال ربک للملائکة ائی جاعل فی الأرض خلیفه)(۱۲). (آن گاه خداوند تو، به فرشتگان فرمود: که من جانشینی بر روی زمین قرار می‌دهم). و در آیه دیگر می‌فرماید: (یا داود انا جعلناک خلیفه فی الأرض)(۱۳). (ای داود! ما تو را جانشین خود در زمین قرار داده‌ایم). و نیز در زیارت نامه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌خوانیم: (السلام علیک یا خلیفه الله و خلیفه آبائک المهدیین)(۱۴) و غیره. پاسخ اشکال دوم: ظاهر امر وجوب آن است پس از کجا می‌گویید که بر حضرت رسول (ص) واجب نبوده در حالی که هیچ نصی از جانب خالق متعال بر این ادعا نرسیده است. شاید گفته شود: به دلیل سیاق آیه شریفه، زیرا خداوند متعال می‌فرماید: (فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر)(۱۵). (آن‌ها را عفو نموده و برای آن‌ها طلب مغفرت کن و در موضوعات مهم با آن‌ها مشورت نما). اضافه بر این که عفو و استغفار برای آن‌ها واجب نیست و مشورت در آیه همراه با عفو و استغفار بیان شده است. در این خصوص گفته می‌شود: چگونه ادعا می‌شود که عفو آنان و استغفار برای آن‌ها بر پیامبر (ص) و یا بر هر رهبر دیگری واجب نیست در حالی که رهبر، موفق و پیروز نمی‌شود مگر با عفو و استغفار از برای خطای زیر دستان، و هرگز مردم در اطراف افراد خشن و سختگیر جمع نمی‌شوند و استغفار نیز برای تطهیر آن‌هاست تا در موضع لطف خداوند متعال قرار گیرند که بدون لطف خداوند پیروزی نصیب آنها نخواهد شد ابتدای آیه: (فیما رحمہ من الله) (اگر رحمت خداوند نبود). دلالت بر وجوب عفو و استغفار دارد و اگر قبول کنیم که مشورت به دلیل سیاق واجب نیست، با این وصف، امر (و شاورهم فی الأمر) ظاهر در وجوب است چنانچه در: (اغتسل للجمعه والجنابه) گذشت و ظاهر آن مقدم بر ظاهر سیاق آیه می‌باشد. پاسخ اشکال سوم: ظاهر در تمامی احکام، عمومیت آن‌ها است مگر این که به وسیله دلیل، فردی از آن خارج شود و مقام در این جا از موارد استثنا نیست، و این مطلب علاوه بر دلیل

اسوه و الگو بودن پیامبر (ص) و امام (ع) که دلالت بر وجوب آن بر حاکمان دارد. چنانچه ملائک اولویت بر تعیین و انتصاب فرمانروایان از طریق مشورت نیز دلالت می‌کند. پاسخ اشکال چهارم: این ادعا خلاف ظاهر می‌باشد و هیچ‌گونه منافاتی ندارد که حضرت، عقل کل و در ارتباط با وحی باشند و با این همه موظف به عمل به شورا باشند تا مشورت و شورا را به امت بیاموزند. و اگر با آن‌ها مشورت می‌فرمود ولی به نظر آن‌ها عمل نمی‌کرد باعث تنفر و انزجار آنها می‌شد و تأثیر منفی چنین اقدامی بدتر از عدم مشورت است زیرا کسی که با دیگران مشورت نمی‌کند و فقط به نظر خود عمل می‌نماید در جامعه مورد تنفر خواهد بود چه رسد به کسی که مشورت کند و سپس دیدگاه‌ها و نظرات طرف مورد مشورت خود را نادیده بگیرد، در حالی که در آیه شریفه با صراحت امر به مشورت برای تحقق هدف تجمع در اطراف رسول اکرم (ص) اشاره شده است، خداوند متعال می‌فرماید: (فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك) (۱۶). (با رحمت خداوند نسبت به آن‌ها نرمش نشان دادی و اگر خشن و سنگدل بودی آن‌ها از اطراف تو پراکنده می‌شدند). اگر با آنها مشورت می‌کرد و اختلاف نظر حاصل می‌شد همان‌گونه که طبیعت نظرخواهی و مشورت چنین می‌باشد، یکی از دو صورت زیر ممکن است رخ بدهد: یا این که اقلیت و اکثریت در کار است و یا طرف داران هر دو طرز تفکر به یک میزان هستند که البته احتمال وقوع حالت اول بیشتر است، در صورت اول اگر به رأی اقلیت عمل نماید، دیدگاه و نظر اکثریت را سبک شمرده و چنین کاری نه با شرع سازگاری دارد نه با عقل. عدم سازگاری عقلی آن روشن است اما عدم سازگاری با شرع در مسئله ارجحیت شهادت اکثریت در مقابل شهادت اقلیت در کتاب قضاء به خوبی مشخص شده است. به طور مثال: اگر طرفین در مورد مالکیت یک منزل یا صد درهم یا غیره اختلاف نظر داشتند، طرفی که شهود بیشتری داشته باشد برنده اختلاف است (۱۷)، ایا این امر نشان دهنده تقدیم رأی اکثریت بر رأی اقلیت در مسایل مهم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و غیره نیست؟! بدیهی است چنانچه اقلیت مشاهده کنند در صورت کسب اکثریت در مسایل دیگر به نظر آن‌ها عمل خواهد شد، هیچگاه به دلیل نادیده گرفته شدن نظرشان ناراحت نخواهند شد، همان‌گونه که در مجالس شورا، اتحادیه‌های دانشجویی، هیئت دولت و مجامع دیگر جهان معاصر مشاهده می‌گردد. اما اگر تعداد طرفداران دو نظریه متضاد و متفاوت، مساوی و به یک میزان باشد تنها راه چاره قرعه‌کشی خواهد بود. خداوند متعال در داستان حضرت یونس (ع) می‌فرماید: (فساهم فکان من المدحضین) (۱۸). (قرعه زد و جزو باختگان بود). و نیز در داستان حضرت زکریا (ع) می‌فرماید: (إذ یلقون أفلامهم أیهم یکفل مریم) (۱۹) (آنگاه قلم‌های خود را انداختند تا یکی از آنان کفالت مریم را بر عهده گیرد). و پیامبر اکرم (ص) در مورد قرعه می‌فرماید: (القرعة لکل امر مشکل) (۲۰) (قرعه راهگشای هر مشکلی می‌باشد). از سوی دیگر پیامبر اکرم (ص) این اختیار را داشتند که به یکی از دو نظر عمل کنند زیرا نظر و رأی آن حضرت به نظر یکی از طرفین اضافه می‌شد و آن گروه آرائی اکثریت را به دست می‌آورد. از ظاهر امر چنین بر می‌آید که مفهوم شورا شامل دو حالت اکثریت و تساوی می‌باشد. شاید گفته شود این حرف صحیح نیست زیرا خداوند متعال می‌فرماید: (فاذا عزم فتوکل علی الله) (۲۱) (زمانی که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن)، و این نشان‌دهنده آن است که مشورت تنها برای جلب رضایت آن‌ها صورت گرفته است به خاطر این که تنها تصمیم‌گیرنده شخص پیامبر (ص) بودند. در پاسخ گفته می‌شود: (إذا عزم) (اگر تصمیم گرفتی) بعد از امر به (شاوهرم) می‌باشد، از آیه فوق چنین بر می‌آید که تصمیم‌گیری ناشی از نتایج مشورت است و نقطه مقابل آن محسوب نمی‌شود. اگر ماکسی را مخاطب ساخته و به او بگوئیم: با پزشک مشورت کن و اگر تصمیم گرفتی توکل کن، آیا مفهوم آن اراده و تصمیم ناشی از مشورت نیست؟ بدیهی است توکل به مفهوم واگذاری امری (خارج از اراده و توان) به خداوند متعال می‌باشد، که تفصیل این کلام در برخی از کتب مربوط به این موضوع بیان شده است. پاسخ از اشکال پنجم: در آیه (و شاوهرم فی الأمر) واژه امر با الف و لام آمده است که در این صورت دلالت بر عموم دارد و ما در کتاب اصول به آن اشاره کرده‌ایم چنانچه در موارد مشابه همانند: (احل الله البیع) و غیره نیز مسئله اینچنین می‌باشد، زیرا طبیعت در مورد کلیه افراد ساری و جاری است، بله با استناد به قرینه عرف این امر

تنها اختصاص به مسایل رهبری دارد، گفته نشود اگر عام باشد پس مقطوع العدم است و اگر خاص باشد مجمل خواهد بود، چون اگر به کسی که می‌خواهد ساختمان بسازد گفته شود، با مهندس مشورت کن، مسئله مشورت در امور مهندسی به ذهن خطور می‌کند و همین امر در مورد اشیای مشابه نیز صادق است. و ما در بحث اصول گفته‌ایم: اگر در مفرد قرینه‌ای بر اراده فردیت نباشد، بر عموم و جمع دلالت خواهد داشت، مانند جملات: (تمره خیر من جرادة) (۲۲) و (و شرّ الاخرة) (۲۳). (انّ مع العسر يسرا) (۲۴) و (آتنا فی الدنیا حسنة) (۲۵). و جملات مشابه که ظاهراً در طبیعت جاری است و هریک به حسب موارد، افاده عموم بدلی و یا افاده عموم استغراقی دارد. ۴ و ۵- از آنچه گذشت روشن شد که شورا در کلیه مسایل و امور کوچک و بزرگ مربوط به قشر یا اقشاری از امت لازم الاجرا است و استبداد در حکومت نسبت با امت مطلقاً حرام است خواه این استبداد در سطح یک کشور و یک امت است و خواه در سطحی پائین‌تر، مثلاً: یک مسئول اتحادیه دانشجویان در محدوده کار خود مستبد است. زیرا مفهوم استبداد، به کرسی نشاندن رأی خود در مورد حقوق مالی و حقوق نفسی دیگران است.... حال آنکه: (الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم) (۲۶) مردم بر مال و نفس خود مسلط هستند). به عبارت دیگر اگر فرضاً یک حاکم و یا مدیر بیمارستان بهترین نحوه مدیریت را با رعایت موازین شرعی هم داشته باشد اما مستبد باشد و بدون اجازه مردم در شئون آن‌ها تصرف کند همانند فرد غاصبی خواهد بود که وارد منزلی شده و اهل خانه را به بهترین وجه اداره می‌نماید، آیا کار او حرام نیست؟ اگر این فرد مستبد مرتکب فعل حرام شد و اقدام به گرفتن مالیات، عوارض و جرایم دیگری که خارج از محدوده مالیات‌های اسلامی اعم از خمس، زکات، جزیه و خراج است پولی را دریافت کرد و یا آزادی مردم را در انجام کارهای کشاورزی، بازرگانی و صنعت و غیره (۲۷) سلب نمود چنین کاری حرام در حرام است و این شخص مانند کسی است که در ماه رمضان به اختیار خود شراب بخورد. به هر حال کسی که بدون رعایت شرایط الهی و شرایط امت بر یک اتحادیه دانشجویی تسلط دارد و مثلاً هزار نفر تحت سلطه او هستند این شخص هزار حرام مرتکب شده است، و اگر شخص غیر واجد شرایط بر یک امت صد میلیونی حکومت کند به همان نسبت گناه و جریمه او بیشتر می‌شود، آیا چرا؟ زیرا همان‌گونه که اشاره شد عقل و شرع بر لزوم مشورت دلالت دارد، و چه بسا بتوان از طریق ادله اربعه آن را ثابت نمود. و اجماع اگرچه در خصوص مسئله مشورت و به این لفظ قائم نیست اما از باب اجماع بر حرمت تصرف در مال و نفس شخص مسلمان و کافر بدون رضایت آنان ممکن است استفاده شود. ۶- در واجبات و محرمات مشورت اعتبار ندارد و همچنین در مسئله نبوت و امامت که این امور به نصّ و تعیین پروردگار متعال است و در سایر احکام پنج‌گانه (که احکام وضعی هم از آنهاست) نیز مشورت اعتبار ندارد. اما در دیگر شئون شخصی مشورت مستحب است، ولی در امور اجتماعی مشورت برای حاکم لازم و واجب است که هم در اصل حکومت حاکم و هم در تنفیذ به اجرا گذاردن احکام و قوانین، نظرخواهی و مشورت با مردم واجب می‌باشد. امّا وجوب مشورت در اصل به قدرت رسیدن حاکم به این دلیل است که حکومت نوعی تسلط بر مردم می‌باشد و تسلط بر مردم جایز نیست مگر با کسب رضای آن‌ها و قاعده (الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم) (اضافه بر لزوم واجدالشرایط بودن حاکم در شریعت اسلام) بر این مسئله دلالت دارد. اما وجوب مشورت در امور حتی پس از به قدرت رسیدن حاکم، ناشی از این امر است که میزان اختیارهای حاکم تنها به مقدار صلاحیت‌هایی است که از سوی مردم به او تفویض گردیده است و هرگونه تصرف و اقدامی بیش از محدوده اختیارات نیاز به نظرخواهی و مشورت خاصّ دارد. نتیجه این که آنچه از شئون مردم باشد اصل تصرف و دوام آن نیاز به مشورت دارد. شاید گفته شود: آیا اصل نصب مرجع تقلید و اختیارهای او از سوی معصومین (ع) نیست، بنا بر این مشورت نسبت به او معنی ندارد؟ در پاسخ می‌گوئیم: اولاً: انتخاب مرجع واجد الشرائط در دست فرد فرد مردم است و درست همانند انتخاب امام جماعت، قاضی و غیره می‌باشد. ثانیاً: چنانچه مراجع تقلیدی باشند که از سوی مردم به مرجعیت انتخاب شده‌اند (البته اگر صدق کند که مردم آنها را انتخاب نموده‌اند نه این که فقیهی باشند که مثلاً صد نفر از او تقلید می‌کنند، که در عرف معمول، انتخاب او به مرجعیت توسط مردم در مورد او صدق نمی‌کند) در این صورت یک مرجع حقّ

تحمیل آرای خود بر سایر مراجع تقلید و نیز مقلدین آن‌ها را ندارد (۲۸)، و حتی حق ندارد آرای خود را با توسل به زور بر مقلدین خود به مورد اجرا در آورد خواه این استفاده از زور و اجبار به طور مستقیم یا غیر مستقیم باشد، زیرا انتخاب او توسط مقلدینش جهت عضویت در هیئت حاکمه و یا شورای فقها و مراجع به مفهوم واگذاری اختیارات تام جهت تصرف در مال و جان و نفس آنها نیست و حدود دختیارهای او تنها به میزان تفویضی است که مقلدین به او داده‌اند و فرموده حضرت صاحب الامر (ع) (فاذا حکم بحکمننا) (۲۹) دلالتی بر نافذ بودن رأی آن فقیه ندارد، در صورتی که مقلدین آن حکم را از احکام معصومین (ع) نمی‌دانند. و مقصود از مخالفت مقلدین یا مراجع، مخالفت اکثریت آنان می‌باشد زیرا دلیل شورا بر دلیل تقلید حاکم است، در غیر این صورت برای دلیل شورا زمینه‌ای باقی نمی‌ماند همانگونه که عناوین ثانویه حاکم بر عناوین اولیه می‌باشند. ۷- اما آیا بر مشاور لازم است نظر خود را اعلام کند؟ ظاهر امر چنین است، البته به طور کفایی و از باب ارشاد جاهل و تنبیه غافل است، بلکه از باب امر به معروف و نهی از منکر در برخی از موارد، لازم و واجب است و تفصیل آن در فقه ذکر شده است. امّا اضافه بر آن لازم نیست هر چند که بنا به اطلاق بعض ادله آن مستحب می‌باشد و شاید فرموده پیامبر اکرم (ص) (أشیروا علی) (۳۰) و یا فرموده امیر مؤمنان حضرت علی (ع): (لهم المشوره علیه) (۳۱) و وجوب و استحباب مشورت هر کدام در مورد خود و طبق اقتضای حکم و موضوع اشاره دارد، زیرا ممکن است گاه موضوع قرینه حکم و گاه عکس آن باشد، پس اگر در حال جنگ بگوید: یک شیر برایم بیاورید این جا حکم دلالت می‌کند که مراد از موضوع یک انسان شجاع است نه حیوان درنده، در حالی که اگر در باغ وحش چنین درخواستی کند، منظور حیوان درنده است، در حالی که اگر به مردم شجاع جهت نگهداری خود و حیوان درنده برای باغ وحش خود نیاز داشته باشد برای هیچ یک از آنها قرینه‌ای وجود نخواهد داشت. و برعکس چنانچه بگوید: اگر کسی عالمی را اکرام کرد مرا اکرام کرده است، در اینجا لفظ عالم قرینه برای اکرام خاص می‌باشد نه هر اکرامی که شایسته فقها و علما نباشد گرچه آن نحو از اکرام شایسته غیر علما باشد مثلاً تجار، یا دلیر مردان و... ۸- لزوم عمل به مشورت به مقدار تحقق اجازه تصرف در مال و جان است نه بیشتر و نه کمتر. بیشتر از حدّ اجازه نیست، زیرا دلیلی بر جواز آن وجود ندارد، اما کمتر از مقدار هم مجاز نیست چرا که این گونه تصرف برخلاف اصل (مسلط بودن مردم بر جان و مال خود) می‌باشد پس اگر بر اساس مشورت تصویب شد که مثلاً یک صد هزار کیلومتر جاده را آسفالت کنند عمل به کمتر از این مسافت جایز نیست، زیرا تصرف از نوع سلبی آن باشد مثلاً: مولی دیناری به بنده اش می‌دهد و از او می‌خواهد تا کالایی را با این مبلغ خریداری نماید و او کالایی به نصف قیمت خریداری کند. همچنان که بر این شخص واجب نیست خود را به زحمت بیندازد و بیش از مقدار مقرر جاده‌ها را آسفالت کند اگرچه می‌داند که جامعه راضی به این کار می‌باشند. ۹- اما تعیین مقدار و میزان مشورت بر عهده عرف است، البته از قبیل امر به طبیعت که به مقدار بسیار کم آن نیز محقق می‌شود، نیست. مثلاً: اگر مولی به بنده خود بگوید برای من آب بیاور، آوردن یک قطره آب کافی نیست زیرا قرینه دلالت دارد که مقدار آبی که برای رفع تشنگی لازم است را مولی طلب کرده نه مقدار یک قطره، و نیز معلوم شد که آوردن تمام افراد آن طبیعت نیز لازم نیست حتی اگر ممکن باشد. مثلاً- اگر بگوید: زرگری را برایم حاضر کنید در این صورت لزومی ندارد که همه زرگران را احضار کنیم و بگوییم که طبیعت در مورد همه افراد صدق می‌کند. و حاصل آن که قرینه‌های حالی و مقالی مشخص کننده مقدار و محدوده طبیعت، و زیاده و نقیصه آن می‌باشد. و آنچه در برخی از روایات مشورت آمده که با ده نفر یا ده مرتبه با یک نفر مشورت کند، هدف دستیابی به رأی محکم و متقن است، چرا که غالباً نظر ده انسان آگاه و خبره در رابطه با مسئله مورد نظر برای دست یابی به نظر و رأی واقع‌بینانه‌تر کفایت می‌کند. چنان که اگر با یک نفر ده بار در رابطه با یک مسئله مشورت شود، فرد مزبور نظر بهتر و صحیح‌تر از میان نظرهای ارائه شده به مراتب عملی‌تر است تا این که اگر تنها یک بار با او مشورت می‌شد، و یا اگر ده مرتبه در گیر و دار مباحث علمی مشورت شود، که این کار دیدگاه صحیح و محکم خود را ظاهر می‌کند. مثلاً- اگر یک کالا- توسط یک فرد تلف شد (که این اتلاف موجب ضمان می‌گردد)، حال ضامن، چه مقدار ضمان بر

گردن دارد؟ چون قیمت این جنس افزایش یافته و این افزایش ناشی از بالا رفتن قیمت‌ها در بازار نیست بلکه به این دلیل است که فروشنده این نوع کالا قیمت آن را به چندین برابر قیمت واقعی آن می‌فروشد. آیا ضامن قیمت باید قیمت واقعی آن را به صاحب جنس بدهد؟ آیا قیمت فعلی کالای موجود در بازار را ضامن است؟ آیا در مقام، تفصیل است که قیمت واقعی را ضامن است اما مازاد بر قیمت واقعی را ضامن نیست؟ آیا تفصیلی این گونه قایل شویم که اگر شخص تلف کننده جنس عالم و عامد بود ضامن است و گرنه، نه؟ یا تفصیل به این نحو را قبول کنیم که مازاد بر قیمت واقعی تا مقداری که اجحاف نباشد را ضامن می‌باشد؟ مثلاً اگر قیمت واقعی یک جنس یک دینار است، اما قیمت اجحافی آن پنج دینار می‌باشد و قیمت متوسط آن سه دینار، همین سه دینار واجب می‌شود؟ همه این احتمالات و اقوال در فقه بیان شده است، پس اگر این آرای پنج‌گانه برای کسی که خواهان استنباط باشد بازگو گردد، آن رأی را که متقن‌تر از بقیه آراء باشد اختیار خواهد کرد چه رسد به این که ده رأی از ده نفر به دست برسد یا پنج نفر هریک دو رأی را ارائه کنند که در آن صورت در استنباط و اختیار رأی صحیح‌تر بهتر خواهد بود. و بی‌شک نظرخواهی و مشورت، خواه در دولت‌های کنونی (و به اصطلاح دموکراتیک) و یا دولت‌های اسلامی، در واقع یک سوپاپ اطمینان به شمار می‌رود، زیرا همانگونه که مردم به سیر کردن شکم خود نیازمندند به سیر نمودن مغزهای خود نیز نیاز دارند و همان گونه که گرسنگان با برپایی تظاهرات و اعتصابات با عامل گرسنگی به مبارزه بر می‌خیزند (۳۲)، کسانی که مورد مشورت قرار نمی‌گیرند و در گرسنگی فکری به سر می‌برند نیز علیه سردمداران این حرکت قیام می‌کنند، گرچه فرمان روایان در پاکدامنی سیاسی به سر برده و دقیقاً قوانین کشور را به مرحله اجرا گذارند و در این جهت تفاوت نمی‌کند که قوانین کشور، اسلامی و در کشورهای اسلامی یا قوانین غیر اسلامی در کشورهای دموکراتیک باشد. و این که حاکم اسلامی، اصول و مقررات و قوانین اسلام را بدون عمل به شورا به مورد اجرا گذارد کافی نیست، زیرا مردم خود مشاهده می‌کنند که او یکی از قوانین اسلام، یعنی قانون شورا را به اجرا در نیاورده است، در نتیجه از اطراف او پراکنده شده، و روزی برای سرنگونی او بسیج خواهند شد، و این‌ها همه در صورتی است که حاکم اجرای دیگر قوانین اسلامی را کاملاً رعایت کند که این گونه افراد کم‌یاب بلکه نایاب هستند. بلکه ظاهر امر نشان می‌دهد تا زمانی که حاکم به حکم اسلامی شورا عمل نکند ممکن نیست بتواند در استنباط و اجرا خوب عمل نماید، چه رسد به این که این بی‌توجهی به شورا، در اصل روی کار آمدن او باشد یا در مشروعیت و استمرار یافتن حکم، زیرا استنباط مستلزم فعالیت مداوم نمی‌تواند یک استنباط خوب و مفید باشد چه رسد به کار اجرایی بدون مشورت دایمی. در حدیث آمده است: (إِنَّ الْعِلْمَ لِيَهْتَفَ بِالْعَمَلِ فَاَنْجَابُهُ وَاِلَّا ارْتَحَلَ) (۳۳) (علم به عمل دعوت می‌کند، پس زمانی که به آن پاسخ مثبت گفته نشود رخت بر می‌بندد). و چنانچه گذشت حسن استنباط و عمل تنها در سایه مشورت مستمر امکان‌پذیر است، از این رو دیده می‌شود که حکومت‌های اسلامی که در چند قرن اخیر به نام اسلام برپا شده‌اند پس از مدّت زمان کوتاهی مردم از آنها دور شده و در جهت سرنگونی آنها دست به کار شدند که برخی از آنها را سرنگون ساخته و با بعضی دیگر در حال جنگ و ستیز هستند. نخستین پرسش مردم از آنها این است: مشورت و شورا کجا است؟ و چون آنها خود را فاقد پایگاه مردمی می‌دانند و تنها راه ادامه حکومت خود را در سایه استبداد و دیکتاتوری می‌بینند، همانند رژیم صدام در عراق که اظهار می‌کند شورا واجب نیست گاه می‌گویند شوری تنها از مختصات پیامبر اکرم (ص) است و گاه مدّعی می‌شوند که: مگر شورای فرماندهی انقلاب، شورای وزیران و... را نمی‌بینید؟ و در کنار این ادّعای خود با سرمایه‌های امت مشتی عوامل جیره‌خوار و مدیحه سرا و فرومایه را به دور خود جمع می‌کنند تا از طریق رسانه‌های گروهی از آنان ستایش کنند، درب زندان‌ها را به روی مخالفین حکومتی باز کنند، چوبه‌های دار را برپا کنند، و وای و صد وای بر حال آن کسی که کلمه‌ای برخلاف میل حاکمان بر زبان جاری کند، و به مراتب بیشتر از گذشتگان خود که دم از اسلام نمی‌زدند به قتل و غارت و زندانی کردن مردم بی‌گناه و نابودی امت و کشور دست می‌زنند. چنان که با بررسی تاریخ می‌بینیم که خلافت اموی‌ها و همچنین عباسی‌ها و عثمانی‌ها آنچنان سرنگون گشتند که دیگر بازگشتی در پی ندارد و این‌ها همه

ناشی از این نقیصه است، و هرکسی پس از آن‌ها آمد و راه آنان را ادامه داد سرنگون گشت و یا در حال سقوط است. عدم توجه به مشورت تنها به مفهوم عدم اجرای حکم شورا در حکومت نیست بلکه به مفهوم عدم اجرای صدها حکم اسلامی است و مسلمانان همانگونه که به نماز و روزه و حج واقف هستند از سیاست اسلامی نیز آگاهی دارند و چنان که فریب تارک العبادات را به هر عذر و بهانه‌ای که باشد نمی‌خورند همانگونه نیز تحت تأثیر کسانی که به سیاست‌های اسلامی بی‌توجهی می‌کنند قرار نمی‌گیرند. و اگر مسلمانان از حکمرانان جدا شوند باعث انزوا و در نتیجه سقوط آنها خواهند شد و چون زمامدارانی که خود را اسلامی می‌خوانند یورش همه جانبه مسلمانان بر علیه خود و منافع خود را می‌بینند، در مقابل از هر وسیله در جهت آنها را متهم و مخالف رژیم و مزدوران استعمار می‌خوانند و یا آنها را مرتجع و خرافه‌پرست توصیف می‌کنند و به تنبلی و بیکاری متهم می‌سازند و این جملات خود در تشدید اختلافات و سقوط سریع‌تر آنان تأثیر فوق‌العاده دارد. مثل آنها همانند دزدی است که وارد منزلی گشته و اسباب و اثاثیه آن را به سرقت برده است و چون تهاجم صاحب خانه را مشاهده می‌کند با داد و فریاد صاحب خانه را به دزدی متهم می‌سازد. آیا این حرکت و ترفند ناشیانه، خود دلیل بر تسریع در دستگیری و مجازات او نمی‌گردد؟ آنها که در این امر شک دارند به سرنوشت (جعفر نمیری) (۳۴) و دیگران که با فریب و دروغ، خود را اسلامی خواندند، بنگرند و یا کسانی که مدعی پابندی به یک سری از اصول شدند اما با آنها مخالفت ورزیدند، مانند (ناصر) (۳۵) که ادعای ملی‌گرایی کرد و (عبدالکریم قاسم) (۳۶) که خود را میهن‌پرستی صادق خواند و یا مثالهای بسیاری که در جهان عقب‌مانده که جهان سوم نامیده می‌شود وجود دارد، که تنها راز عقب ماندگی این کشورها حاکمان و سردمداران آن می‌باشند که مردم را از حقوق و آزادی هایشان محروم ساختند. آن زمان که غرب گرفتار حاکمان مستبد به نام دین، مانند زمامداران کلیسا یا به نام دنیا، مانند پادشاهان و دوکها بود و روز به روز در منجلا ب تهاهی و نابودی بیشتر گرفتار می‌شد، عاقلان و اندیشمندان آنها نزدیک به بیست هزار عنوان کتاب برای آگاهی مردم به رشته تحریر در آوردند (چنانچه در کتابی مطالعه نمودم) و این کتابها در تیراژهای میلیونی توزیع و نشر می‌گردید، و در آن‌ها خاطر نشان می‌ساختند که تنها منشا و مرکز مشکلات، حاکمان مستبد می‌باشند و تنها راه نجات، تقسیم قدرت و عدم تمرکز آن در فرد و یا جناح خاص می‌باشد، و زمانی که غرب به این نصیحت‌ها عمل کرد از سقوط در سراشیبی خطرناک رهایی یافت و اکنون آن‌ها را بر کشورهای جهان از جمله کشورهای اسلامی مسلط ساختند. البته ما نمی‌گوئیم غرب به واقعیت دست یافته است، زیرا ما واقعیت را فقط در اسلام می‌دانیم و می‌گوئیم: هنگامی که غرب به اصل شورا تا حدودی عمل کرد از آن منجلا ب رهایی یافت و توانست سلطه خود را بر جهان گسترش دهد، در حالی که امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: (الله، الله فی القرآن لا یسبقنکم بالعمل به غیرکم) (۳۷).

مردم و روش استعمار پذیری

پنهان نیست که مشکل جامعه فقط وجود حاکم مستبد و اطرافیان او که از مال و مکتب و جاه و مقام او سوء استفاده می‌کنند نیست، مشکل این است که اطرافیان وجدان خود را زیر پا می‌گذارند و در ستایش و مدح او گزافه‌گویی کرده و دستورهای او را بی‌چون و چرا در قتل بی‌گناهان، تجاوز به نوامیس و غارت اموال مردم به اجرا در می‌آورند. مشکل جامعه تنها این نیست، بلکه مشکل مهم‌تر، جامعه‌ای است که حاکم از آن نشأت می‌گیرد و به عبارت دیگر مشکل اصلی، جامعه‌ای است که حاکم از آن به وجود می‌آید. آیا حاکم و اطرافیان معدود او می‌توانند بر میلیونها نفر که آمادگی استثمار را نداشته باشند مسلط شوند؟ به خاطر اینکه جامعه همانند یک جسم است که اگر ناتوان شد بیماری بر آن غلبه پیدا می‌کند در حالی که افراد قوی در مقابل بیماری‌ها از مصونیت برخوردار خواهند بود. وظیفه افراد آگاه و اندیشمندان این است که آن بیماری را از جامعه دفع بنمایند و آن زمان که امت

آمدگی پذیرش مستبدین را نداشته باشد هیچ گونه اثری از استبداد نخواهد بود. چنان که در قرآن مجید آمده است: (لولا ینھام الرّبّانیون والاحبار) (۳۸). و امیر مؤمنان (ع) می‌فرمایند: (لولا... ما أخذ الله علی العلماء أن لا یقاروا علی کظّمه ظالم ولا سغب مظلوم لالقیّت حبلها علی غاربها و لسقیّت آخرها بکأس أولها) (۳۹) (اگر... عهد و پیمان خدا بر علما نبود که بر پرخوری ظالم و گرسنگی مظلوم سکوت نکنند زمام حکومت را بر دوشش رها می‌نمودم و آخر آن را با جام اول سیراب می‌ساختم). و در حدیث دیگر است: (لنحملنّ ذنوب سفھائکم علی علمائکم) (۴۰) گناه نادانها و سفیهان شما را بر گردن دانشمندان و علمای شما می‌افکنیم). و نیز در حدیث شریف می‌خوانیم: (إذا ظهرت البدع فی أمتی فلیظھر العالم علمه و إلا فعليه لعنة الله) (۴۱) هنگامی که بدعت‌ها ظاهر شد بر انسان عالم است که علم خود را آشکار ساخته و مردم را آگاه سازد و گرنه لعنت خدا بر او باد). همان طوری که پزشک و طبیب جسم، مرض و راه علاج آن را بیان می‌کند، طبیبان روح و روان نیز موظفند مردم را با مشکلات روحی و شناخت و درمان بیماری‌های روحی آگاه سازند و همانگونه که در کتابهای بسیاری بیان کرده‌ایم تنها راه درمان بیماری استبداد، تقسیم قدرت است. انسانهایی که برای مدت طولانی دچار این بیماری می‌باشند، بدیهی است که با داروهای ساده و در مدت کوتاهی درمان نخواهند شد و مسلمانانی که در طول قرنهای متمادی استبداد و دیکتاتوری در کالبد آنها لانه کرده است به این زودی بهبودی نمی‌یابند مگر با ارتقاء سطح فکری و گسترش آگاهی‌های عمومی و با استفاده از تمام ابزار و وسایل تبلیغاتی و صرف تمامی امکانات موجود در این راه، و البته پیچیدگی این معضل و وحشت از هرگونه تحرّک در این راه، نباید مانع شروع اقدامات درمانی شود و هرکس باید به اندازه توان علمی و یا مادی خود در این راستا تلاش نماید. در تاریخ آمده است روزی (کنفسیوس) بر قبیله‌ای که در مجاورت کوهی مرتفع سکونت داشتند می‌گذشت، افراد قبیله در اطراف او جمع شدند و از او خواستند در حلّ مشکلشان آنها را یاری کند و به او گفتند: ای آموزگار خوبی‌ها ما دو قبیله هستیم که از یک پدر آفریده شده‌ایم اما خویشاوندان ما در آن طرف کوه سکونت دارند و باید سالی یک یا چند بار با یک دیگر ملاقات کنیم و برای عبور از کوه زمان زیادی باید صرف کرد و این دیدار شاید از دو طرف تلفاتی به جای بگذارد، چاره کار ما چیست؟ (کنفسیوس) پاسخ گفت: خیلی ساده است اگر سعی کنید می‌توانید کوه را از میان خودتان صخره صخره از جا برکنید! آنها هم به نصیحت او عمل کردند و پس از چند سال دو قبیله از راه یک تونل در دل کوه با یکدیگر مرتبط شدند. ۱۰- بدین ترتیب مشخص شد مسئله چگونه است، زیرا که آن بر طبق استنباط شرعی در مسایل و اصول کلی و مطابقت عرفی در مسایل جزئی و فرعی است، و حدود مفاهیم شرعی توسط عرف مخاطبین کلام مشخص می‌شود چنانکه تشخیص موضوعات نیز در دست آنهاست، پس اگر شارع مقدّس فرمود: (النّاس مسلّطون علی أموالهم) (۴۲) در تحدید مفهوم تسلّط و مصداق آن به عرف رجوع می‌شود، بله در صورت شک در شبهه مصداقیه مرجع اصول عملیه می‌باشد (۴۳). و لذا باید شورای متشکل از مراجع و یا دیگر مراکز و نهادهای مجریه، قضائیه و مقننه، گروهی از آگاهان و کارشناسان اسلامی و گروهی از کارشناسان علوم جدید را گرد هم جمع کنند تا خطّ مشی و اصول کلی مسایل با نظر گروه اول و در مسایل جزئی و تطبیقی با نظر گروه دوم مورد بررسی قرار گرفته و حل و فصل شود، زیرا در هر مسئله کلی تعدادی مسئله جانبی و جزئی موجود است که نیاز به بحث کارشناسی دارد. به قوه مقننه، مدونه هم می‌گوییم چون در اسلام هیچ مقامی حقّ ندارد برخلاف احکام و قوانین الهی به قانون گذاری بپردازد لذا به قوه مقننه نام دیگری می‌دهیم، زیرا وظیفه آن تدوین و تنظیم قوانین الهی است با روشی ملایم و مناسب با شرایط زمان. و بی‌شک بالاترین قوه که همان قوای مشورتی مرجعیت یعنی (شورای مراجع) می‌باشد به کارشناسان اسلامی نیاز ندارند چرا که آنها خود، کارشناسان و استنباط کنندگان عالی رتبه در مسایل دینی هستند چنانچه متخصصین علوم و کارشناسان جدید همانند کارشناسان علم اقتصاد، بازرگانی و کشاورزی و... در جزئیات امور نیازی به کارشناس ندارند. از آنچه گذشت در می‌یابیم چنانچه گروهی از افراد متخصص در زمینه‌ای با یک دیگر اختلاف نظر پیدا کردند مرجع در حلّ اختلاف، ملاحظه اکثریت می‌باشد که بر اساس اصل شورا مقرر گردیده است، بطور مثال: اگر گروهی از متخصصین اقتصادی

بر ضرورت تقویت اقتصاد کشاورزی و گروهی دیگر بر تقویت اقتصاد صنعتی تأکید داشتند به نظر اکثریت عمل می‌شود. و همچنین اگر گروهی بر تقویت اقتصاد صنایع سنگین و گروهی اولویت را با صنایع سبک بدانند، و اگر آرای طرفداران هر دو نظریه از لحاظ تعداد با یک دیگر مساوی بودند بالاترین قدرت کشور مرکز رسیدگی به این اختلاف نظر خواهد بود. و اگر در میان آنان اختلاف به وجود آمد و اکثریت حاصل نشد به قرعه عمل شود. گرچه امکان حل اینگونه اختلافات احتمالی در مسایل کارشناسی از طریق دیگری نیز امکان‌پذیر است و آن این که نیمی از امکانات موجود در جهت تحقق نظریه گروه اول و نیمه دیگر آن در جهت تحقق نظریه گروه دوم به کار گرفته شود. به هر حال بحث و تحقیق در این گونه مسایل جزئی (در صورت عمل به اصل شورا در تمام شئون یک جامعه) از اهمیت خاصی برخوردار نیست.

۱- بحارالانوار، ج ۲ ص ۲۴۵ ح ۵۳. ۲- سوره شوری، آیه ۳۸. ۳- سوره شوری، آیه ۳۸- ۳۶. (و آنچه نزد خداست بسیار بهتر و باقی‌تر است امّا آن مخصوص کسانی است که به خدا ایمان آورده‌اند و در امور شان بر پروردگار توکل می‌کنند و آنان که از زشت کاری و گناهان بزرگ می‌پرهیزند و چون بر کسی خشم و غضب کنند او را می‌بخشند و آنان که امر خدا را اجابت و اطاعت کردند و نماز به پا داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام میدهند و از آن چه روزی آن‌ها کردیم بر فقیران انفاق می‌کنند).
 ۴- موسوعه الفقه: جلد ۹۲ و ۹۳ تألیف نویسنده. ۵- سوره بقره، آیه ۱۹۴. ۶- سوره بقره، آیه ۱۹۴. ۷- (جزای بدی، بدی دیگری همانند آن می‌باشد و اگر عفو کند و به اصلاح امور پردازد اجر و پاداش او با خداوند است که او ستمگران را دوست نمی‌دارد و اگر کسی پس از اینکه مورد ستم واقع شد و یاری طلبید و پیروز شد بر آن‌ها هیچ گونه راهی برای مجازات یا سرزنش وجود ندارد آیه ۴۰ و ۴۱. ۸- عدادی از آیات انفاق: سوره بقره، آیه ۱۹۵ / سوره نساء، آیه ۳۹ / سوره رعد، آیه ۲۲ / سوره اسراء، آیه ۱۰۰ / سوره فرقان، آیه ۶۷. ۹- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹ ای پیامبر در کارها با مؤمنین مشورت کن. ۱۰- بر شما باد در کارهای خود روش و سیره پیامبر را الگو قرار دهید و این برای آن کسی است که رضای خدا و ثواب قیامت را آرزو دارد سوره احزاب، آیه ۲۱.
 ۱۱- سوره شعرا، آیه ۱۹۵. ۱۲- سوره بقره، آیه ۳۰. ۱۳- سوره ص، آیه ۲۶. ۱۴- بحارالانوار: ج ۹۹ ص ۱۱۶ ح ۲. ۱۵- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹. ۱۶- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹. ۱۷- اگر یک طرف دارای چهار شاهد عادل و طرف دیگر تنها دو شاهد عادل داشته باشد. ۱۸- سوره صافات، آیه ۱۴۱. ۱۹- سوره آل عمران، آیه ۴۴. ۲۰- بحارالانوار: ج ۸۸ ص ۲۳۴ ح ۷. ۲۱- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹. ۲۲- بحارالانوار: ج ۹۶ ص ۳۵۷ ح ۲۳ و مسائل الشیعه: ج ۹ صفحه ۲۳۲. ۲۳- بحارالانوار: ج ۴۷ ص ۱۳۳ ح ۱۸۲ مستدرک الوسائل: ج ۶ ص ۹ ح ۶۵۰۸. ۲۴- سوره انشراح، آیه ۶. ۲۵- سوره بقره، آیه ۲۰۱. ۲۶- بحارالانوار: ج ۲ ص ۲۷۲ ح ۷. ۲۷- مانند استفاده از منابع طبیعی. ۲۸- چون همه مراجع تقلید در عرض یکدیگر بوده، و در سلسله مرتبه طولی پس از امام معصوم (ع) قرار دارند، و ولایتی که از سوی امام معصوم (ع) از برای فقیه ثابت شده، در واقع برای تمامی فقها و مراجع به یک نحو بوده و هیچ دلیلی بر تقدّم فقهی بر فقیه دیگر وجود ندارد، و ترجیح بلا مرجح هم عقلاً قبیح بلکه محال می‌باشد. ۲۹- (پس زمانی که به حکم ما فرمان داد)، و مسائل الشیعه: ج ۱ ص ۲۳ ح ۱۲ اصول کافی: ج ۱ ص ۶۷ ح ۱۰. ۳۰- (مشورت خود را بر من عرضه کنید)، بحارالانوار: ج ۱۹ ص ۲۴۷ ح ۲. ۳۱- (حقّ مردم است که با حاکم مشورت کنند)، بحارالانوار: ج ۱۰ ص ۴۱۴ ح ۶. ۳۲- چنانچه در روایت آمده است: (عجبت للفقراء کیف لا یخرجون بالسّیف علی الاغنیاء) در شگفتم چگونه فقرا شمشیر خود را بر علیه اغنیاء از نیام بر نمی‌کشند. ۳۳- بحارالانوار: ج ۲ ص ۳۳ ح ۲۹ اصول کافی: ج ۱ ص ۴۴ ح ۲. ۳۴- رئیس جمهور سابق سودان. ۳۵- رئیس جمهور سابق مصر. ۳۶- رئیس جمهور سابق عراق. ۳۷- (خدارا، خدارا، در باره قرآن مد نظر داشته باشید مبادا دیگران در عمل به آن از شما سبقت بگیرند) بحارالانوار: ج ۷۵ ص ۱۰۰ ح ۲. ۳۸- (چرا ربایون و احبار آنها را نهی نمی‌کنند) سوره مائده، آیه ۶۳. ۳۹- نهج البلاغه: خطبه شماره ۳ ح ۴۴. ۴۰- بحارالانوار: ج ۲ ص ۲۲ ح ۳ و فیه (لتحملن). ۴۱- بحارالانوار: ج ۵۴ ص ۲۳۴ ح ۱۸۸. ۴۲-

(مردم بر اموال خویش مسلط هستند) بحارالانوار: ج ۲ ص ۲۷۲ ح ۴۳۰۷ - براءت - استصحاب - تخییر - احتیاط.

فصل دوم: دموکراسی مشورتی

جزئیات حزب

توضیح ویژگی‌های لازم یک حزب را (البته زیر نظر مرجعیت) در برخی از کتابها مانند (الفقه: السیاسة) بیان کرده‌ایم تا کسانی که مایلند در این زمینه فعالیت داشته باشند، بیانات یاد شده را مورد توجه قرار دهند. دموکراسی (مشورتی) در نظام حکومتی، به طور اساسی بر شناخت ماهیت، واقعیت، علل و نتایج احزاب استوار است، زیرا احزاب موجود در یک کشور، همواره تأثیر بسیار مهم و اساسی در صحنه سیاسی و اجتماعی ملت‌ها و حکومت‌ها می‌گذارند، خواه این تأثیر بسیار، از نوع منفی (در احزاب منحرف) یا نوع مثبت آن (در احزاب غیر منحرف و صحیح) باشد. ما در کتاب (السبیل) و (الصیایغه) به طور کامل به ویژگی‌ها و شرطهای خاص احزاب صحیح اشاره کرده‌ایم. همچنان که دموکراسی بر تعدد احزاب نیز استوار می‌باشد، زیرا سیستم چند حزبی به طور عملی ضامن حفظ و تداوم آزادی و جلوگیری از بازگشت استبداد در تاریخ ملت‌ها است. همواره منافع مشترک گروهی از افراد، عامل جناح‌بندی، تجمع و گردهمایی این افراد بوده و هست، لکن وجود منافع مشترک میان گروه و یا افرادی خاص، دلیل بر رعایت منافع همه مردم نمی‌باشد. به طور مثال اتاق بازرگانی، یک سازمانی است که در جهت حفظ منافع گروه خاصی از افراد جامعه و نه تمام آنها فعالیت دارد. احزاب نیز از این قاعده و اصل مستثنی نیستند، به عنوان مثال حزب محافظه‌کار نشانگر سبک تفکر اجتماعی خاصی می‌باشد، اما حزب ترقی خواه الگوی فکری دیگری مطرح می‌کند. گروه‌های مذهبی و غیر مذهبی نیز هر کدام دارای تفکر خاص به خود و یک سلسله از مصالح مشترک میان افراد خود می‌باشند. بر این اساس ساده‌ترین و گویاترین تعریفی که می‌توان برای حزب عنوان نمود، عبارت است از: افرادی که به خاطر تحقق هدف معین و یا دست‌یابی به منافع مشترک دورهم جمع می‌شوند تا به هدف‌های مشترک خود برسند و از آن محافظت کرده و آن را گسترش دهند. ما ملاحظات گوناگونی در مورد تعریف بالا و یا تعریف‌هایی که بعداً بیان خواهد شد داریم، زیرا این تعریف‌ها با واقعیت مطابقت ندارد و در بسیاری از کتابها (۱) تعریف صحیح احزاب گوناگون و هدف‌های برخی از احزاب را بیان کرده‌ایم، خوانندگان عزیز جهت اطلاع بیشتر به آنها رجوع کنند تا ثابت شود که تقسیم‌بندی‌ها و تعریف‌های قبلی و بعدی منعکس‌کننده آراء و نظریات ما نیست، بلکه صرفاً به خاطر آشنا ساختن شما خوانندگان با دیدگاه‌ها و نظرهای دیگران پیرامون این موضوع، به بیان آنها پرداخته‌ایم. احزاب سیاسی معمولاً به احزاب چپ‌گرا، راست‌گرا، میانه‌رو، راست‌گرای تندرو، چپ‌گرای تندرو، و غیره تقسیم می‌شوند. هنگامی که گفته می‌شود فلان حزب راست‌گرا است، به این معنا می‌باشد که منافع گروه خاص و محدودی را دنبال می‌کند که آن طبقه و قشر خاص در جهت دفاع و محافظت از منافع خود در چهارچوب حزب تلاش می‌کند. اما حزب چپ‌گرا، حزبی است که منافع اقشار وسیع‌تری از جامعه را دنبال می‌کند و به عبارت دیگر خواستار توزیع منافع و مزایای کشور در سطح گسترده‌تری می‌باشد و به شکستن انحصار و مزایا و منافع کشور برای گروهی خاص دعوت می‌کند. البته این معنی از دیدگاه شرقی‌ها است، اما از دیدگاه غربی‌ها، راست‌گرا کسی است که دست‌رنج زحمات‌های دیگران را به خود اختصاص می‌دهد و چپ‌گرا کسی است که دست‌آورد افراد را به تمام افراد جامعه اختصاص می‌دهد (۲). که از نظر اسلام هیچ‌یک از این دو مورد قابل قبول نیست. اما حزب میانه‌رو خواستار انحصار منافع و مزایای کشور در دست گروه خاص و یا توزیع آنها میان بیشترین قشر جامعه نیست، بلکه سیاست میانه‌روی را دنبال می‌کند. امّا جناح راست‌گرای تندرو علاوه بر امتیازهای موجودی که در دست گروه خاصی در جامعه می‌باشد، سعی دارد

امتیازهای بیشتری را نصیب گروه خود سازد و در این مورد از هیچ اقدام و یا به کارگیری هیچ وسیله‌ای جهت حفظ این امتیازها فروگذار نمی‌کند. و در مقابل، جناح چپ‌گرای تندرو عقیده دارد که باید مزایا و منافع جامعه در کوتاهترین زمان ممکن در کنترل خود در آید و اقدامات وسیعتری جهت جلب منافع جامعه صورت پذیرد و حتی اگر نیاز به خشونت و روش‌ها و وسایل دیگر باشد، از شگردهای متعارف و عادی فراتر رفته و برای هدف‌های خود از هیچ گونه اقدامی فروگذار نمی‌کند.

تقسیم احزاب به روشی دیگر

۱- احزاب رادیکال (ترقی خواه تندرو) این احزاب از گروه‌های مخالف و ناراضی جامعه تشکیل شده است و جهت تغییر اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه به هر قیمتی که باشد تلاش می‌کنند. ۲- احزاب ترقی خواه میانه رو (آزاد) این احزاب از گروه‌هایی تشکیل می‌شوند که هیچ گونه نارضایتی و یا تنفّری نسبت به شرایط حاکم بر جامعه از خود نشان نمی‌دهند و در عین حال برای انجام اصلاحات، نسبت به مشکلات و نارسایی‌ها، البته به صورت مسالمت‌آمیز و غیر شتاب زده، اقدام‌های لازم را انجام می‌دهند. ۳- محافظه کاران افرادی هستند که از اوضاع جاری خرسند و راضی می‌باشند و مایل به وقوع هیچ گونه تغییراتی در جامعه نیستند هرچند که ادعای دارند برای بهبودی اوضاع جامعه تلاش و مبارزه می‌کنند. ۴- مرتجعین گروهی از افراد هستند که نسبت به اوضاع حاکم بر جامعه ابراز رضایت و خرسندی می‌کنند و به هیچ گونه تحوّل و تغییری در اوضاع جامعه و بهبود شرایط رضایت نمی‌دهند. عده‌ای برای این عقیده‌اند که مردم در مقطع‌های گوناگون سنی، روش‌های خود را تغییر می‌دهند به طوری که در سنین جوانی از جریانات مترقی تندرو حمایت می‌کنند، و هرچه بر عمر آنها افزوده می‌شود بر میزان تغییر گرایش‌های خود می‌افزایند تا این که در سنین پیری و سال خوردگی به ارتجاع گرایش می‌یابند، و کم اتفاق می‌افتد که فردی بدون طیّ مراحل گوناگون ناگهان به گرایش مخالف روی آورد. و در پایان: حزب عبارت است از تجمع گروهی از افراد که دارای منافع مشترک در جهت‌های اجتماعی، اقتصادی و فکری هستند، که برای دستیابی به قدرت در چهارچوب نقطه نظرها و برنامه‌های اصلی خود تلاش و فعالیت می‌کنند. وجود یک حزب خود به خود به مفهوم تجمع و جناح‌بندی گروهی از مردم برای حفظ و نگهداری منافع مشترک در بین خود و یا دفاع از منافع مشترک مورد نظری که در جهت تحقق آن تلاش می‌کنند، می‌باشد. جاذبه اجتماعی هر حزب در محفل‌های مردمی و میان‌اقشاری که خارج از نظام توزیع و تقسیم امکانات و امتیازات جامعه قرار دارند، در واقع به میزان مشمولیت مشترک که اساس و فلسفه حزب در مورد منافع اجتماعی اعم از خاصّ و عام را تشکیل می‌دهد، بستگی دارد، به این معنی که هر اندازه شعاع نقطه نظرها و اهداف حزب، افراد بیشتری از جامعه را در نظر داشته باشد جاذبه و منافع آن حزب بیشتر خواهد بود. و جامعه‌هایی که دموکراسی اقتصادی را پیاده می‌کنند، به طوری که از وجود احزاب در سطح جامعه بی‌نیاز هستند نیز احزاب را برای خود نگه می‌دارند، زیرا احزاب تشکیلاتی هستند که برای مبارزات پیگیر اجتماعی فعالیت می‌کنند و در واقع هدف آنها از مبارزات، بالا- بردن سطح آگاهی سیاسی در جامعه و تحقق اهداف اجتماعی و حفظ ایدئولوژی (عقیده سیاسی) خود می‌باشند، زیرا هیچ گونه حزبی به مفهوم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وجود ندارد که به اصل مبارزه معتقد نباشد و درگیر آن نشود و هیچ حزبی نمی‌تواند از حمایت‌های مردمی برخوردار شود و دامنه نفوذ خود را در میان توده‌های مردم گسترش دهد، مگر این که مبارزه را به عنوان یک اصل مهمّ باور داشته باشد. و هر حزبی که بر مبارزات اجتماعی تکیه دارد تا زمانی که از روحیه مبارزه‌طلبی از این قبیل برخوردار است موجودیت و تداوم خود را حفظ خواهد کرد و هر حزب با استناد به این نکته که یک عامل اساسی به شمار می‌رود به اصل و مفهوم مبارزه معتقد می‌ماند. حتی احزاب راست‌گرا و محافظه‌کار در کشورهای سرمایه‌داری که اصولاً- حافظ امتیازهای طبقاتی هستند، برای حفظ آداب و رسوم اقتصادی و اجتماعی که در واقع ضامن منافع، امتیازات و موقّیت

آنها است، تلاش و مبارزه می‌کنند، زیرا فلسفه برپایی احزاب، وجود حسّ مبارزه جویی در آنها است و هیچ حزبی نمی‌تواند بدون رعایت اصل مبارزه‌طلبی به حیات سیاسی خود ادامه دهد. خصوصاً در جامعه‌های در حال رشد، زیرا احزاب سیاسی نمی‌توانند تنها با انتشار اساس نامه‌ای جامع و در تملک ساختمان‌های متعدّد و صدور ده‌ها نشریه تبلیغاتی، خود را نماینده و حامی منافع اجتماعی و اقتصادی مشترک توده‌های مردمی بدانند. ۵- احزاب دیکتاتوری هنگامی که تنها نقطه نظرهای مسئولین و رهبران یک حزب بر تشکیلات آن حزب تحمیل شود، خود به خود قدرت تفکر و اراده آزاد و بصیرت افراد و هواداران حزب به تدریج سلب و محو خواهد شد و در نتیجه قدرت آنها در به وجود آوردن و متبلور ساختن ارزش‌ها از بین خواهد رفت و با توزیع نامتعادل و نابرابر امکانات حزبی، دروغ‌پردازی، نفاق، بی‌ایمانی، زیاده‌گویی و ترس بر اخلاق، آداب و رسوم سالم حزبی سایه خواهد افکند. و در چنین حزب‌هایی افراد و کادرهای آن هرچه از لحاظ شخصیت حقیرتر و حالت نفاق، چاپلوسی و ترس در آنها بیشتر و باورهای عقیدتی آنها کم‌رنگ‌تر باشد، به همان اندازه سازشکارتر و مطیع‌تر خواهند بود و این گونه افراد که اکثریت عوامل و افراد حزب را تشکیل می‌دهند از قرب و منزلت بیشتری نزد رهبران حزب برخوردار هستند و در مقابل، افراد شجاع بااراده و باایمان که شخصیت آنها با اطاعت بی‌چون و چرا و کورکورانه سازگار نیست، نمی‌توانند مورد اعتماد و اطمینان رهبران و مسئولین بلند پایه حزب باشند و چیزی نمی‌گذرد که از حزب اخراج می‌شوند. در کشورهای در حال رشد، چنانچه این احزاب به طور مستقیم نماینده حکومت‌ها و رژیم‌های سیاسی و نظام‌های اجتماعی حاکم بر کشور باشند، خود به خود آن حکومت و نظام نفوذ اجتماعی و ماهیت مردمی خود را از دست می‌دهد، همان گونه که احزاب (احزاب دیکتاتوری) جاذبیت سیاسی و مردمی خود را از دست داده‌اند، چرا که در آن صورت دارای ماهیت دیکتاتوری هستند و دیکتاتور همیشه باعث پراکنده شدن مردم از اطراف خود می‌شود. فقط با تکیه بر اعدام، زندان و شکنجه می‌تواند به حیات سیاسی خود ادامه دهد. و اگر چنین احزابی برای حفظ منافع خود و جلب اعتماد مردم بخواهند در مقابل حرکات و عمل کرد دیکتاتوری رژیم ایستادگی کنند، خواسته یا ناخواسته موجب پیدایش مشکلات و پیچیدگی امور خواهند شد. و اگر در شرایط مناسب و به دنبال وقوع کودتای نظامی و یا انقلاب مردمی و پس از سرنگونی دیکتاتور فعال شوند، بازهم باعث ویرانی و خرابی خواهند شد. اما در جامعه‌هایی که مردمش آن فاقد روحیه تجربه و عمل کرد حزبی هستند و حکومت‌های حزبی آنها مایل به تقسیم قدرت به روش صحیح و درست میان حزبها نیستند، در واقع حزبهای چنین ملّتی به شکل سازمانهایی در خواهند آمد که دولت هیچ گونه احساس مسئولیتی در برابر آنها ندارد و مردم، آن را نماینده نیازهای اقتصادی و انتخاب‌های اجتماعی خود نمی‌دانند.

علل شکست احزاب سیاسی در جهان سوم

با این که بیش از نیم قرن از تشکیل احزاب سیاسی در کشورهای جهان سوم می‌گذرد، هنوز مسئله حزب یک پدیده ناآشنا برای توده‌های عظیم مردمی و اقشار جامعه به شمار می‌رود، و علت اصلی این مسئله در دو عامل نهفته است که به بحث و بررسی آنها می‌پردازیم: ۱- ملل جهان سوم خاطرات تلخی از فعالیت‌های احزاب سیاسی موجود در کشورهای خود دارند که هرگز آنها را فراموش نمی‌کنند. ۲- کمبود کتاب و جزوه‌های لازم در جهت آموزش صحیح اصول سیاست در مراکز آموزشی که این امر باعث جهل و عدم آگاهی جامعه و خصوصاً نسل جوان نسبت به مسایل سیاسی و حزبی گشته و خود موجب ضعف و خلل در اداره صحیح احزاب شده است. از این رو مردمی یابیم که احزاب سیاسی در نخستین تجربه اجتماعی خود در رابطه با انتخابات پارلمانی و انتخابات شوراهای شهری دچار شکست می‌شوند و روشنفکران و کسانی که در دوران مبارزات خود رنج‌های زیادی را تحمّل نموده، ناگهان با احزاب، جنبش‌ها و خیزش‌ها مواجه می‌شوند و سئوالات متعدّدی در اذهانشان شکل می‌بندد، مانند: آیا احزاب

قادر به تجسم انتخابهای اجتماعی مردم هستند؟ آیا قادر بر بیان جهان بینی خود و همچنین درک مسایل و مشکلات جامعه می‌باشند تا در رفع آنها اقدام کنند؟ یا این که با فعالیت‌های بی‌هدف و نسنجیده خود فاصله طبقاتی میان دو قشر ثروتمند و فقیر را بیش تر می‌کنند؟ آیا می‌توانند تکیه‌گاه قدرتی، برای توده‌های مردم به شمار آیند؟ آیا توان انجام وظیفه و ادای مسئولیت‌های خود را دارند، تا مردم به سوی آنها روی آورند و با عضویت و همکاری در جهت پیشرفت کشور تلاش کنند؟ آیا اساساً رابطه‌ای میان احزاب و مردم وجود دارد؟ آیا رهبران احزاب می‌توانند رابطه و تماس با توده‌های مردم برقرار سازند که مبتنی بر انتخاب‌های مشترک اجتماعی باشد؟ احزاب سیاسی در چه شرایطی می‌توانند کامل کننده دموکراسی (مشورتی) که به تدریج بر جامعه‌های نوین حکم فرما می‌شود، باشند؟ آیا در دنیای پیشرفته و مترقی و یا در حال توسعه و رشد، نیازی به وجود احزاب سیاسی می‌باشد؟ نقاط مثبت و منفی احزاب کدام است؟ احزاب چه نقشی را در تعیین سرنوشت دولت‌ها ایفا می‌کنند؟ احزاب چگونه می‌توانند زمینه فعالیت‌ها و مبارزات اجتماعی را برای خود فراهم سازند؟ عناصر تشکیل دهنده احزاب چگونه می‌توانند، ابزار محرک فعالیت‌های اجتماعی را درک نموده و بر اهمیت و ضرورت آن ابزار واقف گردند؟ چگونه نیروهای احزاب سیاسی به صورت ابزاری برای تحقق اهداف شخصیتی معین در جامعه در می‌آیند؟ این‌ها مجموعه سؤالاتی هستند که نیاز به پاسخ دارند و ما چون در صدد بررسی جزئیات این گونه مسایل نیستیم، لذا پاسخ آن را به کتابهای تفصیلی واگذار می‌کنیم (۳). (حزب) یک واژه عربی است به معنای گروه یا مجموعه‌ای از افراد مردم با دیدگاه‌ها و هدف مشترک، و جمع آن (احزاب) می‌باشد. و در قرآن کریم سوره‌ای به این نام اختصاص یافته که پروردگار متعال در آیه ۲۱ این سوره می‌فرماید: (وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ). (هنگامی که مؤمنین احزاب را دیدند، گفتند: وعده خدا و رسولش همین است). و در حدیثی از رسول الله (ص) می‌خوانیم که فرمودند: (أَنَا مَعَ الْحِزْبِ الْمُنْذِي فِيهِ ابْنُ الْأَرْدَعِ) (۴). (من با حزبی هستم که ابن‌الاردع در آن می‌باشد). و امّا حزب سیاسی را می‌توان این گونه تعریف نمود: حزب سیاسی عبارت است از قشری از طبقه اجتماعی که برای برقراری نظام معینی به خاطر تأمین منافع مورد نظر و دست‌یابی به قدرت و اجرای خطّ مشی عقیدتی خود مبارزه نموده، برای به دست گرفتن رهبری طبقه‌ای که نمایندگی آن را در صحنه مبارزات اجتماعی بر عهده دارد، تلاش می‌کند. امروزه قدرت احزاب در کشورهای غربی به طور مداوم در حال افزایش است، زیرا مردم از این گونه مکتب‌های سیاسی استقبال می‌کنند به طوری که حکومت‌ها قادر نیستند پا برجا بمانند و یا به قدرت برسند، مگر با برخورداری از حمایت و پشتیبانی احزاب. حکومت‌هایی که بدون حمایت و پشتیبانی احزاب به قدرت می‌رسند، در نخستین آزمون خود و در برخورد با اولین بحران و مشکل اجتماعی متزلزل گردیده و از مقام و قدرت کنار می‌روند. کار به جایی رسیده که وجود احزاب سیاسی در جامعه‌های غربی به صورت یکی از لوازم برقراری دموکراسی در آمده و اکثر رجال سیاسی جهان معاصر، رهبران و نمایندگان و کاندیداهای احزاب می‌باشند. احزاب سیاسی و نهادهای وابسته به آنها همواره تأثیرهای به‌سزایی بر روند انتخابات دارند. شاید این تأثیرها در بافت داخلی نهادهای دولتی نمایان‌تر باشد. البته روشن ساختن این موضوع کار سهل و آسانی نیست. هنگامی که در نظر بگیریم احزاب سیاسی به سازماندهی صفوف رأی‌دهندگان در حوزه‌های انتخاباتی اکتفا نکرده و خود را به کاندیداهای انتخاباتی محدود نمی‌سازند، بلکه در تعیین و انتصاب وزرا و نمایندگان نیز دخالت می‌کنند. در این جا لازم است میان آنچه که آن را موضوع ساختاری و موضوع اساسی می‌دانند مقایسه‌ای به عمل آوریم: در چهارچوب حکومت‌های امروزی اعمّ از دموکراتیک و یا دیکتاتوری مستبد (زیرا استبداد جدید نیز بر سیستم تک حزبی استوار است) احزاب سیاسی پایه و اساس ساختار جامعه را تشکیل می‌دهند، در حالی که سازمان‌های عمومی مردمی، بافت جامعه را به صورتی که توضیح دادیم تشکیل می‌دهند و در این راستا احزاب به دو نوع تقسیم می‌شوند:

اول: احزابی که در داخل پارلمان‌ها و مجالس شورا فعالیت هستند. دوم: احزابی که در خارج از محدوده پارلمان و مجلس فعالیت هستند. البته تفاوت بسیار زیادی وجود دارد، میان حزبی که مشروعیت خود را خارج از پارلمان کسب می‌کند و حزبی که بر بستر پارلمان و هیئت‌های انتخاباتی متکی است، زیرا احزاب فعالیت در خارج از پارلمان متمرکز و منسجم‌تر از احزاب فعالیت در درون پارلمان هستند و این برتری ناشی از آن است که تکامل احزاب فعالیت در داخل پارلمان از بالا- به پایین انجام می‌شود، اما دیگر احزاب در محافل مردمی و از میان مردم شکل می‌گیرد و در واقع (تکامل آن از پایین به بالا- است) و به عبارت دیگر از اعماق توده‌ها بر می‌خیزند.

ساختار عمومی احزاب سیاسی

در احزاب سیاسی تعداد معینی از افراد هستند که در سطح اداره حزب بوده که با به عهده گرفتن مسئولیت حزبی در زمینه‌های مختلف، از حق صدور اوامر حزبی برخوردارند، در حالی که اغلب افراد و کادرهای حزب، تنها به این گونه اوامر توجه می‌نمایند، اما این رهبری و این تشکل به تنهایی برای به حرکت در آوردن چرخ‌های حیات احزاب سیاسی و ایفای هرگونه نقشی جهت تداوم موجودیت حزب و تحکیم موقعیت آن کفایت نمی‌کند و باید عوامل دیگری فراهم شود تا حزب مورد نظر به یک حزب سیاسی مبدل گردد. حزب زمانی به وجود می‌آید که گروهی از افراد با توجه به آیین نامه و اساس نامه مربوطه، خود را متشکل سازند و گروه‌های کوچکی به وجود آورند که در این تشکل نقش مهمی را دارا می‌باشند، و این گروه‌ها در نهایت با توجه به عوامل هماهنگ کننده، حزب را به وجود می‌آورند که تشکیلات حزب بر این واحدهای تشکیلاتی کوچک استوار خواهد بود و بدیهی است که ماهیت ارتباط و روابط اعضای یک حزب با سازمانهای مختلف آن در چهارچوب بافت احزاب سیاسی متفاوت است و این رابطه به دو صورت انجام می‌گیرد: ۱- روابط مستقیم: در رابطه مستقیم و یا بدون واسطه، عضویت افراد پذیرفته شده و حق عضویت می‌پردازند و در جلسات عمومی حزبی شرکت می‌کنند، تا نقطه نظرهای مختلف خود را پیرامون مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ارائه دهند. و خلاصه‌ای از دیدگاه‌ها و پیشنهادات جمع‌بندی می‌شود و به واسطه کمیسیون‌های مربوطه در جلسات حزبی به مسئول و تصمیم گیرنده حزب ارائه می‌شود و اگر دولت از سوی این حزب تشکیل شده باشد، طرح‌ها و نظرات توسط مسئول حزب به اطلاع دولت می‌رسد، تا دولت آنها را در اقدامات آینده خود در برنامه‌ریزی‌های مملکت قرار دهد. ۲- روابط غیر مستقیم: اما در این گونه موارد افراد نمی‌توانند به طور مستقیم به عضویت حزب در آیند و حق عضویت بپردازند. بلکه چنین جریانی توسط سندیکاها، شرکت‌های تعاونی و جمعیت‌ها طی می‌شود. وجود چنین واسطه‌هایی بین حزب و توده‌های مردم باعث می‌گردد که افراد نتوانند به طور مستقیم به عضویت حزب در آیند و دیدگاه‌ها و نظرات خود را نسبت به مسایل مختلف بیان کرده و روابط مستقیم با مسئولین حزب برقرار سازند.

تشکیلات داخلی احزاب سیاسی

تشکیلات احزاب سیاسی در جهان معاصر به چند دسته تقسیم می‌گردد: ۱- کمیسیون‌ها در احزاب آزاد، محافظه‌کار و رادیکال (تندرو) ۲- مناطق در احزاب سوسیالیستی کمیسیون‌ها معمولاً از تعداد محدودی از افراد تشکیل می‌گردد، که در حزب عضویت دارند و پس از معرفی آنها از سوی بنیانگذار حزب به عضویت کمیسیون‌ها معرفی می‌شوند. احزاب مبتنی بر واحد تشکیلاتی به

نام کمیسیون، هیچ‌گونه توجّهی به کمیّت و تعداد اعضا نمی‌نمایند، بلکه نسبت به کیفیت و شخصیت افراد توجّه می‌کنند و کمیسیون‌ها در کشورهای مختلف از یکی از اعضای زیر تشکیل می‌گردد: اول: توجّه حزب معطوف به ماهیت کاندیداهای عضویت در حزب و شخصیت و موقعیت آنها می‌گردد و طبعاً فردی که به عضویت حزب انتخاب می‌شود، در کمیسیون مشارکت می‌کند. دوم: افراد به نمایندگی از طرف سندیکاها و جمعیت‌ها در کمیسیون شرکت می‌کنند و فعالیت کمیسیون در این مورد غیر دائمی بوده و جلسات آن به طور منظم برگزار نمی‌گردد و در واقع فعالیت‌های کمیسیون شب شروع مبارزات انتخاباتی آغاز می‌گردد و در برخی از شهرها افرادی که به نام (کاردار) و قائم مقام هستند، مسئولیت مدیریت کمیسیون‌ها را به عهده دارند و هر کارداری مسئولیت یک حوزه کوچک انتخابی را برعهده دارد و این حوزه ۴۰۰ رأی دهنده و یا تعدادی معین را زیر پوشش خود دارد. کاردار باید با کلیه رأی دهندگان در حوزه انتخابی خود آشنا شود و با آنها تماس داشته باشد و در صورت نیاز به کمک آنها بشتابد و در واقع کاردار از تأثیر و نفوذ قابل توجّهی به رأی دهندگان برخوردار است، محرک اصلی روند انتخابات در حوزه مربوطه به شمار می‌رود و خود را در خدمت مسئولین حزب قرار می‌دهد، و دور از انتظار نیست که شخص کاردار در جریان انتخابات به نفع حزب معینی فعال شود در حالی که در دوره قبلی انتخابات به نفع حزب مخالف و رقیب این حزب فعالیت می‌کرده، البته این در صورتی است که کاردار پایبند به اصول حزبی نباشد، گرچه به اصل میهن پرستی یا هر اصل دیگری معتقد باشد و کمیسیون‌هایی که متشکل از نمایندگان و فرستادگان سندیکاها و جمعیت‌های مختلف هستند، توسط آنها چرخ‌های حزب را به حرکت در می‌آورند. در احزاب راست‌گرا اعضا هیچ‌گونه تمایلی برای دخالت در مسایل سیاسی از خود نشان نمی‌دهند و فقط عضویت در کمیسیون‌های حزبی را ترجیح می‌دهند. امّا کمیسیون‌های احزاب فعال در برخی از کشورها هنوز موجودیت خود را حفظ کرده‌اند زیرا مردم این کشورها هنوز نتوانسته‌اند خود را با مقررات حزبی سازگار نمایند. مردم آن کشور فاقد روحیه طبقاتی هستند و هرگز آماده پذیرش دستورالعمل‌های اجتماعی و سیاسی سخت و دیگته شده نیستند، کارگران در این کشورها با وجود عضویت در سندیکاها کارگری همانند کارگران کشورهای دیگر نبوده و فاقد روحیه مبارزه‌طلبی طبقاتی می‌باشند و ترجیح می‌دهند خود را محدود به مقررات حزبی نکرده و درست برعکس کارگران کشورهای دیگر رفتار کنند و کمیسیون‌های احزاب سیاسی در این کشورها پایه و اساس تشکیلات حزبی را تشکیل می‌دهند. امّا در فعالیت‌های منطقه‌ای که از ابتکارات احزاب سوسیالیستی می‌باشد، درست در نقطه مقابل کمیسیون‌ها قرار دارند، زیرا مناطق، دستورالعمل‌های خود را از یک مرکز یعنی کمیته مرکزی حزب دریافت می‌کنند. منطقه در واحدهای اساسی احزاب سیاسی در واقع بخشی از پشتوانه اصلی حزب به شمار می‌رود زیرا عامل اصلی در جهت ایجاد تمرکز و تجمع در بخش‌های مختلف حزب می‌باشد، این گونه فعالیت‌های منطقه‌ای بر خلاف کمیسیون‌ها که کیفیت را نسبت به کمیّت مدّ نظر دارند، توجّه خاصی به کمیّت مبذول داشته و سعی دارند قشرهای مختلف جامعه را به سوی حزب جذب نمایند. افراد با شرایط بسیار سهل و آسانی به عضویت حزب می‌توانند در آیند. جلسات مناطق حزبی به طور منظم و به صورت مستمر برگزار می‌گردد و طی این جلسات در مورد مسایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بحث و گفتگو می‌شود و از روش‌های حکومت حزبی و عمل کرد مسئولین حزب انتقاد به عمل می‌آید و خطّ مشی حزب مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و راه‌های جدیدی طرح و مورد بررسی قرار گرفته و جهت اجرا برای مسئولین حزب ارسال می‌گردد. منطقه برعکس کمیسیون هیچ‌گونه نقش اساسی در فعالیت‌های انتخاباتی بازی نمی‌کند و رئیس منطقه نمی‌تواند دخالت مستقیم در امور انتخابات و اقدامات مربوط به آن داشته باشد در حالی که رئیس کمیسیون از چنین اختیاراتی برخوردار است. امّا روابط داخلی در سازمان‌های حزبی به دو صورت برقرار می‌گردد: ۱- روابط عمودی (طولی) ۲- روابط افقی (عرضی) روابط عمودی (طولی): چنین روابطی مانع از نفوذ خطر جدایی‌طلبی و انشعابات حزبی بخش‌های مختلف حزب می‌گردد و از رشد چنین ایده‌هایی در ذهن اعضای خود جلوگیری نموده، راه نفوذ هرگونه افکار مغایر بر عقاید حزب، به داخل سازمان‌های حزبی را سدّ می‌کند، زیرا سلسله

مراتب تشکیلات داخلی حزب اقتضا می‌کند که علاوه بر تشکیلات رسمی حزب که به صورت علنی فعالیت می‌کند، یک تشکیلات مخفی باشد تا وظیفه کنترل و نظارت را بر عهده داشته باشد و این تشکیلات مخفی از مسئولین واحدهای حزبی تشکیل می‌شود، زیرا این مسئولین توسط کمیته مرکزی حزب، انتخاب می‌شوند و برای حفظ موقعیت حزبی خود ناگزیرند تا مراقب اوضاع داخلی واحدهای خود باشند و از نفوذ هرگونه افکار مخالف مقررات حزب به داخل این واحدها جلوگیری به عمل آورند. روابط عمودی نه تنها به برقراری انضباط و سخت‌گیری‌های حزبی کمک می‌کند، بلکه باعث می‌گردد که واحدهای حزبی فعالیت‌های خود را به طور سری انجام دهند، خصوصا در مواقع بحرانی که منجر به لغو مجوز قانونی فعالیت حزب از سوی رژیم حاکم می‌گردد، که در این صورت شناسایی و انهدام حزب در کوتاه مدت مقدور نخواهد بود زیرا هسته‌های حزبی با یکدیگر در ارتباط نیستند و آنچه مسلم است در تمام احزاب سیاسی جهان تمایل به ایجاد روابط عمودی کاملا مشهود است زیرا احزاب سیاسی برای حفظ موقعیت، موجودیت و تداوم فعالیت‌های خود نیازمند به برقراری روابط عمودی در تشکیلات خود می‌باشند. روابط افقی (عرضی): احزابی که به روابط مستحکم و هم‌بستگی حزبی میان افراد و مسئولین خود نیاز ندارند، روابط میان آنها به گونه دیگری است، که این روابط افقی نام دارد، در این گونه روابط، کلیه عوامل و نهادهای حزبی در سطح واحدی قرار دارند و همه قادرند با یکدیگر رابطه برقرار سازند بدون این که به ضوابط اداری مقید باشند و یا آنکه سلسله مراتب فرماندهی را رعایت کنند. چنین احزابی قادر به برقراری مقررات حزب در درون تشکیلات خود نبوده و در مقاطع بحرانی و بروز خطر لغو مجوز قانونی، فعالیت حزبی قادر به حفظ موجودیت خود نمی‌باشند. عموما به ندرت اتفاق می‌افتد که در احزاب سیاسی روابط افقی (عرضی) به تنهایی حکم فرما باشد. اما در سندیکاهای مختلف و انجمن‌های فرهنگی، ادبی، ورزشی و جمعیت‌های سیاسی با اهداف محدود و روشن همانند جمعیت‌های طرف دار صلح در غرب، در این گونه تشکیلات به خاطر این که سعی دارند طرف داران بیشتری به سوی خود جذب کنند، به دلیل ظهور هرگونه فعالیت بیشتر به روابط افقی روی می‌آورند.

انواع تمرکز دیکتاتوری و تمرکز دموکراتیک

اگر مسئولین یک حزب نظارت و کنترل کامل بر جلسات اعضای حزب داشتند و مسایل عقیدتی را به نوعی در این گونه جلسات تحمیل کردند و به اعضای حزب اجازه ندادند آزادانه آراء و پیشنهادهای خود را بیان کنند و اگر هیچ‌گونه رابطه‌ای میان آراء و نظرهای اعضای حزب و تصمیمات مسئولین آن وجود نداشت در این صورت حزب دارای تمرکز دیکتاتوری می‌گردد و چنین تمرکزی با دقت هرچه تمامتر در احزاب فاشیستی رعایت می‌شود. مصوبات رهبران حزب در چنین احزابی بدون چون و چرا و بدون توجه به آراء و پیشنهادهای اعضا حزب به مورد اجرا در می‌آید. در حال حاضر چنین تمرکزی به وضوح در جامعه‌های عقب افتاده به چشم می‌خورد و احزاب سیاسی غالبا در این گونه جامعه‌ها از تمرکز دیکتاتوری برخوردارند. اما زمانی که تمرکز دموکراتیک در جامعه‌ای حکم فرما گردد، آراء اکثریت اعضای حزب و یا نمایندگان آنها در تصمیم‌گیری‌ها و تدوین مقررات حزبی مد نظر و مورد توجه قرار می‌گیرد، زیرا رابطه مستقیم میان آراء اعضا و مصوبات رهبران حزب وجود دارد و آراء اعضای حزب همواره مورد احترام رهبران آن می‌باشد و اصل آزادی بیان از جایگاه خاصی در درون حزب برخوردار است.

حق عضویت

از عمده وظایف افراد یک حزب پرداخت حق عضویت می‌باشد و هر فردی که به عضویت حزب در می‌آید، باید حق عضویت

خود را برای مدت ۳ یا ۶ ماه و حتی یک سال بردارد و علاوه بر آن، حق پذیرش و پیوستن به حزب را بردارد. احزابی که به کیفیت و شخصیت اعضای خود توجه دارند، حق عضویت این گونه افراد مبلغ قابل توجهی در جهت بهبودی شرایط مالی حزب به شمار می‌آید، زیرا اعضای آن آگاهی دارند، که حزب از افراد و شخصیت‌های معینی که از آن طرفداری می‌کنند کمک مالی دریافت می‌نماید و به همین خاطر ممکن است، اعضای حزب پس از پرداخت حق پیوستن به حزب، هیچ‌گاه حق عضویت نپردازند و هیچ‌گونه توجهی به دستورات کمیته مالی حزب در رابطه با پرداخت حق عضویت خود نکنند. اما احزابی که به کمیت و تعداد اعضا توجه دارند، اهمیت خاصی را برای دریافت مبالغ حق عضویت اعضای خود قرار می‌دهند که این مبالغ منبع اصلی درآمد حزب محسوب می‌گردد، زیرا این گونه احزاب فاقد هرگونه درآمدهای مالی از سوی جناح‌ها و طرف داران سیاست حزب و رهبری آن می‌باشند. اصولاً اداره و رهبری احزاب سیاسی توسط یک رهبر یا یک دبیر کل همیشه تداوم پیدا نمی‌کند اما احزاب واقعی در حد امکان سعی دارند، تغییرات ضروری را در صفوف کادرهای رهبری خود با توجه به شرایط و تحولات جاری در صحنه سیاسی انجام دهند و عدم تمرکز قدرت در احزاب در واقع باعث تقویت بعد مشورتی در حزب می‌گردد و اگر قدرت در دست افراد کمی متمرکز گردید نتیجه‌ای جز دیکتاتوری به بار نخواهد آورد، همان‌گونه که در حال حاضر در مورد احزاب کمونیستی و امثال آنها مشاهده می‌کنیم.

احزاب دموکراتیک و احزاب دیکتاتوری

زمانی یک حزب را دموکراتیک می‌نامند که رهبران آن توسط اعضای حزب و طی انتخابات واقعی و به صورت رأی‌گیری علنی و یا مخفی انتخاب شوند. خط مشی و سیاست کلی این گونه احزاب خواه در بعد آیین‌نامه تشکیلات و خواه در بعد مقررات و مصوبات، در کنگره عمومی حزب ترسیم می‌گردد و ناگفته نماند که کنگره حزب با مشارکت نمایندگان و فرستادگان واقعی اعضای حزب برگزار می‌شود. در جلسات چنین احزابی آراء، دیدگاهها، نقطه نظرهای جناح‌ها و گرایشات مختلف و متضاد درون حزب، مطرح می‌گردد و در نتیجه دیدگاهها و نظریاتی مورد تأیید قرار می‌گیرند، که اکثریت اعضا به آن رأی دهند. و زمانی به یک حزب لقب دیکتاتوری می‌دهند که رهبری آن با جایگزین شدن جانشین به جای رهبر قبلی تعیین می‌گردد و خط مشی حزب تجسم خواسته‌ها و گرایشات رهبری حزب خواهد بود و هرگونه اظهار نظر مخالف با خط مشی کلی حزب ممنوع خواهد بود و در نتیجه طرح افکار و آراء مختلف از میان خواهد رفت و هر فردی که در برابر دیدگاه‌های حزب تسلیم نباشد، از حزب خارج می‌گردد و در چنین شرایطی حزب به سوی استبداد و دیکتاتوری گرایش پیدا نموده و سلطه فرد بر حزب حاکم خواهد شد (۵).

احزاب سیاسی و نهادهای دولتی

تعدد احزاب سیاسی و ماهیت و بافت تشکیلاتی آنها تأثیر به‌سزایی در انتخاب هیئت حاکمه دارد و چنین تأثیری در ساختار داخلی نهادهای دولتی آشکارتر است، از این رو احزاب سیاسی نه تنها کاندیدها و رأی دهندگان را طبقه‌بندی می‌کنند، بلکه تلاش می‌نمایند تا در انتخاب وزیران و معاونین آنها و اعضای پارلمان نیز نقش داشته باشند، اما در بهتر و نافع بودن نظام مبتنی بر دو حزب یا نظام مبتنی بر احزاب متعدد در صحنه سیاسی، صاحب نظران اختلاف دارند، بعضی را عقیده بر آن است که تعدد احزاب به مراتب بهتر از نظام دو حزبی است، و بر این عقیده دلایل مختلفی دارند، از جمله این که وجود احزاب متعدد نشان از آزادی بیشتر و صحنه‌ای وسیع‌تر در مبارزه‌های سیاسی و طرح نظرها و آراء بیشتر در زمینه مسایل اجتماعی و... دارد، در حالی که طرف داران نظام

دو حزبی معتقدند که برقراری نظام دو حزبی فرصت مناسبی را برای ظهور مخالفت‌ها و در نتیجه جدایی در صف‌های مخالفین پدید می‌آورد. در این مواقع می‌توانیم بگوییم، نظام مبتنی بر سیستم چند حزبی باعث متفرق شدن اپوزسیون در گروه‌های مختلف می‌گردد و قدرت آن را درهم می‌شکند، در حالی که نظام مبتنی بر سیستم دو حزبی و یا دو جبهه‌ای فقط یک اپوزسیون متحد با تمام ظرفیت به وجود می‌آورد. اما نظام تک حزبی فقط یک عقیده را بر مردم تحمیل می‌کند و به سیاست‌های سرکوب، اختناق و خشونت روی آورده و قدرت را به انحصار خود در می‌آورد و به همین دلیل رژیم‌های فاشیستی همانند رژیم‌های کمونیستی، متکی بر سیستم تک حزبی هستند و این حزب، یگانه یکه تاز صحنه فعالیت‌های سیاسی کشور می‌باشد. ایدئولوژی و محیط سرکوب و اختناق وجه مشترک رژیم‌های فاشیستی و کمونیستی بوده، و این گونه‌اند رژیم‌های ملی‌گرا و مانند آن‌ها که زاییده رژیم‌ها و نظام‌های شرقی و غربی مبتنی بر سیستم تک حزبی هستند. این رژیم، مخالفین ایدئولوژی خود را خطرناک‌تر از جنایت کاران عادی می‌داند و با افراد منفصل از حزب همانند سایر مخالفین رفتار می‌کنند و با خشونت و درّندگی هرچه تمام‌تر آن‌ها را سرکوب می‌کنند همان گونه که رهبران فاشیستی با رفقای که از حزب کناره‌گیری کرده، رفتار می‌نمایند.

نظام مبتنی بر دو حزب

در چنین نظامی، دو حزب وجود دارد که، قدرت را یکی پس از دیگری به دست می‌گیرند. آنها از طریق برگزاری انتخابات آزاد به قدرت می‌رسند، گرچه ممکن است احزاب دیگری در جامعه مربوطه فعالیت داشته باشند ولیکن قدرت و حکومت در دست این دو حزب باقی می‌ماند و این دو حزب به طور متناوب قدرت را در دست می‌گیرند، زیرا افکار و عقاید آنها به افکار اقشار و توده‌های مردم نزدیک می‌باشد در حالی که افکار و عقاید احزاب دیگر چنین نیست، به طور مثال: در انگلستان احزاب دیگری غیر از حزب کارگر و محافظه کار، مانند حزب لیبرال و کمونیست وجود دارند و حتی نمایندگان را نیز در پارلمان انگلستان دارند ولیکن قدرت در دست این دو حزب قوی باقی می‌ماند، در نظام دو حزبی، حزب اکثریت، حکومت را در دست دارد، اما حزب اقلیت اپوزسیون را رهبری خواهد کرد و از آزادی بیان و انتقاد برخوردار خواهد بود. و یا در آمریکا احزاب دیگری غیر از حزب دموکرات و حزب جمهوری خواه وجود دارند و این احزاب دارای نمایندگان در پارلمان هستند ولیکن اکثریت اعضای کنگره و اغلب رأی دهندگان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از افراد و هواداران احزاب دموکرات و جمهوری خواه هستند. مطالعه و توجه به تفاوت‌های بزرگ میان نظام دو حزبی و چند حزبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نگاهی به ماهیت انتخابات در نظام‌های مذکور به خوبی نشان‌دهنده این تفاوت زیاد می‌باشد. نتایج انتخابات در نظام دو حزبی در یک دوره انتخاباتی مشخص می‌گردد. زیرا رأی اکثریت در این زمینه ملاک واقع می‌شود، اما در سیستم چند حزبی نتایج انتخابات در دوره اول و دوم در نظر گرفته می‌شود، و رسیدن به اکثریت نسبی ملاک انتخاب کاندیدای یکی از احزاب مورد نظر می‌باشد. برای توضیح این نکته یک حوزه انتخاباتی را در نظر می‌گیریم، اگر تعداد آراء حزب محافظه کار در این حوزه ۱۰۰ هزار رأی باشد و آراء حزب ترقی خواه ۱۵۰ هزار رأی باشد، در این حالت اگر انتخابات در یک دوره برگزار گردد و طرف داران حزب ترقی خواه به دو دسته شوند در حالی که طرف داران حزب محافظه کار گروه متحدی به وجود آورند، حزب محافظه کار می‌تواند با ۱۰۰ هزار رأی خود در مقابل ۱۵۰ هزار رأی حزب ترقی خواه به پیروزی برسد، زیرا آراء حزب ترقی خواه دچار دو دستگی شده و چنین وضعیتی باعث می‌گردد که طرف داران حزب ترقی خواه در انتخابات بعدی (یا دوره بعدی) متحد شوند تا نمایندگان بیشتری به پارلمان بفرستند و با قدرتی منسجم‌تر از گذشته در انتخابات شرکت جویند و بیش از ۱۰۰ هزار رأی بیاورند و بر حزب محافظه کار غلبه کنند و اگر متحد نشوند رأی‌دهندگان به نفع گروه و حزب رقیب رأی خواهند داد. چنین وضعیتی باعث ایجاد انگیزه‌هایی برای وحدت احزاب و یا درهم

ریختن مراکز قدرت حزبی می‌گردد.

احزاب و گروه‌های فشار

فلسفه وجودی احزاب سیاسی معمولاً به جهت انجام فعالیت‌های سیاسی به وجود می‌آید، اما گروه‌های فشار و مراکز نفوذ، چیزی جز سازمان‌های سیاسی خاص نیستند، که همواره سعی دارند به واسطه یک سری فعالیت‌های پشت پرده، تسلط خود را بر اوضاع تحمیل کنند و اهداف سندیکایی یا صنفی و یا بازرگانی خود را تحقق بخشند، همانند گروه‌های فشار (لویی‌ها) که در جناح‌بندی‌ها و باندهای درون مجالس شورا دخالت می‌کنند و در انتصاب و یا برکناری وزرا و مأموران بلند پایه دولت دخالت دارند. گروه‌های فشار به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف - گروه‌های فشار هیئت حاکمه ب - گروه‌های فشار مردمی در مرکز فعالیت گروه فشار از قسم اول، در رابطه با سازمانها و نهادهای دولتی و اعضای پارلمان و یا اعضای هیئت دولت و کارمندان بلند پایه حکومت می‌باشد. اما محدوده فعالیت گروه‌های فشار مردمی از طریق مطبوعات، سخنرانی‌ها، جلسات و گزارش‌های خبری و دیگر فعالیت‌ها صورت می‌پذیرد تا از این راه بتوانند بر توده‌های مردم تأثیر بگذارند. گروه‌های فشار با توسل به این روش‌ها در مسایل سیاسی، انتخاباتی، اجتماعی و حتی در مسایل دیگر به اهداف خود دست می‌یابند و این پیروزی مدیون آراء و حمایت‌های توده‌های مردمی می‌باشد. گروه‌های فشار مردمی می‌توانند به واسطه فعالیت‌های مطبوعاتی، اعتصابات و همچنین سازماندهی تظاهرات، نقش اصلی را در تحریکات و جریانات مخالف ایفا کنند، و از این رو گاه فعالیت‌های گروه‌های فشار به صورت علنی، گاه با استفاده از وسایل ابزارهای قانونی و گاه با توسل به خشونت، فریب، نیرنگ، پرداخت رشوه و شایعه پراکنی صورت می‌گیرد.

توسل به فعالیت‌های زیر زمینی

اگر دولت‌ها حاضر نباشند قدرت‌های پنهانی و بانفوذ درون کشور را به رسمیت بشناسند و از صدور مجوز فعالیت به آنها خودداری کنند و حتی فعالیت آنها را غیر قانونی اعلام کنند، این اقدام به مفهوم متوقف شدن فعالیت‌ها و تلاش‌های این قدرت‌های پنهانی نخواهد بود، زیرا قدرت‌های پنهانی دارای شگردها و ابزارهای منحصر به خود می‌باشند و با به کارگیری آنها می‌توانند به اهداف خود در تحمیل آراء و دیدگاه‌های خود بر دستگاه حاکم برسند و قدرت سیاسی حاکم در کشور قادر نیست مانع کار آنها شود. فعالیت قدرت‌های پنهان در جامعه‌های پیشرفته و مترقی که در چهارچوب مبارزات سیاسی برای حفظ سرمایه‌های کشور و غیره صورت می‌گیرد، نه تنها منجر به تزلزل ساختار دموکراتیک جوامع این کشورها نمی‌شود، بلکه خود از شرایط ضروری تداوم دموکراسی به شمار می‌رود، زیرا انتقاد سازنده از اقدامات حاکمیت سیاسی کشور در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی توسط قدرت‌های پنهانی و گروه‌های فشار می‌تواند باعث تحکیم دموکراسی و پرکردن خلأ موجود در زمینه فاصله زیاد طبقاتی که عامل تحکیم و رخنه بوروکراسی در جامعه به شمار می‌رود، گردد. اما در جامعه‌های عقب افتاده (دیکتاتوری) دولت‌ها بر اثر فعالیت‌های زیرزمینی و فشارهای فزاینده این گروه‌ها سرنگون می‌شوند و به طور مشخص کشمکش میان آنها منجر به ویرانی، بی‌ثباتی، ایجاد فساد و هرج و مرج داخلی می‌گردد، درست همان طور که امروزه در جهان سوم مشاهده می‌گردد.

تفاوت میان گروه‌های فشار و احزاب سیاسی

۱- گروه‌های فشار برخلاف احزاب سیاسی فاقد تشکیلات مشخص منسجم و ایدئولوژی روشنی می‌باشند. ۲- تعداد افراد گروه‌های فشار غالباً محدود می‌باشد، زیرا این گروه‌ها متشکل از افراد دارای منافع مشترک هستند، در حالی که احزاب سیاسی معمولاً سعی دارند، نفوذ خود را در صفوف توده‌ها بسط و گسترش داده و هواداران و طرف داران بیشتری از میان مردم به خود اختصاص دهند.

۳- گروه‌های فشار هیچ گونه ارتباط مستقیم با سیاست، مدیریت و دولت ندارند، بلکه سعی دارند منافع خود را به وسیله افراد شاغل در دستگاه‌ها و مقامات دولتی تحقق بخشند و برخلاف احزاب سیاسی تلاش می‌کنند، این گونه افراد را برای پیروزی و نصرت خویش به سوی خود جذب کنند و اهداف خود را از این طریق ثابت کنند، در حالی که احزاب سیاسی تنها سعی دارند، قدرت را به دست گیرند تا اهداف اجتماعی خود را تحقق بخشند. هر جمعیت، اتحادیه، واحد صنفی و یا هر تشکیلات دیگری می‌تواند به اعمال فشار سیاسی در برخی از مراحل فعالیت خود روی آورد و به ندرت اتفاق می‌افتد که گروه‌های فشار فقط دارای جنبه سیاسی باشند و به عبارت دیگر هدف آنها تنها مشارکت در مبارزات سیاسی باشد. اغلب گروه‌های فشار فعالیت‌های سیاسی خود را در پشت پرده‌ای از فعالیت‌های دیگر پنهان می‌سازند و به دین ترتیب به طور نسبی جنبه سیاسی به خود می‌گیرند و نه به طور دائم که در احزاب سیاسی مشاهده می‌گردد. روش فعالیت گروه‌های فشار، دارای ابعاد و شکلهای گوناگونی می‌باشد، گاه نفوذ خود را بر هیئت حاکمه تحمیل می‌کنند و برای تحقق این هدف مستقیماً به سراغ کارگزاران دولت، کارمندان بلند پایه و اعضای پارلمان می‌روند و گاه در صفوف توده‌های مردمی نفوذ می‌کنند و از مواضع توده‌ها به عنوان اهرم فشار علیه هیئت حاکمه استفاده می‌نمایند، و به همین دلیل گروه‌های فشار اعتصابات و تظاهرات را سازماندهی می‌کنند و با ایجاد اختلال در راه‌ها و توسل به مطبوعات فشارهای لازم را بر دولت وارد می‌سازند، این فعالیت‌ها غالباً به طور عمومی و آشکار و گاه به صورت پنهانی و غیر علنی صورت می‌گیرد. فعالیت گروه‌های فشار گاهی با توسل به کانال‌های سالم و شگردهای شرافتمندانه و قانونی و گاهی با توسل به روش‌های غیر قانونی و حتی خشونت بار صورت می‌پذیرد.

رهبران واقعی احزاب سیاسی

در اغلب مواقع فرد یا افرادی که در رأس هرم تشکیلات یک حزب یا گروه قرار دارند، رهبر و رئیس واقعی آن‌ها به شمار نمی‌روند، و با وجود این که ظاهر امر، نشانگر آن است که این فرد رهبری گروه و حزب را بر عهده دارد اما گردانندگان اصلی، رهبران و هدایت‌کنندگان واقعی این گونه گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی، از انظار عمومی پنهان هستند و یا به عنوان افراد عادی و یا اعضای ساده آن حزب و گروه میان مردم زندگی می‌کنند. احزاب سیاسی به عنوان یکی از سازمانهای سیاسی در جهان معمولاً به این روش اداره می‌شوند. در احزاب سیاسی معمولاً افراد غیر معروفی وجود دارند که هیچ گونه پست یا مسئولیتی در مقام رهبری گروه ندارند ولیکن رهبری حزب را پشت پرده بر عهده دارند بدون این که ماهیت اصلی آن‌ها فاش گردد.

سرمایه‌گذاری در احزاب سیاسی

سرمایه داران بزرگ اروپا، آمریکا و دیگر کشورهای دموکراتیک در احزاب سیاسی سرمایه‌گذاری می‌کنند و این افراد هیچ‌گاه مایل نیستند به طور شخصی در احزاب سیاسی شرکت داشته باشند. این سرمایه‌داران یعنی صاحبان صنایع بزرگ و سنگین، بانک داران، مدیران مؤسسه‌ها و نهادهای مختلف و شرکت‌های بزرگ پیمان‌کاری در تلاش و تکاپو هستند، تا بتوانند از کمک‌های مادی دولت بهره‌مند شوند و یا در مناقصه‌ها پیروز شوند. این افراد و مؤسسات بزرگ تلاش‌های چشم‌گیری در جریان انتخابات

عمومی مبذول می‌دارند و مبالغ هنگفتی را برای تبلیغ به نفع حزب یا کاندیدای معینی خرج می‌کنند، بدون این که شخصا و به طور مستقیم در امور احزاب دخالت نمایند. تداوم حیات احزاب سیاسی در صحنه فعالیت‌های سیاسی بی‌ارتباط با اهداف مادی و معنوی آن نیست و اگر یک حزب در موقعیت خود بخواهد در هرم قدرت و حاکمیت باقی بماند و دامنه نفوذ خود را در صفوف توده‌ها و گروه‌های مردمی گسترش داده و قدرت را برای مدت طولانی در اختیار کامل خود در آورد، باید از کمک‌های مالی دیگران بی‌نیاز باشد، تا از حمایت و پشتیبانی مردم برخوردار شود، زیرا خوش نام بودن حزب و عمل کرد درست آن از عوامل مهم جلب حمایت و پشتیبانی مردم می‌باشد و به این ترتیب این حزب می‌تواند راه حلها و دیدگاههای خود را به عنوان راه حلها و دیدگاههای مردم طرف دار خود مطرح سازد. امکانات مادی هر حزبی به آن اجازه می‌دهد، توانایی خود را در جذب قشرهای مختلف مردم از راه اختصاص بودجه‌های تبلیغاتی، انتشار مقاله‌ها، جزوات، مطبوعات، سازماندهی جلسات سخنرانی و تبلیغاتی به اثبات رساند و به این ترتیب می‌تواند توده‌های مردم را به پذیرش اهداف و انتخاب‌های خود متقاعد سازد. یکی از صفات جوهری ثروت مادی آن است که سلطه خود را بر همه چیز می‌گستراند و همه چیز را در بر می‌گیرد و سعی می‌کند برای هر چیزی که مورد دل خواه او است، قیمت و بهایی معین کند و آن را در حیطه سلطه و قدرت خود در آورد، زیرا مال و ثروت یک نوع فکر و قدرت غیر قابل کنترل است و از این رو مشاهده می‌کنیم رودخانه‌ها، آبشارها، اقیانوس‌ها، معادن، جنگل‌ها، کسورها و خلاصه ثمره رنج و تلاش میلیونها انسان در هر بخشی از جهان و حتی نوامیس طبیعت و هوش و ذکاوت انسانها یعنی اختراعات و اکتشافات، به صورت هدف آسانی برای پول و پول داران در آمده است. و تمامی این‌ها در سلطه قدرت پول (مال) در آمده و این قدرت عظیم در به حرکت در آوردن چرخ احزاب سیاسی، مطبوعات، تبلیغات انتخاباتی به کار گرفته می‌شود تا اهداف و منافع پول داران و سرمایه‌داران را تأمین کند.

آراء عمومی

آراء عمومی یک مفهوم وسیع، گسترده، متنوع و دارای ابعاد گوناگون می‌باشد و به عبارت دیگر متحد و منسجم نیست و اگر آراء عمومی در قالب یک حزب سازماندهی و هدایت نشود، تأثیر قابل توجهی بر جریانات نخواهد داشت و این سیستم حزبی است که باعث می‌گردد آراء و گرایشات متضاد و مختلف دسته‌بندی گردیده و وجه مشترکی برای آنها به وجود آید و به این ترتیب آراء عمومی را متبلور می‌کند و به عبارت دیگر سیستم حزبی رأی اکثریت را مجسم می‌کند. هر حزبی به ناچار ناگزیر است راه حلهای انتخابی خود را اعلام نماید و کاندیداهای خود را معرفی کند و مردم را قادر سازد که مکتب سیاسی (حزب) مورد نظر خود را انتخاب نموده به تشکیلات آن بپیوندند. حزب ضمن تلاش برای تسلط و اعمال نفوذ بر افراد و اعضای خود، سعی دارد سطح آگاهی‌های آنها را بالا- ببرد و به همین دلیل گفته می‌شود حزب نقش مرتبی و راهنما را برای اعضای خود دارا می‌باشد. سستی و تنبلی در میان اعضا معنا ندارد و در همه حال افراد را به فعالیت‌های دسته‌جمعی تشویق و گرایشات مردمی را در زمینه انتخابات و راه‌حل‌های انسانی تقویت می‌نماید، و به این ترتیب چرخ آزادی را به حرکت در آورده و سیستم برقراری آزادی را محکم می‌سازد. حزب یک ابزار مهمی است که آراء عمومی را به مسلک خاص و مکتب معینی هدایت می‌کند.

سیستم حزبی

نظام حزبی می‌تواند مسئولیت دولت را در مقابل مردم تعیین کند. حکومت آزاد، به احزاب و اپوزسیونها آزادی بیان داده و به آنها

اجازه می‌دهد سازمانهای خود را متشکل ساخته و توانایی‌های خود را قوی سازند و حتی راههای دستیابی به این امور را برای آنها آسان می‌گرداند. در بسیاری از کشورها احزاب و وضعیت و موقعیتی مانند یک وزارت خانه به خود می‌گیرند و رهبران آن حقوق دریافت می‌کنند و این نکته به خوبی تفاوت میان جو حاکم بر جامعه مبتنی بر آزادی و جو حاکم بر جامعه مبتنی بر دیکتاتوری را نشان می‌دهد. حزب اپوزسیون در سایه نظام دو حزبی وظیفه انتقاد از دولت را بر عهده می‌گیرد و به جستجوی نقاط ضعف هیئت حاکمه می‌پردازد و اقدامات دولت را با دقت هرچه تمام‌تر دنبال می‌نماید، در حالی که دولت مجبور است از خود و از عمل کرد هیئت وزیران دفاع نموده و خط مشی کلی خود را در معرض ارزیابی و نظرخواهی عموم قرار دهد تا ملت نظر خود را در مورد تضاد و اختلاف نظرهای موجود میان دولت و حزب مخالف اعلام کند. علاوه بر آن نظام حزبی باعث می‌گردد که مسایل سیاسی در دسترس عموم و افراد عادی قرار گیرد.

پارلمان

در کشورهایی که امروزه به آنها کشورهای جهان آزاد می‌گویند، تشکیلاتی به نام پارلمان وجود دارد. وجود پارلمان‌ها برای محدود ساختن سلطه دیکتاتوری مطلق حاکمان و کاهش میزان هزینه‌ها و بودجه‌های نهادهای دولتی که از محل مالیات‌های اخذ شده از مردم تأمین می‌شوند، می‌باشد. پارلمان‌ها پس از تأسیس و شروع فعالیت خود می‌توانند مزایای بیشتری را برای خود کسب کرده و این مزایا در مقابل تصویب لوایح مالی دولت به وجود آمده و به این ترتیب پارلمان می‌تواند اصلاحات لازمه را در رابطه با نیازهای کشور به تدریج عملی سازد و این اصلاحات شکل قوانین و مقررات تصویبی به خود بگیرد. مسئولیت قانونگذاری و کنترل دولت بر عهده پارلمان می‌باشد. در نظام‌های آزاد، انتخابات به دور از تقلب و نیرنگ و با استناد به قوانین برگزار می‌گردد. و در نظام‌های نیمه آزاد، رقابت‌های انتخاباتی با استناد به ضوابط و مقررات مشخصی اداره می‌گردد، امّا در رژیم‌های دیکتاتوری هیچ‌گونه انتخاباتی وجود ندارد و چنانچه انتخاباتی برگزار شود معمولاً فرمایشی و غیر واقعی و تقلبی خواهد بود و حاکم دیکتاتور با تکیه بر سلاح و ابزار اختناق، زندان، و اعدام‌های برخلاف قانون برنده همیشگی انتخابات می‌باشد.

حزب و انتخابات

از جمله وظایف اصلی و مهم احزاب سیاسی، مشارکت در انتخابات پارلمانی می‌باشد، بنا بر این مراکز حزبی در زمان انتخابات به طور غیر عادی فعال می‌شوند و مرحله انتخابات عمومی از مهمترین و حیاتی‌ترین مراحل حیات احزاب سیاسی به شمار می‌روند، و اگر احزاب سیاسی دارای گذشته روشن و مثبت بوده و از نام و آوازه خوبی در بعد فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی برخوردار باشند و مردم تأثیر طرح‌ها و نظرهای پیشنهادی حزب را بر شرایط اقتصادی و اجتماعی لمس کنند، کاندیداهای این گونه احزاب را در انتخابات مختلف، نمایندگان واقعی خود تلقی نموده و به پای صندوق‌های رأی رفته به نفع کاندیداهای این احزاب رأی می‌دهند.

نظام حزبی یا نظام پارلمانی

در نظام مبتنی بر حکومت اکثریت، کاندیدها برای عضویت در پارلمان با کسب اکثریت آراء به پارلمان راه می‌یابند. در نظام‌های حزبی، کرسی‌های نمایندگی بر اساس نسبت آراء هر یک از احزاب سیاسی توزیع می‌گردد و به طور مثال اگر تعداد رأی دهندگان

در یک حوزه انتخاباتی ۱۰۰ هزار نفر باشد میان ۱۰ کاندیدا تقسیم می‌گردد، و اگر آراء حزب محافظه کار ۵۰ هزار رأی باشد و حزب لیبرال ۳۰ هزار رأی به دست آورد و حزب رادیکال ۲۰ هزار رأی، حزب محافظه کار تعداد ۵ نماینده به پارلمان خواهد فرستاد، امّا از احزاب لیبرال و رادیکال به ترتیب ۳ و ۲ نماینده به پارلمان راه خواهند یافت. به تجربه ثابت شده که نظام پارلمانی در یک کشور باثبات و پایدار نخواهد بود مگر آنکه احزاب فعالی در آن کشور وجود داشته باشند که از لحاظ عقیده و دیدگاه با یکدیگر رقابت کنند و مسایل سیاسی را دنبال نموده و آراء و گرایشهای خود را برای قضاوت و داوری در معرض افکار عمومی قرار دهند. تنها با توسّیل به چنین روشی مشارکت آراء عمومی در بحثهای عمومی سیاسی و جلب نظر مردم نسبت به مسایل سیاسی کشور امکان‌پذیر است. در چنین کشورهایی توده‌های مردم متوجه احزاب سیاسی می‌باشند و اغلب افراد در تلاش برای مشارکت در بحث‌ها و بررسی مسایل سیاسی مطرح شده از سوی احزاب مختلف هستند، و در سایه تضاد و رقابت، عقاید و دیدگاههای مختلف، رأی صحیح‌تر انتخاب خواهد شد و مردم به کسانی رأی می‌دهند که لیاقت و شایستگی تطبیق و اجرای آن نظرها را دارا باشند و با توسّیل به این روش است که حصول آگاهی و بینش سیاسی در ملت امکان‌پذیر می‌گردد. ما در کتاب (الصّیّاغه) به این نکته اشاره کرده‌ایم که مشارکت مردم در تدوین قوانین و مقرّرات با توسّیل به روش‌های دیگری غیر از نظام‌های دموکراسی موجود در این عصر نیز امکان‌پذیر می‌باشد که این روش تا کنون در جهان پیاده نشده است.

۱- (السّیبل الی انهاض المسلمین) (الفقه: السّیاسه) (ممارسه التّغییر) و غیره، تألیف نگارنده. ۲- (الفقه: الاقتصاد) تألیف نگارنده. ۳- تفصیل این مباحث را مؤلّف عظیم الشّان در کتابهای (الفقه: السّیاسه) (السّیبل الی انهاض المسلمین) بیان نموده‌اند. ۴- الفقه، کتاب السّبق و الرّمایه، جلد ۶۰. ۵- برای آگاهی بیشتر در باره احزاب دیکتاتوری، روش‌ها و عمل کرد آنها به کتاب (ممارسه التّغییر لانقاذ المسلمین) و (الفقه: الإجماع) از همین مؤلّف مراجعه شود.

فصل سوّم: مشورت از دیدگاه روایات

مشورت از دیدگاه روایات

عن النّبیّ (ص) (من اراد أمرا فشاور فیه و قضی هدی لأرشد الأمور)(۱). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: هر کس که قصد انجام کاری داشته در آن مشورت کند، پس آن را انجام دهد که به صحیح‌ترین امور هدایت شود. و عن النّبیّ (ص): (من اراد أمرا فشاور فیه امرء مسلما و فقه الله لأرشد أموره)(۲). رسول اکرم (ص) می‌فرماید: کسی که قصد انجام کاری را داشته باشد و با مسلمانی مشورت کند، خداوند متعال او را به بهترین راهها هدایت می‌فرماید. و عن النّبیّ (ص): (و ما تشاور قوم الا هدوا لأرشد امرهم)(۳). رسول اکرم (ص) می‌فرماید: هیچ گروهی در امور خود با یک دیگر مشورت نکردند، مگر این که به بهترین راه دست یافتند. و عن النّبیّ (ص) (ما خاب من استخار ولا ندم من استشار)(۴). پیامبر اسلام (ص) فرمودند: ضرر نمی‌کند آنکه استخاره کرد و پشیمان نمی‌شود آنکه مشورت نماید. و عن رسول الله (ص): (اذا کان امرؤکم خیارکم و اغنیؤکم سمحؤکم و امرکم شوری بینکم فظهر الأرض خیر لکم من بطنها و اذا کان امرؤکم شرارکم و اغنیؤکم بخلاؤکم و لم یکن امرکم شوری بینکم فبطن الأرض خیر لکم من ظهرها)(۵). رسول خدا (ص) می‌فرماید: اگر حاکمان و فرمانروایان شما صالح‌ترین و ثروتمندان شما از بخشنده‌ترین شما باشند و با یک دیگر مشورت کنید، زندگی کردن بر روی زمین از زیر خاک برای شما بهتر است، امّا اگر حاکمان و فرمانروایان شما شرورترین و ثروتمندان شما بخیل‌ترین مردم باشند و در زندگی با یکدیگر مشورت نکنید پس مردن و درون خاک برای شما از زندگی کردن

بر روی زمین بهتر است. و عن رسول الله (ص): (اذا كان أمراؤكم خياركم و أغنياؤكم سمحاؤكم و أمرکم شوری بینکم فظهر الارض خیر لکم من بطنها و اذا كان أمراؤکم شرارکم و اغنياؤکم بخلاؤکم و امورکم الی نساءکم فبطن الارض خیر لکم من ظهرها)(۶). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: هرگاه دولت مردان شما بهترین و ثروتمندانان بخشنده‌ترین مردم باشند و در کارهایتان به شورا عمل کنید، زندگی بر روی زمین از مرگ برای شما بهتر است، اما اگر دولت‌مردانان بدترین شما و ثروتمندانان بخیل‌ترین شما باشند و امور خود را به زنهائیان واگذار کنید، مرگ و زیرخاک از زندگی کردن بر روی زمین برای شما بهتر است. و نیز آنحضرت می‌فرماید: هیچ بنده‌ای با مشورت بدبخت نشده و کسی که از مشورت در کارها دور بوده، هرگز سعادت‌مند نشده است. و عن النبی (ص) (لا وحده اوحش من العجب ولا مظاهره اوثق من المشاوره)(۷). پیامبر اکرم (ص) فرمودند: هیچ تنهایی، وحشتناک‌تر از عجب و خودپسندی نبوده است و هیچ کمک و پشتیبانی استوارتر از مشورت نیست. و عن النبی (ص) (ما من رجل یشاور احدا الا هدی الی الرشد)(۸). رسول خدا (ص) می‌فرماید: هیچ مردی با دیگران مشورت نکند، مگر اینکه به راه صحیح راهنمایی شود. و عن النبی (ص) (لا یفعلن احدکم امرا حتی یستشیر)(۹). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: هرگز هیچ یک از شما کاری انجام ندهد، مگر آن که در آن مشورت کند. و عن ابن عباس قال: لما انزلت (و شاورهم فی الأمر). قال رسول الله (ص): (اما ان الله و رسوله لغتیان عنها و لکن جعلها الله رحمه لأمتی فمن استشار منهم لم یعدم رشدا و من ترکها لم یعدم غیا)(۱۰). از ابن عباس روایت شده که گفت: هنگامی که آیه (و شاورهم فی الأمر) نازل گردید، رسول خدا (ص) فرمودند: خدا و رسولش از مشورت بی‌نیاز هستند و لکن خداوند آن را رحمتی برای امت من قرار داده است، هرکس در کارها مشورت کند از رسیدن به راه صحیح و هدایت، محروم نخواهد شد و هرکس که آن را ترک نماید از گمراهی بی‌نصیب نخواهد ماند. و عن النبی (ص): (شاوروا العلماء الصالحین فإذا عزمتم علی امضاء ذلك فتوکلوا علی الله)(۱۱). رسول خدا (ص) فرمودند: با علمای درست کار مشورت کنید، هنگامی که تصمیم گرفتید به آن (مشورت) عمل کنید، بر خدا توکل نمایید. و عن النبی (ص): (و آخ من الاخوان اهل التقی، واجعل مشورتک من یخاف الله تعالی)(۱۲). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: با اهل تقوی و پرهیزکاری، پیمان دوستی و برادری ببند و تنها با آن کس مشورت کن که انسان مؤمن و خداترس باشد. و عن النبی (ص): (شاورالمتمقین الذین یؤثرون الآخرة علی الدنیا و یؤثرون علی انفسهم فی امورکم)(۱۳). پیامبر گرامی (ص) فرمودند: با پرهیزکارانی که آخرت را بر دنیا ترجیح می‌دهند و در کارهایشان دیگران را بر خود مقدم می‌دارند مشورت کنید. و عن النبی (ص): (الحزم ان تستشیر ذالرائی، و تطیع أمره)(۱۴). پیامبر اکرم (ص) فرمودند: هوشیاری و احتیاط آن است که با فرد خوش رأی مشورت کنید و به دستور او عمل نمایید. و عن النبی (ص) (اذا أشار علیک العاقل الناصح فاقبل و إیاک و الخلاف علیهم، فإن فی الهلاک)(۱۵). رسول اکرم (ص) فرمودند: چون انسان عاقل و خیرخواه نظرش را به تو گفت، آن را بپذیر و از مخالفت با این گونه افراد پرهیز، زیرا هلاکت در آن است. و عن النبی (ص): (استرشدوا العاقل ترشدوا، ولا تعصوه فتندموا)(۱۶). پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: از انسان عاقل و دانا، خیر و صلاح را طلب کنید تا به آن دست یابید و هرگز خلاف نصیحت او عمل نکنید که پشیمان می‌شوید. و عن النبی (ص): (من استشاره أخوه (المسلم) فأشار علیه بغير رشده فقد خانه)(۱۷). نبی اکرم (ص) فرمودند: آنکس که در مشورت برادر مسلمان خود غیر از صلاح و خیر او نظر دهد، به او خیانت کرده است. و عن النبی (ص): (من استشار اخاه فأشار علیه بأمر و هو یری الرشد غیر ذلك فقد خانه). امیر مؤمنان (ع) فرمودند: آنکس که مورد مشورت برادر خود واقع شود، و رأی و نظری را به او بگوید در حالی که هدایت و رشد را در غیر آن می‌داند هر آینه به او خیانت کرده است. و عن علی (ع): (قال سئل رسول الله (ص): عن الحزم، فقال: (مشاوره اهل الرأی ثم اتباعهم). امیر مؤمنان (ع) فرمودند: چون از پیامبر اکرم (ص) در باره حزم به معنی هوشیاری و احتیاط سؤال شد آن حضرت در پاسخ فرمودند: مشورت با صاحب نظران و آگاهان و سپس متابعت از آنان است. و عن علی (ع): (من استقبل وجوه الآراء عرف مواقع الخطأ)(۱۸). امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: کسی که نظرها و آراء را ملاحظه و مورد توجه قرار دهد، به اشتباه خود پی خواهد برد. و عن

أمیر المؤمنین (ع): فی وصیته لمحَمَّد ابن الحنفیة قال: (اضمم آراء الرجال بعضها الى بعض، ثم اختر اقربها من الصواب وابعدها من الارتياب... الى أن قال: خاطر بنفسه من استغنى برأيه و من استقبل وجوه الآراء عرف مواقع الخطأ)(۱۹). امیر مؤمنان حضرت علی (ع) در وصیت خود به فرزندش محمد حنفیه فرمودند: آراء و دیدگاههای افراد را کنار هم بگذار، آنها را با یک دیگر مقایسه کن آنچه را که به حق نزدیک تر و از شک و تردید دورتر است اختیار کن... آن کس که به رأی خود اعتماد کند و از رأی دیگران خود را بی نیاز بداند خود را به خطر انداخته و آنکس که نظرات مختلف را مورد بررسی قرار دهد موارد خطا و اشتباه را می یابد. و عن علی أمیر المؤمنین (ع): (إضربوا بعض الرأى ببعض يتولد منه الصواب)(۲۰). حضرت علی (ع) می فرمایند: نظرات مختلف را در کنار هم جمع بندی کنید تا آنچه صحیح و درست است به دست آید. و عن علی (ع): (ألاستشارة عين الهداية، و قد خاطر من استغنى برأيه)(۲۱). امام علی (ع) فرمودند: مشورت عین هدایت است و آنکس که خود را از مشورت دیگران بی نیاز پندارد خود را به مخاطره افکنده است. و عن أمیر المؤمنین (ع): (كانت الحكماء فيما مضى من الدهر يقولون ينبغى ان يكون الاختلاف الى الأبواب لعشرة أوجه: أولها: بيت الله عز وجل لقضاء نسكه والقيام بحقه و أداء فرضه (الى ان قال) والسابع: أبواب من يرتجى عندهم النفع فى الرأى والمشورة و تقوية الحزم، و أخذ الأهبة لما يحتاج اليه)(۲۲). حضرت علی (ع) فرمودند: حکماء در روزگاران گذشته می گفتند: سزاوار است انسان تردّد و رفت و آمد به خانه‌هایی بنماید که یکی از ده مورد زیر را داشته باشد: اول: رفتن به خانه خدای عزّ و جل برای مناسک و اداء وظیفه و واجب دوم... و هفتم: رفتن به خانه کسانی که امید نفع و فایده در رأی و مشورت از آنها دیده می شود و برای بیداری و هوشیاری بیشتر و به دست آوردن آنچه مورد نیاز است و مفید می باشند. و عن علی (ع): (من استبدّ برأيه هلک و من شاور الرجال شاركها فى عقولها)(۲۳). حضرت علی (ع) فرمودند: آن کس که بر نظر و رأی خود مستبد باشد هلاک گردد و آنکس که با مردان مشورت کند در عقل و دانش آنها شریک شود. و عن علی (ع): (من شاور ذوی الأبواب دلّ علی الرّشاد)(۲۴). حضرت علی (ع) فرمودند: آنکس که با انسانهای عاقل و با تدبیر مشورت کند به راه راست دلالت شود. و عن أمیر المؤمنین (ع): (مکتوب فی التّوراة و من لم يستشر يندم...)(۲۵). حضرت علی (ع) می فرمایند: در تورات نوشته شده است آنکس که مشورت نکند عاقبت پشیمان می شود. و عن علی (ع) (لا ظهير كالمشورة)(۲۶). امیر مؤمنان (ع) فرمودند: هیچ یاور و پشتیبانی همانند مشورت نیست. و عن علی (ع): (لا- مظاهره أوتق من المشورة)(۲۷). حضرت علی (ع) فرمودند: هیچ کمکی استوارتر و پایدارتر از مشورت نیست. و عن علی (ع): (ما عطب من استشار)(۲۸). و فرمود: کسی که مشورت کند دچار آسیب نمی شود. و عن علی (ع): (من اعجب برأيه ضلّ، و من استغنى بعقله زلّ)(۲۹). حضرت علی (ع) می فرمایند: آنکسی که به نظر و رأی خود مغرور گردید گمراه شود و آنکس که تنها به عقلش تکیه می کند و خود را از دیگران بی نیاز می بیند دچار اشتباه می شود. و عن علی (ع) (لا رأی لمن انفراد برأيه)(۳۰). حضرت علی (ع) می فرمودند: آنکس که تنها بر رأی خود تکیه کرد او را فکر و نظر صحیح نخواهد بود. و عن علی (ع): (أفضل الناس رأيا من لا يستغنى عن رأی مشير)(۳۱). حضرت علی (ع) فرمودند: برترین مردم در رأی و نظر دادن آنکسی است که خود را از مشورت با دیگران بی نیاز نبیند. و عن علی (ع): (أنما حضّ علی المشورة لأن رأی المشير صرف، و رأی المستشير مشوب بالهوى)(۳۲). حضرت علی (ع) فرمودند: تأکید بر مشورت از این رو است که ذهن مشورت دهنده (از هرگونه مسایل جانبی) پاک و خالی است، اما فکر و ذهن فرد طالب مشورت (از مسایل جانبی) خالی نیست. و عن علی (ع): (إذا عزم فاستشر)(۳۳). حضرت علی (ع) فرمودند: چون تصمیم گرفتی کاری را انجام دهی مشورت کن. و عن علی (ع): (إذا أمضيت أمرا فأمضه بعد الرّؤية و مراجعته المشورة)(۳۴). حضرت علی (ع) فرمودند: اگر قصد انجام کاری را داشتی پس صبر کن و در آن مورد به مشورت پرداز. و عن علی (ع): (لا يستغنى العاقل عن المشورة)(۳۵). حضرت علی (ع) فرمودند: انسان عاقل هرگز خود را از مشورت بی نیاز نمی بیند. و عن علی (ع): (شاوروا فالتّخیر فی المشورة)(۳۶). حضرت علی (ع) فرمودند: مشورت کنید که رستگاری در مشورت است. و عن علی (ع): (قد اصاب المسترشد و قد اخطأ المستبد)(۳۷). حضرت علی (ع) می فرمایند: (مشورت

کننده) به راه صحیح دست می‌یابد و انسان مستبد و غیر منطقی دچار لغزش و اشتباه می‌گردد. و عن علی (ع): (کفی بالمشاوره ظهیرا) (۳۸). حضرت علی (ع) می‌فرماید: برای مشورت همین بس که پشتیبانی نیکو است. و عن علی (ع): (شاوړ قبل ان تعزم، فکّر قبل ان تقدم) (۳۹). حضرت علی (ع) می‌فرماید: پیش از تصمیم برانجام کار مشورت کن، و پیش از اقدام آن عمل تفکر بنما. و عن علی (ع): (صواب الرأى اجاله الأفكار) (۴۰). حضرت علی (ع) می‌فرماید: درستی رأی در بررسی افکار و دیدگاه‌هاست. و عن علی (ع): (من استغنى بعقله ضلّ) (۴۱). حضرت علی (ع) می‌فرماید: آنکس که گمان دارد با عقل خود از دیگران بی‌نیاز است گمراه شده است. و عن علی (ع): (من شاوړ ذوى العقول استضاء بأنوار العقول) (۴۲). حضرت علی (ع) فرمودند: کسی که با افراد صاحب نظر و عاقل مشورت کند از نور عقل آنها بهره‌مند خواهد شد. و عن علی (ع): (عليك بالمشاوره فإنه نتيجة الحزم) (۴۳). حضرت علی (ع) می‌فرماید: تو را به مشورت سفارش می‌کنم که هوشیاری را به دنبال دارد. و عن علی (ع): (من شاوړ ذوى النهى والألباب فاز بالنجح والصواب) (۴۴). حضرت علی (ع) می‌فرماید: کسی که با افراد عاقل و اندیشمند مشورت کند به راه صحیح و رستگاری دست می‌یابد. و عن علی (ع): (من استشار العاقل ملك) (۴۵). حضرت علی (ع) می‌فرماید: آنکس که با عاقل مشورت نمود، خواسته خود را به دست می‌آورد. و عن علی (ع): (المشاورة راحة لك و تعب لغيرك) (۴۶). حضرت علی (ع) می‌فرماید: مشورت برای تو راحتی به ارمغان می‌آورد و برای دیگری خستگی در پی دارد. و عن علی (ع): (المستشير متحصن من السقط) (۴۷). حضرت علی (ع) می‌فرماید: مشورت کننده از لغزش در امان است. و عن علی (ع): (حقّ على العاقل ان يضيف الى رأيه رأى العقلاء و يضم الى علمه علم الحكماء) (۴۸). حضرت علی (ع) می‌فرماید: بر فرد عاقل لازم است که دیدگاه‌های عقلا را بر رأی خود، و علم حکما را بر علم خود بیفزاید. و عن علی (ع): (من استعان بذوى الألباب سلك سبيل الرّشاد) (۴۹). حضرت علی (ع) می‌فرماید: آن کس که از افراد عاقل و دارای بینش استفاده می‌کند در راه صحیح قدم نهاده است. و عن علی (ع): (من لزم المشاورة لم يعدم عند الصواب مادحا و عند الخطأ عاذرا) (۵۰). حضرت علی (ع) می‌فرماید: کسی که به مشورت پایبند باشد هنگام صواب از او ستایش کنند و در هنگام اشتباه عذرش را بپذیرند و ملامتش نکنند. و عن علی (ع): (ما ضلّ من استشار) (۵۱). حضرت علی (ع) می‌فرماید: آنکس که مشورت می‌کند، گمراه نمی‌شود. و عن علی (ع): (ما استنبط الصواب بمثل المشاورة) (۵۲). حضرت علی (ع) می‌فرماید: هیچ روشی به خوبی مشورت برای دستیابی به راه صحیح نمی‌باشد. و عن علی (ع): (نعم المظاهرة المشاورة) (۵۳). حضرت علی (ع) می‌فرماید: چه بسیار یار و یاور خوبی است مشورت. و عن علی (ع): (نعم الاستظهار المشاورة) (۵۴). حضرت علی (ع) می‌فرماید: چه بسیار نیکو پشتیبان و مددی است مشورت کردن. و عن علی (ع): (امخضوا الرأى مخض السقاء ينتج سديد الآراء) (۵۵). حضرت علی (ع) فرمودند: آراء و نظرات را بررسی کرده مانند مشک تکان داده زیر و رو نمایند تا محکم‌ترین آنها به دست آید. و عن علی (ع): (تفكر قبل ان تعزم، و شاوړ قبل ان تقدم) (۵۶). حضرت علی (ع) فرمودند: قبل از تصمیم‌گیری تفکر و قبل از اقدام مشورت نمایید. و عن علی (ع): (جماع الخير فى المشاورة والأخذ بقول النصّح) (۵۷). حضرت علی (ع) فرمودند: تمام خیر و برکت در مشورت کردن و پذیرش نصیحت دیگران است. و عن علی (ع): (خوا فى الآراء تكشفها المشاورة) (۵۸). حضرت علی (ع) فرمودند: آرا نیکو و پنهان با مشورت به دست می‌آید. و عن علی (ع): (المشورة تجلب لك صواب غيرك) (۵۹). حضرت علی (ع) فرمودند: در مشورت کردن نظرات صحیح و آرای دیگران را برای توبه ارمغان می‌آورد. و عن علی (ع): (المستشير على طرف النجاح) (۶۰). حضرت علی (ع) فرمودند: مشورت کننده در مسیر رستگاری است. و عن علی (ع): (المشاورة استظهار) (۶۱). حضرت علی (ع) فرمودند: مشورت خود طلب یاری است. و عن علی (ع): (الحزم النظر فى العواقب و مشاورة ذوى العقول) (۶۲). حضرت علی (ع) فرمودند: هوشیاری همان بررسی عواقب امور و مشورت با عقلا است. و عن علی (ع): (ليس لمعجب رأئى) (۶۳). حضرت علی (ع) فرمودند: کسی که به خود می‌بالد به جهت نداشتن رأی و خرد می‌باشد. و عن علی (ع): (من اعجبه آرائه غلبته اعدائه) (۶۴). حضرت علی (ع) فرمودند: آن کس که به نظر خود مستبد باشد (و مشورت نکند) غلبه دشمنان بر او آسان شود. و عن

علی (ع): (لا تستبد برأیک، فمن استبد برأیه هلك) (۶۵). حضرت علی (ع) فرمودند: در رأی خود استبداد بخرج نده، کسی که به رأی خود مغرور شود در چنگال ناتوانی‌ها گرفتار می‌شود. و عن علی (ع): (من استبد برأیه خفت وطأته علی اعدائه) (۶۶). حضرت علی (ع) فرمودند: کسی که در رأی خود مستبد باشد، هیبت او در دل دشمنانش کاهش می‌یابد. و عن علی (ع): (من قنع برأیه فقد هلك) (۶۷). حضرت علی (ع) فرمودند: کسی که به رأی خود قناعت کند هلاک می‌گردد. و عن علی (ع): (ما أعجب برأیه إلا جاهل) (۶۸). حضرت علی (ع) فرمودند: تنها فرد نادان به رأی خود مغرور می‌شود و عجب و خودپسندی او را فرا می‌گیرد. و عن علی (ع): (من استبد برأیه خاطر و غرر) (۶۹). حضرت علی (ع) فرمودند: آنکس که به رأی خود مستبد شود دچار خطر و تباهی کرده است. و عن علی (ع): (الإستبداد برأیک یزلمک و یهورک فی المهاوی) (۷۰). حضرت علی (ع) فرمودند: استبداد در رأی، تو را دچار لغزش نموده و بر لبه پرتگاه قرار می‌دهد. و عن علی (ع): (المستبد متهورٌ فی الخطأ والغلط). حضرت علی (ع) فرمودند: انسان خود رأی و مستبد از گرفتار شدن در خطا و لغزش بی‌باک است. و عن علی (ع): (من استبد برأیه زل) (۷۱). حضرت علی (ع) فرمودند: آنکس که در رأی خود مستبد باشد و مشورت نکند دچار لغزش می‌گردد. و عن علی (ع): (اتهموا عقولکم، فإنّه من الثقه بها یكون الخطأ) (۷۲). حضرت علی (ع) فرمودند: عقل خود را متهم سازید زیرا با اعتماد به آن (و عدم مشورت با دیگران) به خطا می‌افتید. و عن علی (ع): (حقُّ علی العاقل ان یتدیم الإسترشاد، و یترک الإستبداد) (۷۳). حضرت علی (ع) فرمودند: برانسان عاقل است که به مشورت خواهی پایدار بماند و از استبداد دوری کند. و عن علی (ع): (بئس الإستعداد الإستبداد) (۷۴). حضرت علی (ع) فرمودند: استبداد مرحله بدی برای پذیرش بدی‌ها و لغزش‌ها است. و عن امیرالمؤمنین (ع): (خیر من شاورت ذووا التّهی والعلم، و أولوا التجارب والحزم) (۷۵). حضرت علی (ع) فرمودند: بهترین انسانی که با او مشورت کرده‌ای با بصیرت، عالم، با تجربه و هوشیار است. و عن علی (ع): (رأی الشیخ احبّ الی من حیلۀ الشّباب) (۷۶). حضرت علی (ع) فرمودند: رأی و نظر پیرمردان برای من دوست داشتنی‌تر از چاره‌سازی جوانان است. و عن علی (ع): (رأی الشیخ احبّ الی من جلد الغلام) (۷۷). حضرت علی (ع) فرمودند: عقیده و نظر پیرمردان برای من بهتر از صلابت و پایداری جوانان است. و عن علی (ع) فی عهدہ لمالک: (ولا تدخلن فی مشورتک بخیلأ یعدل بک عن الفضل و یعدک الفقر، ولا جباناً یضعفک عن الأمور ولا حریصاً یزین لک الشره بالجور، فإنّ البخل والجبن والحرص غرائز شتی یجمعها سوء الظنّ بالله) (۷۸). حضرت علی (ع) در وصیت خود به مالک اشتر فرمودند: ای مالک! هیچ‌گاه با بخیل مشورت مکن که تو را از خیر و نیکی دور می‌سازد و فقر را به تو نوید می‌دهد و با ترسو و بزذل مشورت مکن که تو را نسبت به انجام کارها سست می‌نماید و با کسی که حریص است مشورت مکن که تو را به ستم‌پیشگی هدایت می‌کند زیرا بخل، بزدلی و حرص غریزهای متعددی است که به سوء ظن به پروردگار متعال اشاره دارد. و عن علی (ع): (استشر عدوک العاقل واحذر رأی صدیقک الجاهل) (۷۹). حضرت علی (ع) فرمودند: با دشمن عاقل مشورت کن و از دوست جاهل خود در نظر خواهی برحذر باش. و عن علی (ع): (من ضلّ مشیره بطل تدبیره) (۸۰). حضرت علی (ع) فرمودند: آنکس که در مشورت به گمراهی راهنمایی کند تدبیرش باطل می‌شود. و عن علی (ع): (رأی الجاهل یردی) (۸۱). رأی و نظر جاهل، آدمی را به پرتگاه می‌کشاند. و عن علی (ع): (رأی الرّجل علی قدر تجربته) (۸۲). حضرت علی (ع) فرمودند: رأی هرکس به مقدار تجربه اوست. و عن علی (ع): (شاور ذوی العقول تأمن الزّلل والتّدم) (۸۳). حضرت علی (ع) فرمودند: با عاقل و خردمند مشورت کن تا از لغزش و پشیمانی در امان باشی. و عن علی (ع): (شاور فی امورک الذین یخشون الله ترشد) (۸۴). حضرت علی (ع) فرمودند: در کارهای خود با کسانی که از خدا می‌ترسند مشورت کن تا به راه راست هدایت شوی. و عن علی (ع): (لا تشرکن فی مشورتک حریصاً یهون علیک الشر و یزین لک الشره) (۸۵). حضرت علی (ع) فرمودند: در مشورت‌های خود افراد حریص را شرکت مده که شر را برای تو آسان جلوه می‌دهند و حرص و آزمندی را برای تو زیبا نشان می‌دهند. و عن علی (ع): (لا تستشر الکذّاب، فإنّه کالسیّراب یقرب علیک البعید و یبعّد علیک القریب) (۸۶). حضرت علی (ع) فرمودند: با دروغگو مشورت مکن زیرا او همانند سراب است، دور را به تو نزدیک و

نزدیک را به تو دور جلوه می‌دهد. و عن علی (ع): (افضل من شاورت ذوالتجارب، و سرّ من قارت ذوالمعایب) (۸۷) حضرت علی (ع) فرمودند: بهترین کسی که با او مشورت می‌کنی انسان با تجربه است و بدترین همراه، انسان خطا کار پر عیب است. و عن علی (ع): (لا تدخلن فی مشورتک بخيلا فيعدل بك عن القصد و يعدك الفقر) (۸۸). حضرت علی (ع) فرمودند: در مشورت‌های خود بخیل را شرکت ندهید که شما را از راه صحیح منحرف و فقر را برای شما به ارمغان می‌آورد. و عن علی (ع): (من استشار ذوی التّهی والألباب فاز بالحزم والسّداد) (۸۹). حضرت علی (ع) فرمودند: آنکس که با انسانهای عاقل و دانا مشورت کند، به راه صحیح و استوار دست یافته است. و عن علی (ع): (لا- تشاور عدوّك واستره خبرك) (۹۰). حضرت علی (ع) فرمودند: با دشمن خود مشورت مکن و راز خود را از او پپوشان. و عن علی (ع): (لا تشاورنّ فی امرک من یجهل) (۹۱). حضرت علی (ع) فرمودند: هرگز با کسی که در کار تو جاهل است مشورت مکن. و عن علی (ع): (جهل المشیر هلاک المستشیر) (۹۲). حضرت علی (ع) فرمودند: شخص نادانی که پیشنهاد مشورت می‌دهد موجب هلاکت مشورت کننده می‌شود. و عن علی (ع): (مشاوره الجاهل المشفق خطر) (۹۳). حضرت علی (ع) فرمودند: مشورت با دوست مهربان، اما نادان، خود را به خطر افکندن است. و عن علی (ع): (مشاوره الحازم المشفق ظفر) (۹۴). حضرت علی (ع) فرمودند: مشورت با دوست مهربان و دوراندیش موجب پیروزی است. و عن علی (ع): (رأی العاقل ینجی و رأی الجاهل یردی) (۹۵). حضرت علی (ع) فرمودند: رأی انسان عاقل در کارها باعث نجات می‌شود و رأی فرد جاهل انسان را به پرتگاه می‌کشاند. و عن علی (ع): (اللّجوج لا رأی له) (۹۶). حضرت علی (ع) فرمودند: رأی انسان لجاج صحت نمی‌باشد. و عن علی (ع): (شاور فی حدیثک الذین یخافون الله) (۹۷). حضرت علی (ع) فرمودند: در کارهای خود با کسانی که از خدا می‌ترسند مشورت کنید. و عن امیرالمؤمنین علی (ع): (فیما کتبه الی اهل مصر و محمّد بن ابی بکر). (و أنصح المرء اذا استشارک) (۹۸). امیر مؤمنان حضرت علی (ع) در نامه خود خطاب به مردم مصر و محمّد بن ابی بکر فرمودند: اگر کسی با تو مشورت کرد آنچه صلاح و خیر او است به او بگو. و عن علی (ع): (من نصح مستشیره صلح تدبیره، و من غشّ مستشیره سلب تدبیره) (۹۹). حضرت علی (ع) فرمودند: هر کس که مشورت کننده خود را نصیحت کند تدبیرش درست و نیکو گردد و کسی که به طرف مشورت خویش خیانت کند تدبیر و عقلش سلب خواهد شد. و عن علی (ع): (ظلم المستشیر ظلم و خیانه) (۱۰۰). حضرت علی (ع) فرمودند: ظلم و ستم به مشورت کننده و راه راست را به او نشان ندادن، ستمگری و خیانت است. و عن علی (ع): (خیانه المستسلم والمستشیر من افطع الامور، واعظم الشّورور، و موجب عذاب السّعیر) (۱۰۱). حضرت علی (ع) فرمودند: خیانت به افرادی که تسلیم رأی، و طلب مشورت نموده‌اند از ناگوارترین امور و بزرگترین بدی‌ها و زشتی‌ها بوده و عذاب جهنّم را به دنبال دارد. و عن علی (ع): (علی المشیر الاجتهاد فی الرّأی، و لیس علیه ضمان النّجح علی الشّک) (۱۰۲). حضرت علی (ع) فرمودند: بر شخص مشاور لازم است تا در رأی خود جدی و کوشا باشد ولی در صورت شک ضامن موفقیت آن نیست. و عن امیرالمؤمنین علی (ع): (اللّجاجه تسلّ الرّأی) (۱۰۳). حضرت علی (ع) فرمودند: لجاجت موجب ناتوانی و ضعف رأی می‌گردد. و عن علی (ع): (اللّجاج یفسد الرّأی). حضرت علی (ع) فرمودند: لجاجت، رأی را فاسد می‌کند. و عن علی (ع): (الخلاف یهدم الرّأی) (۱۰۴). حضرت علی (ع) فرمودند: اختلاف، رأی و نظر را منهدم می‌سازد. و عن علی (ع): (الخلاف یهدم الآراء) (۱۰۵). حضرت علی (ع) فرمودند: خودرأی و مخالفت با دیگران موجب نابودی آراء می‌گردد. و عن علی (ع): (شرّ الآراء ما خالف الشّریعه) (۱۰۶). حضرت علی (ع) فرمودند: بدترین نظرها آن است که با شریعت اسلام مغایرت داشته باشد. و عن امیرالمؤمنین علی (ع): (صلاح الرّأی بنصح المستشیر) (۱۰۷). حضرت علی (ع) فرمودند: به خیرخواهی و نصیحت مشورت کننده، رأی آسان شود. و عن علی (ع): (من خالف المشوره ارتبک) (۱۰۸). حضرت علی (ع) فرمودند: کسی که با مشورت مخالفت کند دچار مشکل می‌شود. و عن علی (ع): (لا تستغشّین المشیر) (۱۰۹). حضرت علی (ع) فرمودند: به کسی که از تو مشورت می‌خواهد خیانت مکن. و عن امیرالمؤمنین علی (ع): (یأتی علی النّاس زماناً لا یقرب فیها الماحل، ولا یظرف فیها الآ الفاجر، ولا یضعف فیها الآ المنصف، یعدّون الصّدقه فی غرما، و صله

الرَّحْمَ مَنَا، وَالْعِبَادَةُ اسْتَطَاعَةٌ عَلَى النَّاسِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ السَّيْلُطَانُ بِمَشُورَةِ النِّسَاءِ وَ أَمَارَةَ الصَّبِيَّانِ وَ تَدْبِيرَ الْخَصِيَّانِ (۱۱۰). حضرت علی (ع) فرمودند: زمانی بر مردم خواهد آمد که تنها افراد منافق (دورو) و چاپلوس در میان آنها عزیز هستند و افراد فاجر نیز دلنشین خواهند بود و تنها افراد منصف در آن خوار و ضعیف می‌باشند. در آن زمان صدقه دادن را غرامت و زیان، و صله رحم را منت می‌گذارند، و عبادت می‌کنند تا بر دیگران فخر بفرروشند، پس در چنین زمانی است که حکومت حاکمان و سران با مشورت زنان و حکمرانی کودکان و تدبیر خواجه‌گان خواهد بود. و عن امیرالمؤمنین علی (ع): (أَيَاكَ وَ مَشَاوِرَةَ النِّسَاءِ (الْأَمِّنُ جَزَبَتْ بِكَمَالِ عَقْلِ) فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى الْأَفْنِ وَ عَزْمَهُنَّ إِلَى الْوَهْنِ) (۱۱۱). حضرت علی (ع) فرمودند: از مشورت با زنان بپرهیز (جز آنان که کمال و رشد عقلشان به اثبات رسیده) زیرا که رأی آنها به فساد و تصمیم و اراده آنها به ضعف و ناتوانی منجر خواهد شد. و عن علی (ع): (الشَّرْكَاءُ فِي الرِّأْيِ تُوَدَّى إِلَى الصُّوَابِ) (۱۱۲). حضرت علی (ع) فرمودند: مشارکت در رأی سبب دستیابی به راه صحیح و درست می‌گردد. و عن امیرالمؤمنین علی (ع): (آفَةُ الْمَشَاوِرَةِ انْتِقَاضُ الْأَرَاءِ) (۱۱۳). حضرت علی (ع) فرمودند: آفت مشورت سبک شمردن آراء دیگران است. و عن علی (ع): (إِسْتِشْرَاعُ أَعْدَائِكَ تَعْرِفُ مِنْ رَأْيِهِمْ مَقْدَارَ عَدَاوَتِهِمْ وَ مَوَاقِعَ مَقَاصِدِهِمْ) (۱۱۴). حضرت علی (ع) فرمودند: با دشمنان مشورت کن تا از رأی آنها به میزان دشمنی ایشان پی برده و از قصد و هدف آنها آگاه شوی. و عن علی بن الحسین (ع): (حَقُّ الْمُسْتَشِيرِ أَنْ عَلِمْتَ أَنَّ لَهُ رَأْيًا اشْرَتَ عَلَيْهِ، وَ أَنْ لَمْ تَعْلَمْ ارْشَدْتَهُ إِلَى مَنْ يَعْلَمُ) (۱۱۵). حضرت امام زین العابدین (ع) می‌فرمایند: حقّ خواهنده مشورت بر شما آن است که چنانچه راه حل و چاره‌ای برای او یافتید از مشورت خود دریغ نورزید، و اگر نظر و راه حلی برای او نیافتید او را به کسی که چاره کار او را بداند راهنمایی کنید. و عن علی بن الحسین (ع): (أَمَّا حَقُّ الْمُسْتَشِيرِ فَإِنَّ حَضْرَكَ وَ لَهُ وَجْهَ رَأْيٍ جَهْدَتْ لَهُ فِي التَّصِيحَةِ وَ اشْرَتَ عَلَيْهِ بِمَا تَعْلَمُ أَنَّكَ لَوْ كُنْتَ مَكَانَهُ عَمِلْتَ بِهِ وَ ذَلِكَ لِيَكُنْ مِنْكَ فِي رَحْمَةٍ وَلِيَنْ فَيَأْتِيَ الْيُونُسَ الْوَحْشَةَ وَ أَنْ الْغُلْظَ يُوْحِشُ مَوْضِعَ الْأَنْسِ، وَ أَنْ لَمْ يَحْضُرَكَ لَهُ رَأْيٌ وَ عَرَفْتَ لَهُ مِنْ تَثَقُّ بِرَأْيِهِ وَ تَرْضَى بِهِ لِنَفْسِكَ دَلَّتَهُ عَلَيْهِ وَ ارْشَدْتَهُ إِلَيْهِ فَكُنْتَ لَمْ تَأَلْ خَيْرًا وَلَمْ تَدْخِرْهُ نَصْحًا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) (۱۱۶). از امام زین العابدین (ع) نقل شده که فرمود: اما حقّ خواهنده مشورت آن است که چنانچه جهت نظر خواهی نزد تو آمد از بذل نصیحت به او دریغ نورزی و همان راهی را به او بنمایان که اگر خود جای او بودی آن می‌کردی و این کار را به آرامی و با زبانی خوش انجام بده که ملائمت برطرف کننده وحشت است، و تندخویی جایگاه انس را وحشتناک گرداند و اگر از چاره‌سازی برای او عاجز بودی و انسان مورد اطمینان که قادر بر یاری او باشد را می‌شناختی، او را بدان شخص دلالت کن (راهنمایی کن)، که اگر چنین کنی خیر و صلاح را از او دریغ نداشتی و او را از نصیحت محروم نساختی. و عن علی بن الحسین (ع) فی دعائه: (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَوَلَّنِي فِي جِيرَانِي وَ مَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَ لَا يَتَكَ، وَ وَفَّقْهُمْ لِأَقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدْبِكَ، فِي أَرْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَ سَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَ عِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ، وَ هِدَايَةِ مُسْتَرَشِدِهِمْ، وَ مَنَاصِحَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ) (۱۱۷). امام زین العابدین (ع) در دعای خود به درگاه باری تعالی عرضه می‌داشت: (خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و با بهترین ولایت‌های خود، ولی من در همسایگان و یاران آشنا به حقوق ما و مخالفین دشمنانمان باش و توفیق به پاداش سنت‌های خود را به آنها عطا فرما... و آنها را بر نصیحت مشورت کنندگان یاری فرما). عن علی بن الحسین (ع): (حَقُّ الْمَشِيرِ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَتَّهَمَهُ فِيمَا لَا يُوَافِقُكَ مِنْ رَأْيِهِ، فَإِنْ وَافَقَكَ حَمَدَتِ اللَّهُ) (۱۱۸). حضرت امام زین العابدین (ع) می‌فرمایند: حقّ مشاور بر تو آن است که اگر برخلاف رأی تو نظر داد او را متهم نکنی، و اگر رأی موافق با نظر تو داشت پروردگار را شکر کنی. عن علی بن الحسین (ع): (وَ أَمَّا حَقُّ الْمَشِيرِ عَلَيْكَ فَلَا تَتَّهَمَهُ فِيمَا لَا يُوَافِقُكَ عَلَيْهِ مِنْ رَأْيِهِ إِذَا أَسَارَ عَلَيْكَ، فَإِنَّمَا هِيَ الْأَرَاءُ وَ تَصَرُّفُ النَّاسِ فِيهَا وَ اخْتِلَافُهُمْ، فَكُنْ عَلَيْهِ فِي رَأْيِهِ بِالْخِيَارِ إِذَا اتَّهَمْتَ رَأْيَهُ. فَأَمَّا تَهْمَتُهُ فَلَا تَجُوزُ لَكَ إِذَا كَانَ عِنْدَكَ مَمَّنْ يَسْتَحِقُّ الْمَشَاوِرَةَ، وَ لَا تَدْعُ شُكْرَهُ عَلَى مَا بَدَلَكَ مِنْ اشْخَاصِ رَأْيِهِ وَ حَسَنِ وَجْهِ مَشُورَتِهِ، فَإِذَا وَافَقَكَ حَمَدْتَ اللَّهُ وَ قَبِلْتَ ذَلِكَ مِنْ أُخِيكَ بِالشُّكْرِ، وَ الْإِرْصَادِ بِالْمَكَافَاتِ فِي مِثْلِهَا أَنْ فَرَعَ إِلَيْكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) (۱۱۹). حضرت امام زین العابدین (ع) می‌فرمایند: و اما حق مشاور بر تو آن است که چنانچه نظرش با میل تو مغایرت داشت او را متهم نسازی، زیرا

طبیعت نظرها و آراء بر این است که مردم در آن‌ها دخل و تصرف کنند و در آنها اختلاف داشته باشند، پس اگر نظر او را متهم ساختی در ارائه نظرش آزاد بگذار. و تهمت زدن بر کسی که او را شایسته مشورت می‌دانی جایز نیست. و به دلیل اظهار نظر و حسن بیان مشورت از بذل تشکر دریغ مکن. پس اگر رأی او موافق نظر تو باشد خدا را شکر کن و رأی برادر خود را با تشکر از او بپذیر، و اگر بار دیگر به سراغ تو آمد و از تو یاری خواست در یاری او شتاب کن. عن ابی جعفر (ع) قال: (فی الثوراء اربعة اسطر: من لا یستشیر یندم...) (۱۲۰). امام باقر (ع) فرمودند: در تورات چهار جمله است که یکی از آنها چنین است، کسی که مشورت نکند پشیمان خواهد شد... عن ابی جعفر (ع) فی حدیث: (لا مظاهره اوثق من المشاوره) (۱۲۱). امام باقر (ع) فرمودند: هیچ کمکی پایدارتر و مطمئن‌تر از مشورت نیست. عن ابی جعفر (ع): عن امیر المؤمنین (ع) انه قال: (انّ الجاهل من عدّ نفسه بما جهل من معرفته للعلم عالما، و برأیه مکتفیا) (۱۲۲). امام باقر (ع) از امیر مؤمنان (ع) روایت نموده که فرمودند: نادان کسی است که با توجه به نادانش، خود را آگاه و دانا پندارد و به رأی خود اکتفا کند. عن ابی عبدالله (ع) قال: فیما أوصی به رسول الله (ص) علیا (ع) انه قال: (لا مظاهره اوثق من المشاوره) (۱۲۳). امام صادق (ع) فرمودند: از جمله سفارشات پیامبر گرامی (ص) به امیر مؤمنان (ع) این بود که: هیچ کمکی پایدارتر و مطمئن‌تر از مشورت نیست. عن ابی عبدالله (ع): (ما عطب امرؤ استشار) (۱۲۴). امام صادق (ع) می‌فرمایند: آنکس که مشورت کند هلاک نمی‌گردد. عن ابی عبدالله (ع): (لا استظهار فی أمر بأكثر من المشورۃ فیہ) (۱۲۵). در روایت دیگری از امام صادق (ع) است که فرمودند: در کارها هیچ قوت و پشت گرمی بیشتر از مشورت نیست. عن ابی عبدالله (ع) (لن یهلك امرؤ عن مشورۃ) (۱۲۶). امام صادق (ع) فرمودند: هیچ انسانی از مشورت کردن هلاک نمی‌شود. عن جعفر بن محمد: عن أبیه (ع) قال: قیل لرسول الله (ص): (ما الحزم؟ قال: مشاورۃ ذوی الزأی و أتباعهم) (۱۲۷). امام صادق (ع) از پدران بزرگوارشان روایت می‌کنند که پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) در پاسخ به سؤال از (هوشیاری و احتیاط) فرمودند: مشورت با صاحب‌نظران و پیروی از آنان است. عن أبی عبدالله (ع): (إذا اردت أمرا فلا- تشاور فیہ احدا حتی تشاور ربک. قال الزأوی قلت: و کیف اشاور ربی؟ قال تقول: استخیر الله مائه مره، ثم تشاور الناس، فانّ الله یجرى لك الخیره علی لسان من احب) (۱۲۸). امام صادق (ع) فرمودند: هنگامی که اراده نمودی کاری را انجام دهی، با هیچ کس در آن امر مشورت مکن تا با خدای خود مشورت کنی. راوی می‌گوید از آن حضرت پرسیدم: چگونه با خدای خود مشورت کنم؟ فرمودند: صدبار می‌گویی (استخیر الله) یعنی از خدای متعال طلب خیر می‌کنم، سپس با مردم مشورت کن که خداوند خیر را برای تو بر زبان کسی که اراده دارد جاری می‌نماید. عن ابی عبدالله (ع) قال: (إذا اراد احدکم امرا فلا یشاورنّ فیہ احدا حتی یبدأ و یشاور الله تبارک و تعالی فیہ، قلت: و ما مشاورۃ الله؟ قال: یبدأ فیستخیر الله فیہ أولاً، ثم یشاور فیہ، فاذا بدء بالله تبارک و تعالی اجرى الله له الخیره علی لسان من یشاء من الخلق) (۱۲۹). امام صادق (ع) فرمودند: هرگاه کسی از شما قصد انجام کاری را داشت در مورد آن با هیچ کس مشورت نکند، تا اینکه نخست با خدای تبارک و تعالی در مورد آن مشورت نماید. از حضرت سؤال شد: مشورت کردن با خدا چگونه است؟ فرمودند: نخست از خدا طلب خیر نماید و سپس در مورد آن امر به مشورت پردازد که اگر چنین نمود خداوند خیر و برکت را برای او بر زبان کسی که خدا اراده فرماید جاری خواهد ساخت. عن الحسن بن راشد، قال: قال ابو عبدالله (ع): (یا حسن، اذا أنزلت بک نازلۃ فلا تشکها الی أحد من اهل الخلاف، ولكن اذکرها لبعض اخوانک فانک لن تعدم خصله من اربع خصال: اما کفایه (بمال) و اما معونه بجاه أو دعوة تستجاب أو مشورۃ برأی) (۱۳۰). از حسن بن راشد روایت شده که امام صادق (ع) فرمودند: ای حسن! اگر حادثه‌ای برای تو رخ داد، آن را برای هیچ یک از دشمنان بازگو مکن، و تنها با یکی از برادرانت در میان بگذار که از یکی از این چهار امر بی‌بهره نخواهی ماند: یا این که تو را کفایت می‌کند (تو را در حل آن کمک کند) یا اینکه با جاه و مقام تو را یاری نماید، و یا با دعای مستجاب تو را دعا کند، و یا با مشورت راه چاره را برای تو باز گوید. عن ابی عبدالله (ع): (قال لقمان لابنه: اذا سافرت مع قوم فأكثر استشارتهم فی امرک و امورهم... واجهد رأیک لهم اذا استشاروک، ثم لا- تعزم حتی تثبت و تنظر، ولا- تجب فی مشورۃ حتی تقوم فیها و تقعد و تأکل و

تصلی و انت مستعمل فکرتک و حکمتک فی مشورتک، فان من لم یمحض النصیحۃ لمن استشاره سلبه الله رأیه، و نزع منه الامانة(۱۳۱). امام صادق (ع) می‌فرماید: لقمان خطاب به فرزند خود گفت: اگر با قومی مسافرت کردی، با آنها در کارهای خود بسیار مشورت کن... و اگر از تو مشورت و نظر خواستند از نهایت تلاش خود در آن امر کوتاهی مکن و هیچ تصمیمی مگیر تا زمانی که آن را مورد ارزیابی قرار دهی، و هیچ مشورت خواهی را نپذیر، مگر این که ایده و نظر خود را در مشورت هنگام خوردن و آشامیدن، اقامه نماز و نشست و برخاست به کارگیری، زیرا کسی که از بذل نصیحت به شخصی که با او مشورت کند، کوتاهی کند، خداوند رأی و بینش او را سلب و امانت داری را از او خواهد گرفت. عن ابی عبدالله (ع): (استشیروا فی أمرکم، الذین یخشون ربهم)(۱۳۲). امام صادق (ع) فرمودند: در کارهای خود، تنها با کسانی که از خدا می‌ترسند، مشورت کنید. عن إسحاق بن عمار، قال ابو عبدالله (ع): (إذا اراد احدکم ان یشتری أو یبیع أو یدخل فی أمر فلیتدیء بالله و یسأله، قال: قلت فما یقول؟ قال: یقول: اللهم انی ارید کذا و کذا، فإن کان خیرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی و عاجل امری و آجله، فیسیره لی و ان کان شرّا فی دینی و دنیای فاصرفه عنی، رب اعزم لی علی رشدی، و ان کرهته و أبتة نفسی، ثم یستشیر عشرة من المؤمنین، فإن لم یقدر علی عشرة ولم یصب الا خمسة فیستشیر خمسة مرتین، فإن لم یصب الا- رجلین فلیستشرهما خمس مرّات، فإن لم یصب الا- رجلا- واحدا فلیستشره عشر مرّات)(۱۳۳). اسحاق بن عمار می‌گوید: امام صادق (ع) فرمودند: هر گاه کسی از شما به خرید و فروش خواست بپردازد و یا در کاری اقدام نماید پس کار خود را از خدا شروع کند و از او سؤال نماید. اسحاق می‌گوید: از حضرت سؤال کردم چه بگویند؟ حضرت فرمودند: بگویند، خدایا در این کار که قصد انجام آن را دارم، اگر به صلاح دین و دنیای من و برای زمان حال و آینده در امور من مفید باشد پس آن را برای من میسر فرما، و اگر برای دین و دنیای من شر باشد آن را از من دور گردان. خداوند! در پیمودن راه رشد و هدایت به من قاطعیت عطا کن، گرچه نفس من از آن بیزار باشد. و سپس ده نفر از مؤمنین و اگر ممکن نبود و فقط پنج مؤمن را یافت پس با هریک از آنها دو بار مشورت کند، و اگر فقط دو مؤمن را یافت پس پنج بار با هریک از آنها به مشورت پردازد، و اگر تنها یک نفر را یافت پس ده بار او مشورت کند. عن الامام الصادق (ع): (المستبد برأیه موقوف علی مداحض الزلل)(۱۳۴). امام صادق (ع) فرمودند: کسی که در رأی خود مستبد باشد، بر لبه پرتگاه خطا و اشتباه قرار گرفته است. عن جعفر بن محمد (ع): (ثلاثة هنّ قاصمات الظهر: رجل استکثر عمله، و نسی ذنوبه و أعجب برأیه)(۱۳۵). امام صادق (ع) فرمودند: سه چیز کمرشکن است: مردی که کارهای خوب خود را بسیار شمارد، و گناهان خود را فراموش کند، و خود رأی و از خود راضی باشد. عن ابی عبدالله (ع): (لا- یطمعنّ ذوالکبر فی الثناء الحسن ولا القلیل التجربة المعجب برأیه فی رئاسه)(۱۳۶). امام صادق (ع) فرمودند: هرگز افراد خودخواه و متکبر در تعریف و تمجید دیگران از آنها، و افراد کم تجربه و خودرأی در ریاست، طمع نورزند. عن ابی عبدالله (ع): (من اعجب بنفسه هلک، و من أعجب برأیه هلک، و ان عیسی بن مریم (ع) قال: داویت المرضی فشفیتهم باذن الله و ابرأت الا- کمه و الا- برص باذن الله، و عالجت الموتی فأحییتهم باذن الله، و عالجت الاحمق فلم اقدر علی اصلاحه، فقیل: یا روح الله و ما الأحمق؟ قال: المعجب برأیه و نفسه، الّمدی یری الفضل کلّه له لا علیه، و یوجب الحقّ کلّه لنفسه، ولا یوجب علیه حقّا فذاک الأحمق الذی لا حيلة فی مداواته)(۱۳۷). امام صادق (ع) فرمودند: هر کس که از خود راضی باشد هلاک شود، و آنکس که خود رأی باشد هلاک گردد. و عیسی بن مریم (ع) می‌گوید: بیماران را مداوا و به اذن خدا شفا دادم و افراد نابینا و مبتلا به پستی را به اذن خدا درمان کردم و مردگان را به اذن او زنده ساختم اما از درمان افراد احمق عاجز ماندم. گفته شد یا نبی الله، احمق کیست؟ گفت: احمق کسی است که از خود و رأی خود راضی و خشنود باشد و تمامی فضیلت‌ها را برای خود می‌بیند و هر آنچه حق است برای خود می‌پندارد نه علیه خود، درمان چنین احمقی امکان‌پذیر نیست. عن ابی عبدالله (ع) قال: قال رسول الله (ص) (مشاوره العاقل التّاصح رشد و یمن و توفیق من الله، فاذا اشار علیک التّاصح العاقل فیاک والخلاف، فإنّ فی ذلک العطب)(۱۳۸). امام صادق (ع) از جدّ بزرگوارش پیامبر اکرم (ص) روایت می‌کند که فرمودند: مشورت با افراد عاقل و ناصح، رشد و یمن و توفیق از خداست، پس

اگر فرد ناصح و عاقل نظر خود را برای تو بازگو کرد از مخالفت با او بپرهیز که آسیب می‌بینی. عن ابی‌عبدالله (ع) قال: کان امیرالمؤمنین (ع) اذا صعد المنبر قال: (ینبغی للمسلم ان یتجنب مواخاة ثلاثة: الماجن والأحمق والكذاب، أمّا الأحمق: فأنه لا یشیرعلیک بخیر، ولا یرجى تصرف السوء عنک ولو اجهد نفسه، و ربّما اراد منفعتک فضرک، فموتہ خیر من حیاته، و سکوتہ خیر من نطقه، و بعده خیر من قربه) (۱۳۹). امام صادق (ع) فرمودند: هرگاه امیر مؤمنان (ع) بر منبر می‌نشستند می‌فرمودند: انسان مسلمان باید از دوستی و برادری با سه نفر بپرهیزد، افراد فاسد، احمق و دروغگو، فرد احمق، هیچگاه تو را به نیکی راهنمایی نخواهد کرد، و امید دفع سوء و بدی از جانب او نمی‌رود حتی اگر نهایت کوشش خود را نماید، و چه بسا خواهد به تو سود برساند ولی در واقع به تو ضرر می‌رساند، پس مرگ او بهتر از زندگی و حیاتش خواهد بود، و سکوت او بهتر از سخن گفتنش، و دوری او بهتر از نزدیک بودن او است. عن ابی‌عبدالله (ع) قال: سمعته یقول کان أبی (ع) یقول: (واستشر فی امورک اللّذین یخشون ربهم) (۱۴۰). امام صادق (ع) فرمودند: از پدرم شنیدم که فرمودند: در کارهایت با کسانی که از خدا می‌ترسند مشورت کن. عن ابی‌عبدالله (ع): (ما یمنع احدکم اذا ورد علیه ما لا قبل له به ان یستشیر رجلا عاقلا له دین و ورع، ثم قال ابو عبدالله: اما انه اذا فعل ذلک لم یخذله الله بل یرفعه الله و رماه بخیر الامور و اقربها الی الله) (۱۴۱). امام صادق (ع) فرمودند: اگر با وضعیتی مواجه شدید که از آن آگاه نیستید چه چیز شما را از مشورت با انسان عاقل دین دار و پرهیزکار باز می‌دارد سپس فرمودند: پس اگر انسان مشورت کرد خداوند او را خوار و کوچک نمی‌گرداند و او را عزت می‌دهد، و به بهترین کارها و نزدیک‌ترین راه‌ها هدایت می‌کند. عن ابی‌عبدالله (ع): (استشر العاقل من الرجال الورع، فإِنَّه لا یأمر إلا بخیر، و ایتاک والخلاف، فإنّ مخالفه الورع العاقل مفسده فی الدین والدنیا) (۱۴۲). امام صادق (ع) فرمودند: با مردان عاقل و پرهیزکار مشورت کن که جز به نیکی، سفارش نکنند، و از اختلاف با آنها بپرهیز که نتیجه‌ای جز فساد دین و دنیا را به دنبال نخواهد داشت. عن سفیان الثوری قال: لقی الصّادق بن الصادق جعفر بن محمّد (ع) فقلت له: یا بن رسول الله أوصنی فقال لی: (و شاور فی أمرک اللّذین یخشون الله عزّ و جلّ) (۱۴۳). سفیان ثوری می‌گوید: به ملاقات امام صادق (ع) رفتم و به آن حضرت عرض کردم: ای پسر رسول خدا! مرا پند و اندرزی بفرما، پس فرمودند: با کسانی که از خدا می‌ترسند در کارهای خود مشورت کن. عن ابی‌عبدالله (ع): (لا تشاور احمق یجهد لک نفسه ولا یبلغ ما ترید) (۱۴۴). امام صادق (ع) فرمودند: با احمق مشورت مکن که هرچند تلاش کند تو را به هدف و مقصود نمی‌رساند. عن الصّادق (ع): (شاور فی امورک ممّا یقتضی الدین من فیه خمس خصال: عقل و علم و تجربه و نصح و تقوی، فإن لم تجد فاستعمل الخمسة و اعزم و توکل علی الله، فإنّ ذلک یؤدیک الی الصّواب، و ما کان من امور الدنیا الّتی هی غیر عائده الی الدین فارفضها ولا تتفکر فیها، فانّک اذا فعلت ذلک اصبت برکة العیش و حلاوة الطاعة، و فی المشورة اکتساب العلم، و العاقل من یتفید منها علما جدیدا و یتدلّ به علی المحصول من المراد. و مثل المشورة مع اهلها مثل التّفکر فی خلق السّموات و الأرض و فنائهما و هما غیبان عن العبد لأنّه کلّما تفکر فیهما غاص فی بحور نورالمعرفة و ازداد بهما اعتبارا و یقینا ولا تشاور من لا یصدّقه عقلک و ان کان مشهورا بالعقل و الورع و اذا شاورت من یصدّقه قلبک فلا تخالفه فیما یشیر به علیک و ان کان بخلاف مرادک فإنّ النّفس تجمع عن قبول الحقّ و خلافها عند قبول الحقائق أبین. قال الله تعالی: (و شاورهم فی الأمر) و قال الله تعالی: (و امرهم شوری بینهم) ای متشاورون فیه) (۱۴۵). امام صادق (ع) فرمودند: در کارهای خود از آنچه دین اقتضاء می‌کند با کسی مشورت کن که پنج ویژگی در او باشد: عقل و علم و تجربه و تقوا داشته و نصیحت کند، پس اگر چنین فردی را نیافتی این پنج خصلت را به کار گیر و تصمیم بگیر و به خداوند توکل نما، که تو را به راه درست خواهد رساند، و کارهای دنیا را که به دین مربوط نمی‌شود رها کن و به آنها فکر نکن، و اگر چنین کردی به برکت زندگی و شیرینی طاعت و عبادت دست خواهی یافت. در مشورت اکتساب علم است، و عاقل کسی است که علم جدیدی از آن مشورت به دست آورد و به وسیله آن به مقصود خود برسد. مشورت کردن با اهل آن مانند تفکر در خلقت زمین و آسمان، و فانی گشتن آنها که از امور غیبیه است می‌باشد. زیرا هرچه انسان در آنها بیش تر بیندیشد وارد دریای معرفت و شناخت خواهد شد

و بر اعتبار و یقین او افزوده می‌شود. با کسی که عقل تو او را قبول ندارد مشورت مکن، حتی اگر به پرهیزکاری و داشتن عقل معروف باشد. و اگر با کسی که قلبت او را باور می‌کنند مشورت کردی، پس در مشورت و نظر او مخالفت مکن حتی اگر نظر او برخلاف خواست تو باشد، زیرا نفس انسان از پذیرفتن حق خودداری می‌کند، و خلاف آن در پذیرش حقیقت‌های آشکار است. پروردگار متعال می‌فرماید: (در کارها با آنها مشورت کن) و می‌فرماید: (کارهایشان میان آنها شورایی است) یعنی در آن با یک دیگر مشورت می‌کنند. عن عمّار السَّاباطی قال: قال ابو عبدالله (ع): (یا عمّار ان كنت تحبّ ان تستتبّ لك النعمة و تکمل لك المودة (المروّة) و تصلح لك المعيشة فلا تستشر العبد والسيف في امرك، فإنك ان ائتممتهم خانوك، و ان حدّثوك كذبوك، و ان نكبت خذلوك، و ان وعدوك موعدا لم يصدّقوك) (۱۴۶). عمّار ساباطی می‌گوید: امام صادق (ع) خطاب به من فرمودند: اگر دوام نعمت، کمال مودت و جوان مردی و صلاح زندگی را دوست داری، پس با بردگان و افراد کم عقل مشورت مکن، که اگر به آنها اطمینان کنی به تو خیانت می‌ورزند، و اگر با تو صحبت کنند به تو دروغ خواهند گفت و اگر دچار مشکل شدی و یا شکست خوردی تو را رها خواهند ساخت و اگر به تو وعده دادند به آن عمل نخواهند کرد. عن ابی عبدالله (ع): (ان المشورة لا تكون الا بحدودها، فمن عرفها بحدودها و الا كانت مضرتها على المستشير اكثر من منفعتها له. فأولها: ان يكون الذي تشاوره عاقلا، والثانية: ان يكون حرا متدينا والثالثة: ان يكون صديقا مؤاخيا، والرابعة: ان تطلع على سرّك، فيكون علمه به كعلمك بنفسك، ثم يستر ذلك و يكتمه: فانه اذا كان عاقلا انتفعت بمشورته. و اذا كان حرا متدينا أجهد نفسه في النصيحة لك، و اذا كان صديقا مؤاخيا كنتم سرّك اذا أطلعت على سرّك، و اذا أطلعت على سرّك فكان علمه به كعلمك به تمت المشورة و كملت النصيحة) (۱۴۷). امام صادق (ع) فرمودند: مشورت تنها در محدوده شرایط آن صحیح و به جا است، پس کسی به آن عمل می‌کند که شرایط آن را شناخته باشد و گرنه ضرر آن برای مشورت کننده بیش از نفع آن خواهد بود. اول: طرف مشورت تو عاقل باشد، دوم: آزاده و دین دار باشد، سوم: دوست و برادر باشد، چهارم: اگر او را از راز خود آگاه ساختی تا شناخت او از تو، همانند شناخت خودت از نفست باشد، آن راز را پنهان کند. زیرا اگر عاقل باشد از مشورت کردن با او سود می‌بری، اگر آزاده و متدین باشد هنگام نصیحت کردن به تو از هیچ کوششی کوتاهی نخواهد کرد و اگر دوست و برادرت باشد، هنگامی که به راز تو آگاه شود آن را پنهان کند، و اگر آگاهی او از رازت به اندازه خودت باشد، مشورت تمام و نصیحت به حدّ کمال خواهد رسید. عن ابی عبدالله (ع): (قال أتی رجل الی أمير المؤمنين (ع) فقال: جئتک مستشیرا... فقال (ع): المستشار مؤتمن) (۱۴۸). امام صادق (ع) فرمودند: مردی خدمت امیر مؤمنان (ع) رسید و عرضه داشت: برای مشورت خدمت شما آمده‌ام... پس حضرت فرمودند: مشاور امانت دار است. عن الصادق (ع) عن آبائه عن النبی (ص): (من استشاره اخوه المؤمن فلم یمحضه النصيحة سلبه الله لبه) (۱۴۹). امام صادق (ع) از پدران خود از پیامبر اکرم (ص) روایت می‌کند که فرمودند: کسی که مورد مشورت برادر مسلمانش قرار گیرد و نظر واقعی خود را به او نگوید، خدای متعال عقلش را زایل می‌کند. عن ابی عبدالله (ع): (من استشار اخاه فلم یصححه محض الرأی سلبه الله عزّ و جلّ رأیه) (۱۵۰). امام صادق (ع) فرمودند: آن کس که مورد مشورت برادر دینی خود قرار گیرد و با رأی واقعی خود او را نصیحت نکند، خداوند متعال رأی و بینش او را زایل می‌گرداند. عن ابی عبدالله (ع): (لا تكوننّ اولّ مشیر، و إیّاک والرأی الفطیر، و تجنّب ارتجال الکلام، ولا تشر علی مستبدّ برأیه، ولا علی و غد، ولا علی متلونّ، ولا علی لجوج، و خف الله فی موافقه هوی المستشیر، فإنّ التماس موافقه لؤم و سوء الاستماع منه خیانة) (۱۵۱). امام صادق (ع) می‌فرمایند: هیچ‌گاه اولین مشاور مباش، و از بیان نظرها و آراء بی‌فایده و بی‌محتوا و از سبقت در کلام پرهیز، و نظر و مشورت خود را برای کسی که در رأی خود مستبد است و یا برای افراد احمق و کم عقل و فریب کار و لجوج بیان مکن، و در اظهار نظر بر طبق خواسته طرف مشورت از خدا بترس، زیرا که پذیرفتن نظر او به پستی می‌انجامد و نتیجه آن خیانت است. عن ابی عبدالله (ع): (لا تشر علی المستبدّ برأیه) (۱۵۲). امام صادق (ع) می‌فرمایند: به کسی که در رأی خود مستبد است نظر خود را بیان مکن. عن ابی عبدالله (ع)، فی وصیته: (اعلم انّ ضارب علیّ (ع) بالسيف و قاتله لو ائتمنی واستنصحنی

واستشارنی ثمّ قبلت ذلك منه لأدبیت الیه الأمانة (۱۵۳). امام صادق (ع) در وصیت خود می‌فرماید: آگاه باش! اگر قاتل امیرالمؤمنین (ع) و کسی که شمشیر بر او زد، مرا امانت دار خود بداند و از من نصیحت و مشورت بطلبد و انجام آن را بپذیرم، آن امانت را به او ادا خواهم کرد. عن الصادق (ع): (ثلاثة لا يعذر المرء فيها: مشاورة ناصح، و مداراة حاسد، والتجيب الى الناس) (۱۵۴).

امام صادق (ع) می‌فرماید: سه چیز است که انسان در آنها هیچ عذر و بهانه‌ای ندارد: مشورت کردن با فرد ناصح، مدارا نمودن با فرد حسود، اظهار دوستی با مردم. عن موسى بن جعفر (ع): انّ امیرالمؤمنین (ع) كان يقول: (لا يجلس فی صدر المجلس الا رجل فيه ثلاث خصال: يجيب اذا سئل، و ينطق اذا عجز القوم عن الكلام، و یشیر بالرأى الذى فيه صلاح اهله، فمن لم یکن فيه شیء منهنّ فجلس فهو أحمق) (۱۵۵). حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند: هیچ کس در صدر مجلس ننشیند مگر کسی که سه خصلت در او باشد: هنگامی که از او سؤال شود پاسخ دهد، و هنگامی که مردم از سخن گفتن ناتوان شوند، لب به سخن بگشاید و همان نظری را بیان کند که به نفع مردم باشد، و کسی که این خصلت‌ها در او نباشد و در صدر مجلس بنشیند احمق است. عن موسى بن جعفر (ع) قال علی بن الحسین (ع): (ارشاد المستشیر قضاء لحقّ التعمّة) (۱۵۶). حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: امام زین العابدین (ع) فرمودند: راهنمایی کردن کسی که خواهان مشورت است ادا کردن حقّ نعمت در مورد اوست. عن موسى بن جعفر (ع): (یا هشام مشاورة العاقل الناصح یمن و برکة و رشد و توفیق من الله، فاذا اشار عليك العاقل الناصح فإیّاك والخلاف فإنّ فی ذلك العطب) (۱۵۷). حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: ای هشام! مشورت با انسان عاقل و ناصح، خیر و برکت و هدایت و توفیق الهی را به دنبال دارد، پس اگر فرد عاقل و ناصح نظر خود را برای تو بازگو کرد از مخالفت با او بپرهیز چرا که موجب ضرر و زیان می‌باشد. عن موسى بن جعفر (ع): (من استشار لم یعدم عند الصواب مادحا و عند الخطأ عاذرا) (۱۵۸). حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: کسی که مشورت می‌کند هنگامی که به راه صحیح قدم نهد، او را ستایش کنند، و هنگامی که به خطا رود او را ملامت و سرزنش نکنند. عن أبی الحسن الرضا (ع) عن آبائه عن علی (ع) قال: قال رسول الله (ص): (یا علی لا تشاورنّ جباناً، فإنّه یضیق عليك المخرج ولا تشاورنّ بخيلاً، فإنّه یقصر بك عن غایتك، ولا تشاورنّ حریصاً، فإنّه یزین لك شرها، واعلم انّ الجبن والبخل والحرص غریزة یجمعها سوء الظنّ) (۱۵۹). حضرت علی بن موسی الرضا (ع) از پدران خود از امیر مؤمنان (ع) روایت می‌کند که فرمودند: پیامبر اکرم (ص) فرمودند: یا علی! با ترسو مشورت مکن، که بدی حرص و طمع را برای تو خوب جلوه خواهد داد، و هدفت را نابود می‌کند، و با آدم حریص مشورت نکن زیرا او بدیهایش را برایت زینت می‌دهد و آگاه باش که ترس و بخل و حرص و طمع غرایزی هستند که سوء ظن سبب جمع شدن آنها در وجود شخص می‌گردد. عن علی بن موسی الرضا عن أبیه عن آبائه (ع) عن رسول الله (ص) قال: (ما من قوم كانت لهم مشورة فحضرت معهم من اسمه محمّد (أو حامد) أو محمود أو أحمد) فادخلوه فی مشورتهم الاّ خیر لهم) (۱۶۰). امام رضا (ع) از پدران خود روایت می‌کند که فرمودند: هنگامی که قومی در حال مشورت با یک دیگر باشند و فردی به نام محمد (احمد، حامد، یا محمود) بر آنها وارد شود و او را در مشورت خود شریک سازند به خیر و برکت خواهند رسید. عن ابی جعفر الجواد (ع) فی حدیث: (ان المشورة مباركة). قال الله تعالی لنبیّه فی محکم کتابه: (فأعف عنهم واستغفر لهم و شاورهم فی الأمر فاذا عزم فتوكل علی الله انّ الله یحبّ المتوكلین) (۱۶۱). حضرت جواد الائمه (ع) فرمودند: مشورت یک امر مبارک است، خداوند در قرآن مجید خطاب به پیامبرش می‌فرماید: (آنها را مورد عفو بخشش قرار داده و برای آنها طلب آموزش کن، و در کارها با آنها مشورت کن، و هرگاه تصمیم گرفتی، به خدا توکل کن که خداوند متوکلین را دوست دارد). عن ابی جعفر الجواد (ع): (ما حار من استخار، ولا ندم من استشار) (۱۶۲). حضرت جواد الائمه (ع) فرمودند: کسی که طلب خیر کند ضرر نکند و کسی که مشورت کند، پشیمان نشود. عن ابی جعفر الجواد عن آبائه عن امیرالمؤمنین (ع): (خاطر بنفسه من استغنی برأیه) (۱۶۳). حضرت جواد الائمه (ع) به نقل از پدران بزرگوارشان از امیر مؤمنان (ع) روایت می‌کند که فرمودند: آن کس که با تکیه بر نظرش خود را از دیگران بی‌نیاز پندارد خود را به خطر انداخته است. از خداوند متعال خواهانیم

که به مسلمانان توفیق عمل و اجرای دستورات دین مبین اسلام را عنایت فرماید. (آنه سمیع محیب)

قم مقدس - محمد شیرازی

- ۱ - الدر المنثور: ص ۱۰۶ . ۲ - تفسیر ابوالفتوح: ج ۳ ص ۲۲۸ . ۳ - بحار الانوار، جلد ۷۵ ص ۱۰۵ ح ۴ (کلیه روایاتی که از کتاب بحار الانوار نقل شده، چاپ بیروت می باشد). ۴ - وسائل الشیعه: ج ۵ ص ۲۱۶ ح ۱۱ . ۵ - تفسیر ابوالفتوح: ج ۳ ص ۲۲۸ . ۶ - بحار الانوار: ج ۷۴ ص ۱۳۹ ح ۱ . ۷ - تفسیر نورالثقلین: ج ۱ ص ۴۰۴ . ۸ - مجمع البیان: ج ۳ ص ۳۳ . ۹ - مکارم الاخلاق: ص ۱۲۴ . ۱۰ - الدر المنثور: ج ۲ ص ۹۰ . ۱۱ - تفسیر التستری: ص ۲۸ . ۱۲ - تفسیر التستری: ص ۲۸ . ۱۳ - تفسیر التستری: ص ۲۸ . ۱۴ - مستدرک الوسائل: ج ۸ ص ۳۴۲ ص ۹۶۱۰ . ۱۵ - بحار الانوار: ج ۷۲ ص ۱۰۵ ح ۴۱ . ۱۶ - وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۴۰۹ ح ۱۷ . ۱۷ - ادب المفرد: ص ۴۰ . ۱۸ - وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۴۲۹ ح ۲ . ۱۹ - من لا یحضره الفقیه: ج ۴ ص ۳۸۵ ح ۵۸۳۴ . ۲۰ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۶۳ . ۲۱ - بحار الانوار: ج ۴۶ ص ۴۱۰ ح ۱۲۵ . ۲۲ - وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۴۵۵ ح ۱ . ۲۳ - بحار الانوار: ج ۷۲ ص ۱۰۴ ح ۳۸ . ۲۴ - مستدرک الوسائل: ج ۸ ص ۳۴۱ ح ۹۶۰۷ . ۲۵ - مستدرک الوسائل: ج ۸ ص ۳۴۱ ح ۹۶۰۷ . ۲۶ - وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۴۲۵ ح ۵ . ۲۷ - وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۴۲۴ ح ۲۸ . ۲۸ - بحار الانوار: ج ۷۲ ص ۱۰۵ ح ۳۹ . ۲۹ - روضه الکافی: ج ۸ ص ۱۹ ح ۴ . ۳۰ - مستدرک الوسائل: ج ۸ ص ۳۴۱ ح ۹۶۰۹ . ۳۱ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۴۸ . ۳۲ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۴۹ . ۳۳ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۵۱ . ۳۴ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۵۱ . ۳۵ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۵۹ . ۳۶ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۵۹ . ۳۷ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۵۶ . ۳۸ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۴۴ . ۳۹ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۵۴ . ۴۰ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۵۴ . ۴۱ - غررالحکم: ص ۴۴۳ ح ۱۰۱۰۷ . ۴۲ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۸۰ . ۴۳ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۵۵ . ۴۴ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۸۱ . ۴۵ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۷۹ . ۴۶ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۷۰ . ۴۷ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۶۸ . ۴۸ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۴۹۶ . ۴۹ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۸۳ . ۵۰ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۶۴ . ۵۱ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۷۴ . ۵۲ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۴۵ . ۵۳ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۴۵ . ۵۴ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۴۶ . ۵۵ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۴۷ . ۵۶ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۵۴ . ۵۷ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۵۳ . ۵۸ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۷۲ . ۵۹ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۶۰ . ۶۰ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۶۹ . ۶۱ - غررالحکم: ص ۴۴۱ ح ۱۰۰۴۳ . ۶۲ - غررالحکم: ص ۴۷۵ ح ۱۰۸۸۱ . ۶۳ - غررالحکم: ص ۳۰۹ ح ۷۱۰۷ . ۶۴ - غررالحکم: ص ۳۰۹ ح ۷۱۱۰ . ۶۵ - غررالحکم: ص ۴۴۳ ح ۱۰۱۱۱ . ۶۶ - غررالحکم: ص ۳۴۷ ح ۷۹۹۱ . ۶۷ - غررالحکم: ص ۳۴۷ ح ۷۹۸۸ . ۶۸ - غررالحکم: ص ۳۴۷ ح ۷۹۸۸ . ۶۹ - غررالحکم: ص ۳۴۷ ح ۷۹۹۲ . ۷۰ - غررالحکم: ص ۱۵۸۱ . ۷۱ - غررالحکم: ص ۳۴۷ ح ۷۹۹۰ . ۷۲ - غررالحکم: ص ۲۶۶۴ . ۷۳ - غررالحکم: ص ۵۵ ح ۴۸۳ . ۷۴ - غررالحکم: ص ۳۴۷ ح ۷۹۸۵ . ۷۵ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۷۶ . ۷۶ - بحار الانوار: ج ۷۲ ص ۱۰۵ ح ۳۹ . ۷۷ - بحار الانوار: ج ۷۱ ص ۱۷۸ ح ۱۹ . ۷۸ - مستدرک الوسائل: ج ۸ ص ۳۴۹ ح ۹۶۲۹ . ۷۹ - غررالحکم: روایت ۲۵۶۵ . ۸۰ - غررالحکم: ص ۴۴۳ ح ۱۰۰۹۷ . ۸۱ - غررالحکم: ص ۷۵ ح ۱۱۸۲ . ۸۲ - غررالحکم: روایت ۵۵۰۹ . ۸۳ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۷۸ . ۸۴ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۷۷ . ۸۵ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۹۱ . ۸۶ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۹۲ . ۸۷ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۷۵ . ۸۸ - مستدرک الوسائل: ج ۸ ص ۳۴۹ ح ۹۶۲۹ . ۸۹ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۸۲ . ۹۰ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۸۸ . ۹۱ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۸۷ . ۹۲ - غررالحکم: ص ۷۳ ح ۱۱۱۷ . ۹۳ - غررالحکم: روایت ۹۹۵۳ . ۹۴ - غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۸۴ . ۹۵ - غررالحکم: ص ۵۵ ح ۹۴ قسمت اول و ص ۷۵ ح ۱۸۲ قسمت دوم . ۹۶ - غررالحکم: ص ۶۵ ح ۸۵۳ . ۹۷ - وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۴۲۶ ح ۴ . ۹۸ - بحار الانوار: ج ۷۴ ص ۳۹۱ ح ۱۱ . ۹۹ - غررالحکم: روایت‌های ۸۱۴۸ و ۸۱۵۷ . ۱۰۰ - غررالحکم: ص ۴۴۳ ح ۱۰۰۹۹ . ۱۰۱ - غررالحکم: ص ۴۴۳ ح ۱۰۱۰۲ . ۱۰۲ -

غررالحکم: ص ۴۴۳ ح ۱۰۰۹۶ . ۱۰۳ . بحار الانوار: ج ۶۸ ص ۳۴۱ ح ۱۰۴ . ۱۴ . بحار الانوار: ج ۶۸ ص ۳۴۱ ح ۱۰۵ . نهج البلاغه: خطبه ۲۱۵ ح ۱۰۶ . ۶۰۶ . غررالحکم: ص ۴۴۳ ح ۱۰۰۹۵ . ۱۰۷ . غررالحکم: ص ۴۴۳ ح ۱۰۱۰۳ . ۱۰۸ . غررالحکم: ص ۴۴۳ ح ۱۰۱۰۶ . ۱۰۹ . غررالحکم: ص ۴۴۳ ح ۱۰۱۰۱ . ۱۱۰ . بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۷۸ ح ۱۸۳ . ۱۱۱ . بحار الانوار: ج ۱۰۰ ص ۲۵۳ ح ۵۶ . ۱۱۲ . مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۴۵۲ ح ۱۵۸۷۶ . ۱۱۳ . غررالحکم: ص ۴۴۳ ح ۱۰۰۹۳ . ۱۱۴ . غررالحکم: ص ۴۴۲ ح ۱۰۰۷۱ . ۱۱۵ . وسائل الشیعه: ج ۱۱ ص ۱۳۱ ح ۱ . ۱۱۶ . بحار الانوار: ج ۷۱ ص ۱۸ ح ۲ . ۱۱۷ . صحیفه سجادیه: دعای شماره ۳۶ . ۱۱۸ . وسائل الشیعه: ج ۱۱ ص ۱۳۱ ح ۱ . ۱۱۹ . مستدرک الوسائل: ج ۱۱ ص ۱۶۶ . ۱۲۰ . بحار الانوار: ج ۱۳ ص ۳۷۵ ح ۶۲ . ۱۲۱ . روضه الکافی: ج ۸ ص ۱۸ ح ۴ . ۱۲۲ . بحار الانوار: ج ۴ ص ۲۰۳ ح ۱ . ۱۲۳ . وسائل الشیعه: ج ۲ ص ۴۲۴ ح ۲ . ۱۲۴ . مستدرک الوسائل: ج ۸ ص ۳۴۱ ح ۶۰۶ . ۱۲۵ . اصول الکافی: ج ۱ ص ۲۹ ح ۳۶ . ۱۲۶ . وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۴۲۴ ح ۴ . ۱۲۷ . وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۴۲۴ ح ۱ . ۱۲۸ . وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۴۲۴ ح ۱ . ۱۲۹ . بحار الانوار: ج ۸۸ ص ۲۵۲ ح ۱ . ۱۳۰ . بحار الانوار: ج ۷۸ ص ۷ ح ۱۱ . ۱۳۱ . من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۹۶ ح ۲۵۰۵ . ۱۳۲ . وسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۳۲ ح ۵۵۶۴ و فيه (استشرا فی امورک). ۱۳۳ . بحار الانوار: ج ۸۸ ص ۲۵۲ ح ۳ . ۱۳۴ . مستدرک الوسائل: ج ۸ ص ۳۴۲ ح ۹۶۱۰ . ۱۳۵ . وسائل الشیعه: ج ۱ ص ۷۳ ح ۶ . ۱۳۶ . بحار الانوار: ج ۷۵ ص ۱۹۵ ح ۱۴ . ۱۳۷ . مستدرک الوسائل: ج ۱ ص ۱۳۸ ح ۲۰۱ . ۱۳۸ . وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۴۲۶ ح ۶ . ۱۳۹ . اصول الکافی: ج ۲ ص ۳۷۶ ح ۶ . ۱۴۰ . بحار الانوار: ج ۷۱ ص ۱۹۶ ح ۲۸ . ۱۴۱ . وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۴۲۶ ح ۱۱ . ۱۴۲ . بحار الانوار: ج ۸۸ ص ۲۵۴ ح ۵ . ۱۴۳ . مستدرک الوسائل: ج ۸ ص ۳۴۴ ح ۹۶۱۵ . ۱۴۴ . بحار الانوار: ج ۷۵ ص ۲۲۹ ح ۱۰۷ . ۱۴۵ . مستدرک الوسائل: ج ۸ ص ۳۴۴ ح ۹۶۱۸ . ۱۴۶ . بحار الانوار: ج ۷۲ ص ۹۹ ح ۹ . ۱۴۷ . وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۴۲۶ ح ۸ . ۱۴۸ . بحار الانوار: ج ۴۳ ص ۳۳۷ ح ۹ . ۱۴۹ . مستدرک الوسائل: ج ۳۴۶ ص ۸ ح ۹۶۲۱ . ۱۵۰ . اصول الکافی: ج ۲ ص ۳۶۳ ح ۵ . ۱۵۱ . بحار الانوار: ج ۷۲ ص ۱۰۴ ح ۳۷ . ۱۵۲ . مستدرک الوسائل: ج ۸ ص ۳۴۲ ح ۹۶۱۰ . ۱۵۳ . وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۲۲۳ ح ۸ . ۱۵۴ . بحار الانوار: ج ۷۵ ص ۲۳۲ ح ۱۰۷ . ۱۵۵ . بحار الانوار: ج ۷۵ ص ۲۳۲ ح ۱۰۷ . ۱۵۶ . اصول الکافی: ج ۱ ص ۲۰ ح ۱۲ . ۱۵۷ . وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۴۲۶ ح ۶ (و فيه عن أبي عبدالله عليه السلام). ۱۵۸ . مستدرک الوسائل: ج ۸ ص ۳۴۲ ح ۹۶۱۱ . ۱۵۹ . بحار الانوار: ج ۶۸ ص ۳۸۶ ح ۴۷ . ۱۶۰ . مستدرک الوسائل: ج ۱۵ ص ۱۳۰ ح ۱۷۷۵۸ . ۱۶۱ . بحار الانوار: ج ۷۲ ص ۱۰۳ ح ۳۴ . ۱۶۲ . وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۲۶۵ ح ۸ . ۱۶۳ . بحار الانوار: ج ۷۲ ص ۹۸ ح ۱ .

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

